



تطبيق مکتب سردار ایمنی
با مکتب انقلاب اسلامی

علیرضا مظاهری
حسن وثوق زاده



۹
تطبیق مکتب سردار سلیمان
با مکتب انقلاب اسلامی

علیرضا مظاهری
حسن وثوق زاده



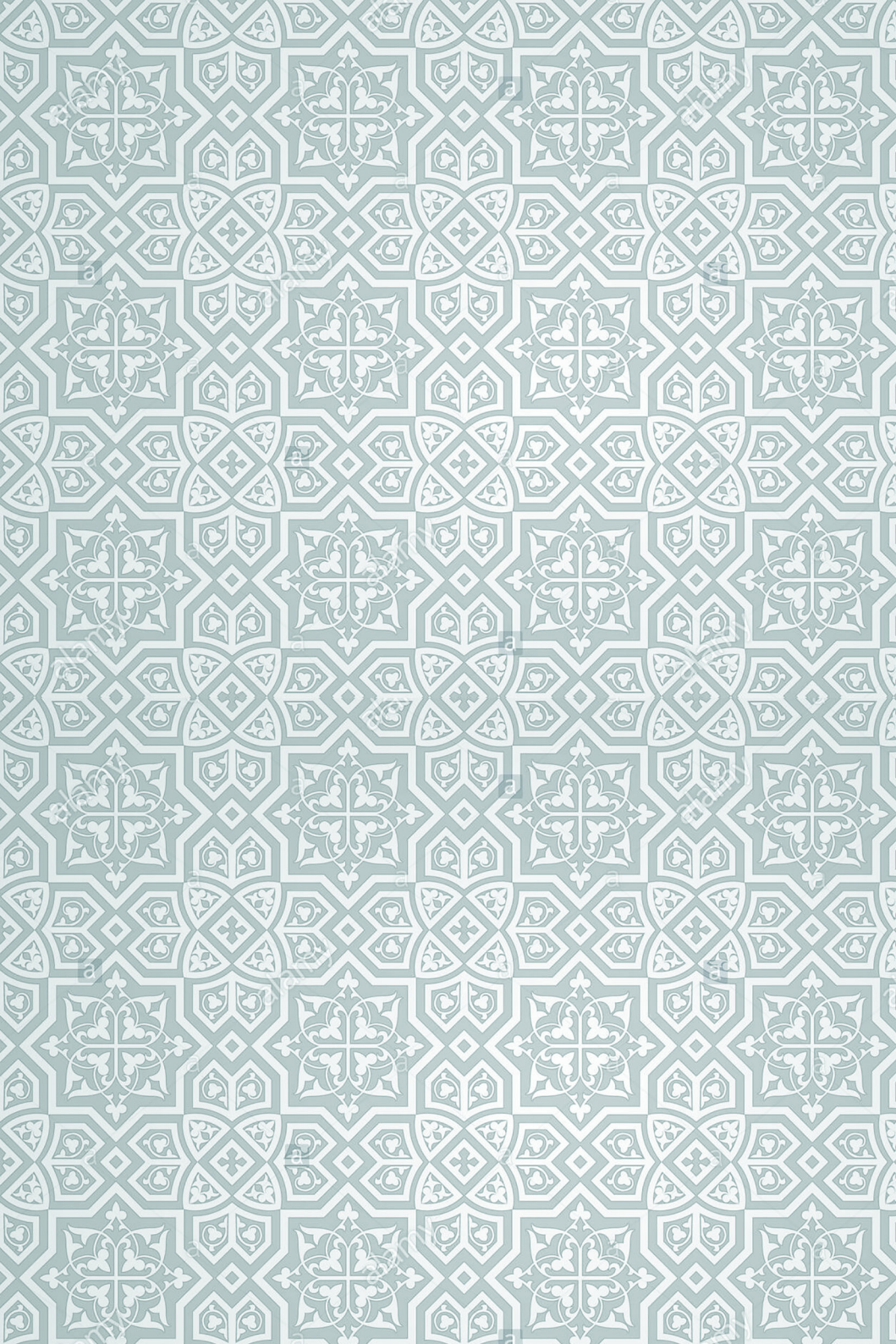
انتشارات مرتضی دشت

تطبیق مکتب سردار سلیمانی با مکتب انقلاب اسلامی

تألیف: علیرضا مظاهری - حسن وثوق زاده
ناشر: انتشارات مرتضی دشت
تاریخ و نوبت چاپ: ۱۳۹۹-اول
شمارگان: ۵۰۰
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۸۱۹-۵۲-۴
قیمت: ۲۸۰۰۰۰ /- ریال
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: اولدوز

این اثر مشمول قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است. هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه ناشر، نشر یا پخش کند مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

تبریز - خیابان دانشگاه - جنب درب دانشکده دندانپزشکی - تلفاکس: ۳۳۳۶۲۴۷۷۳



فهرست

مقدمه ۱۱

بخش اول

اصول و مبانی مکتب امامین انقلاب و شهید سلیمانی ۱۵

پیشگفتار ۱۷

فصل اول

توحید، عبودیت و استکبار ستیزی ۱۸

گفتار اول

معرفت به توحید و خداشناسی ۱۸

۱- توحید در جهان بینی اسلامی ۲۰

۲- ویژگی جامعه‌ی توحیدی ۲۱

۳- ویژگی های انسان موحد ۲۱

۴- جلوه های عرفان و توحید در بیان شهید سلیمانی ۲۱

۶- توحید در وصیت نامه شهید سلیمانی ۲۳

گفتار دوم

استکبار ستیزی ۲۴

۱- لازمه خط توحید، ضدیت با استکبار ۲۵

۲- بزرگ‌ترین استکبار: آمریکا ۲۵

۳- مبارزه و استکبار ستیزی شهید سلیمانی ۲۶

خطاب سردار سلیمانی به آمریکا ۲۸

فصل دوم

اعتقاد به معاد، حیات پس از مرگ و شهادت طلبی ۲۹

گفتار اول: معاد و تداوم حیات پس از مرگ ۲۹

۱- آثار اعتقاد قلبی به معاد ۳۰

۳۱ - اعتقاد به معاد و ترس از قیامت در وصیت نامه شهید سلیمانی.....

گفتار دوم

۳۲ چگونگی حیات پس از مرگ از راه شهادت.....

۳۲ - شهیدان در نشئه‌ی پس از مرگ، اندوه و بیمی ندارند.....

۳۳ - شهادت، مرگ تاجرانه.....

۳۵ - شهادت در بیان و سیره شهید سلیمانی.....

۳۵ شرط شهید شدن.....

۳۵ آرزوی شهادت شهید سلیمانی.....

۳۷ ویژگی‌های شهادت شهید سلیمانی.....

۳۷ برکات شهادت شهید سلیمانی.....

فصل سوم

۳۹ اعتقاد به امامت و اصل ولایت پذیری.....

گفتار اول

۳۹ معنا و مفهوم امامت و ولایت.....

۳۹ - ولایت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و جانشینان ایشان، در امتداد ولایت الله.....

۴۰ - معنا و مفهوم ولایت.....

۴۱ - ویژگی‌های ولی الهی.....

۴۲ - اهمیت و لزوم پیروی و تمسک به ولایت.....

۵ - ولایت فقیه و مکتب سیاسی امام (رحمه الله) در طول ولایت اسلام و حکومت علوی.....

گفتار دوم

۴۴ جلوه‌های ولایت پذیری و توسل به ائمه در سیره شهید سلیمانی.....

۴۴ ولایت پذیری در کلام و سیره شهید سلیمانی.....

۴۶ خاطره سردار شهید سلیمانی از امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در جریان جنگ ۳۳ روزه لبنان.....

۴۹ ولایت مداری سیدحسن نصرالله در کلام شهید سلیمانی.....

۵۰ توصیه به ولایت پذیری در وصیت نامه شهید سلیمانی.....

۵۳ توسل به انوار معصومین (علیهم السلام) در بیان شهید سلیمانی.....

۵۵ ولایت پذیری و انقلابیگری شهید قاسم سلیمانی.....

فصل چهارم

تحول معنوی و تزکیه نفس ۵۶

گفتار اول

مفهوم و ضرورت معنویت ۵۶

۱- تلاش و سازندگی مادی در عین تلاش و سازندگی معنوی ۵۷

۲- معنویت جامع و کامل ۵۸

۳- ضرورت معنویت در زندگی بشر ۵۸

گفتار دوم

اخلاق و معنویت شهدا

۱- اخلاق و معنویت شهدا در کلام شهید سلیمانی ۵۹

۲- خاطرات شهید سلیمانی در وصف معنویت شهدا ۶۲

شهید امینی ۶۲

شهید حسین یوسف الهی ۶۳

شهید مهدی زندی ۶۴

شهید قاسم میرحسینی ۶۵

۳- اخلاص و معنویت شهید سلیمانی ۶۷

اخلاص شهید سلیمانی و برکات آن ۶۷

پایبندی شهید سلیمانی به حدود شرعی ۶۸

فصل پنجم

لزوم داشتن بصیرت، وظیفه محوری و عمل به موقع ۶۹

گفتار اول

مفهوم و ضرورت بصیرت ۶۹

۱- مفهوم بصیرت ۶۹

۲- ضرورت و اهمیت داشتن بصیرت ۷۰

گفتار دوم

وظیفه محوری و عمل به موقع ۷۲

۱- عمل مطابق با وظیفه ۷۲

۲- برخی از معیارهای تشخیص وظیفه ۷۴

پیروی از فرامین و مطالبات ولی و امام ۷۴

ترجیح تکلیف و وظیفه هنگام تعارض با هوای نفس ۷۴

رعایت تقوا در عمل به وظیفه ۷۵

گفتار سوم

لحظه شناسی، بصیرت و وظیفه محوری در سیره شهدا ۷۶

۲- وظیفه شناسی و بصیرت در کلام و سیره شهید سلیمانی ۷۶

فصل ششم

استعداد بی پایان انسان و لزوم شکوفایی آن ۷۸

گفتار اول

جایگاه و مفهوم استعداد بی پایان انسان ۷۸

۱- چیستی استعداد ۷۸

۲- جایگاه استعداد انسان ۸۰

۳- وجود استعدادهای پنهان در انسان و لزوم کشف آنها ۸۲

۴- لزوم پرورش استعداد های کشف شده ۸۳

۵- مهم ترین استعداد بشر ۸۴

۶- ساخت کارخانه انسان سازی برای شکوفایی و رشد استعدادهای ۸۵

گفتار دوم

دفاع مقدس و محیط جهاد، ۸۷

فضایی برای شکوفایی عجیب استعداد ها ۸۷

۱- نقش دفاع مقدس ۸۷

۲- شهید سلیمانی، استعدادی شکوفا شده و الگویی برخاسته از اسلام ۸۹

فصل هفتم

حتمیت حاکمیت حق و حرکت عالم به سمت صلاح ۹۱

گفتار اول

جریان عالم به سمت حاکمیت حق و به سمت صلاح است ۹۱

۱- وعده های الهی ۹۱

۲- استمرار حرکت نبوت ها و دعوت های الهی ۹۳

۳- ملت فاسد، ملت محکوم به فنا است ۹۳

۹۴ ۴- استمرار حرکت انقلاب

گفتار دوم

۹۵ نقش شهدا و دفاع مقدس

۹۵ در حرکت عالم به سمت حاکمیت حق

۹۵ ۱- نقش دفاع مقدس

۹۷ ۲- نقش سردار سلیمانی و شهادت ایشان در حرکت تاریخ اسلام

بخش دوم

۹۹ اهداف مکتب انقلاب اسلامی و مجاهدت شهدا

۱۰۱ پیشگفتار

فصل اول

۱۰۲ اهداف انقلاب اسلامی

۱۰۲ ۱- نظام اهداف (هدف اعلی و هدف عالی)

۱۰۲ ۲- تشکیل تمدن نوین اسلامی، هدف انقلاب اسلامی

۱۰۳ ۳- برپایی تمدن نوین اسلامی؛ فرآیندی دشوار، طولانی و منطقی

۱۰۴ ۴- فرآیند تحقق اهداف انقلاب اسلامی

۱۰۵ ۵- هدف میانی؛ تشکیل جامعه اسلامی

۱۰۷ ۶- ویژگی‌های نگاه فرآیندی به اهداف انقلاب اسلامی

۱۰۷ الف. زنجیره معقول و منطقی (ترتیب و ترتب مراحل)

۱۰۷ ب. پیش‌روندگی و ممنوعیت توقف کلی یا توقف در یک مرحله

۱۰۸ ج. برخورداری از سرنوشت حتمی

۱۰۸ د. فرآیندی طولانی، تدریجی و دشوار

فصل دوم

۱۱۱ اهداف شهدا و شهید سلیمانی در راستای حفظ و سربلندی انقلاب اسلامی

۱۱۱ ۱- اُبّهت و اقتدار معنوی نظام، حاصل مجاهدت شهیدان

۱۱۲ ۲- اگر شهدا نبودند امروز این عزّت و عظمت را نداشتیم

۱۱۳ ۳- شهدای انقلاب در عداد شهدای صدر اسلام

- ۴- راه شهدای انقلاب همان راه پیامبران و ائمه (علیهم السلام) ۱۱۳
- ۵- حرکت انقلاب و شهدادر مسیر اهداف ائمه (علیهم السلام) در بیان شهید سلیمانی ۱۱۵

بخش سوم

۱۱۷ وظایف جوانان مؤمن انقلابی

۱۱۹ پیش بسوی فتح خر مشهرهای پیش رو

فصل اول

۱۲۱ توصیه‌های راهبردی و مهم به جوانان

۱- معنویت و خودسازی ۱۲۱

۲- علم و پژوهش ۱۲۴

۳- افزایش آگاهی و بصیرت ۱۲۵

۴- لزوم کار تشکیلاتی ۱۲۸

۵- اقتصاد ۱۲۹

۶- عدالت و مبارزه با فساد ۱۳۱

۷- سبک زندگی ۱۳۳

۸- لزوم شناخت هویت و هدف ۱۳۳

۹- توجه به حجیت کلام امام (ره) ۱۳۴

۱۰- صبر، ثبات و ایستادگی ۱۳۵

۱۱- حفظ روحیه انقلابی گری ۱۳۷

۱۲- ایفای نقش در پیشرفت علمی کشور ۱۳۹

۱۳- احساس مسئولیت و ایجاد حرکت‌های آتش به اختیار ۱۴۰

۱۴- پذیرش مسئولیت‌های دشوار کوچک و بزرگ ۱۴۴

فصل دوم

۱۴۵ فهم و عمل به مضامین بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

فصل سوم

۱۴۷ تلاش در جهت تشکیل دولت اسلامی

مقدمه

امام خامنه ای (مدظله العالی): «به شهید حاج قاسم سلیمانی به چشم یک فرد نگاه نکنیم؛ به چشم یک مکتب، یک راه و یک مدرسه درس آموز نگاه کنیم.»^۱

جمله بالا نشاگر اوج شخصیت یک فرد را نشان می دهد. شخصی که از بند منیت ها و هوا و هوس ها رها شده و توانسته به اوج کمالات متعالی انسانی برسد. به گونه ای که حتی دیگران می توانند از او تقلید نموده و او را الگوی خویش قرار دهند. تبدیل شدن به اسوه حسنه کاری بس دشوار است. شهادت، مقامی رفیع، مرگی تاجرانه و هنر مردان خداست.

عصر امروز عصر انقلاب اسلامی است. فرصتی برای فراهم کردن تمدن اسلامی در جهت رسیدن به ظهور حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف). عصری است که اسلام باید مرزهای جغرافیایی را برهم زده و به مقابله تمام عیار با دشمنان اسلام بپردازد. انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک موجود زنده، مانند زنگ هشدار عمل کرد که بشر خصوصا آزادگان را از خواب غفلت خارج

۱. خطبه های نماز جمعه تهران ۱۳۹۸/۱۰/۲۷

نموده و توانست دوباره تاریخ را به راه مستقیم بازگرداند. انقلاب اسلامی است که جبهه حق را از باطل جدا می‌کند. خدمت به انقلاب اسلامی خدمت به اسلام می‌باشد. در واقع انقلاب اسلامی معیار است.

امامین انقلاب نسبت به مبانی انقلاب اسلامی تاکید بسیار دارند؛ مبانی‌ای که نشأت گرفته از اسلام ناب محمدی (ص) است. اندیشمندان انقلاب اسلامی نظیر شهید مطهری و ... در زمان اوج شکل‌گیری نهضت اسلامی و در خلال سال‌های ۵۶ و ۵۷ با کتاب‌ها و سخنرانی‌ها، سعی در تفهیم این مسئله داشتند که نهضت دارای مبنا بوده و تنها به خاطر آب و نان و یا شعارهای عدالت خواهانه نمی‌باشد. این مبانی شامل توحید و استکبار ستیزی، رهبریت الهی جامعه و ... - که به تفصیل در بخش اول کتاب به آن پرداخته شده - است. تربیت یافتگان مکتب انقلاب اسلامی در هر عرصه‌ای که وارد شده‌اند به آن رنگ الهی بخشیده و به دنبال پیاده‌سازی و تنظیم آن عرصه با مبانی اسلام ناب بوده‌اند. جنگ یکی از بهترین نمونه‌های این مدعی است. اگر می‌خواهید بدانید که جنگ برای مردم دنیا چه جایگاه و معنایی دارد کافی است که مستندات مربوط به جنگ جهانی را بررسی نمایید تا متوجه شوید که در اذهان مردم جهان، جنگ به چه معناست. اما جنگ در اسلام و انقلاب چه معنایی دارد؟!

جنگ هشت ساله ایران و عراق فرصتی عالی برای پیمودن حرکت انقلاب، رشد استعداد جوانان، بهترین فرصت برای بروز صفاتی که نشأت گرفته از مبانی انقلاب بودند، می‌باشد. شهادت! و پس از سال‌ها شهادت حاج قاسم سلیمانی باعث یادآوری ارزش‌ها و صفات انسانی الهی می‌باشد.

این فرمانده شجاع سپاه اسلام از تربیت یافتگان امام (ره) و مکتب او بوده

است. فردی که قبل از انقلاب یک جوان عادی اهل کرمان بود، اما وقتی پا در مکتب امام (رحمه الله) و محیط جنگ می گذارد تمام توجهش خدا می شود. تمام قیامش لله می شود. دغدغه انجام فرامین نائب امامش را پیدا می کند. پس از جنگ نیز به دنبال انجام وظیفه خود در عرصه های مختلف پا به میدان می گذارد و مصداق آیه «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا»^۱ می شود. به گفته خود او: بنده مقام معظم رهبری را واجب الإطاعة می دانم. کسی که به معنای واقعی کلمه ذوب در ولایت و سرباز ولایت بود. وظیفه محور به معنای واقعی کلمه. مکتب سلیمانی؛ مکتب وظیفه محوری است. در مکتب وظیفه محوری سوال این است که وظیفه محوری به چه معناست؟ و هدف از آن چیست؟ در این مکتب، ابتدا باید نسبت به وظیفه شناخت کافی و جامع کسب شده، سپس راه عمل به این وظیفه شناخته شده و در مرحله آخر عمل مخلصانه به دنبال آن بیاید. وظایفی که شهید سلیمانی به خوبی هرچه تمام توانسته بود همه این مراحل را انجام دهد.

این کتاب در سه بخش مبانی، اهداف و وظایف تنظیم شده است؛ به گونه ای که اگر مخاطب، کتاب را به انتها برساند ابتدا با مبانی مکتب انقلاب اسلامی، مکتب شهید سلیمانی آشنا می شود. سپس اهداف مکتب را که برخاسته از همین مبانی است، می شناسد و در می یابد که برای رسیدن به این اهداف چه ویژگی هایی را باید در خود ایجاد نماید و در نهایت چه وظیفه ای را بر عهده دارد.

این کتاب بر مبنای بیانات امامین انقلاب، وصیت نامه و کلام شهید

سلیمانی برای قشر جوان تنظیم و تدوین شده است. امید است که این کتاب به نوبه خود بتواند خدمت خود را به انقلاب اسلامی ایران و انقلاب جهانی حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) انجام دهد و شامل عنایات خاص خداوند منان و آن حضرت گردد.

در نهایت بایستی بدانیم که بنا به فرموده امام خامنه ای (مدظله العالی) خرمشهرها در پیش است و باید خرمشهرهای اشغال شده به دست جوانان تربیت یافته مکتب انقلاب اسلامی آزاد گردد؛ لذا انقلاب اسلامی، تلاش جوان مومن انقلابی برای تشکیل دولت اسلامی و آزاد سازی این خرمشهرها را می طلبد و باید همواره از خداوند منان مدد بخواهیم که در این راه از مجاهدت و مبارزه باز نایستیم و همواره ثابت قدم بمانیم.

بخش اول

اصول و مبانی مکتب امامین
انقلاب و شهید سلیمانی

پیشگفتار

بنابراین فرموده امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در سخنرانی دوازدهم آذرماه ۷۹، انقلاب اسلامی ایران، دارای مبانی و اصولی است که حرکت انقلاب و مکتب انقلاب اسلامی بر اساس آن اصول و مبانی می‌باشد؛ همان مبانی که عمل به آن، سردار سلیمانی را تبدیل به مکتب سلیمانی کرد؛ زیرا اصول مکتب سلیمانی همان مبانی مکتب انقلاب اسلامی است. وظایف و نقشه راه انقلاب اسلامی هم بر اساس همین مبانی شکل گرفته است. وظایفی که شهدای انقلاب اسلامی و شهید سلیمانی، انجام آن را بر خود واجب می‌دانستند و از جان و همه هستی خود در راه انجام وظیفه و رسیدن به اهداف کلان برخاسته از این مبانی، گذشتند و به سعادت ابدی دست یافتند.

در این فصل از کتاب علاوه بر تبیین مبانی انقلاب اسلامی، اشاره‌ای به جلوه‌های وجود این مبانی اصیل در سیره سردار شهید قاسم سلیمانی گردیده است.

فصل اول

توحید، عبودیت و استکبار ستیزی

گفتار اول

معرفت به توحید و خداشناسی

چیست توحید خدا آموختن خویشتن را پیش واحد سوختن^۱ توحید رکن اصلی بینش و نگاه و تلقی این اسلامی است که ما می‌خواهیم بر اساس آن این حکومت و این نظام و این حرکت را راه بیندازیم.^۲ توحید يك مبنای فلسفی و يك اندیشه است؛ اما شما ببینید این توحید يك امتداد اجتماعی و سیاسی دارد. «لا إله إلا الله» فقط در تصورات و فروض فلسفی و عقلی منحصر و زندانی نمی‌ماند؛ وارد جامعه می‌شود و تکلیف حاکم را معین می‌کند، تکلیف محکوم را معین می‌کند، تکلیف مردم را معین می‌کند.^۳ توحید، يك امر واقعی و يك نظام و يك دستورالعمل زندگی است. ... بعضی خیال می‌کنند که اعتقاد به توحید، مربوط به بعد از مرگ است؛ درحالی که اعتقاد به توحید، سازنده‌ی این عالم و سازنده‌ی زندگی است.^۴

امروز، توحید در زندگی عمومی و اجتماعی ملت و کشور ما، قاعده‌ی زندگی است. مبنای حکومت و اداره‌ی کشور و مدیریت امور و مبنای زندگی

۱. مثنوی معنوی؛ دفتر اول؛ ص: ۱۳۵

۲. دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۲ / ۰۹ / ۱۳۷۹ با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

۳. دیدار گروهی از فضلاء حوزه‌ی علمیه‌ی قم ۲۹ / ۱۰ / ۱۳۸۲ با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

۴. دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۲۱ / ۰۴ / ۱۳۷۷ با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

همه‌جانبه‌ی مردم، توحید و معارف اسلامی است.^۱ [توحید] يك روش زندگی برای انسان‌هاست؛ خدا را در زندگی خود حاکم کردن و دست قدرت‌های گوناگون را از زندگی بشر کوتاه نمودن. «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» که پیام اصلی پیغمبر ما و همه‌ی پیغمبران است، به معنای این است که در زندگی و در مسیر انسان و در انتخاب روش‌های زندگی، قدرت‌های طاغوتی و شیطان‌ها نباید دخالت کنند و زندگی انسان‌ها را دستخوش هوس‌ها و تمایلات خود قرار دهند.^۲

يك وظیفه [از وظایف کلان] عبارت است از عبودیت و اطاعت خداوند. چون عالم، مالک و صاحب و آفریننده و مدبّر دارد و ما هم جزو اجزاء این عالمیم، لذا بشر موظف است اطاعت کند. این اطاعت بشر به معنای هماهنگ شدن او با حرکت کلی عالم است؛ چون همه‌ی عالم «یسبح له ما فی السموات والأرض»؛^۳ «قالتا اتینا طائعین» [است].^۴ آسمان و زمین و ذرات عالم، دعوت و امر الهی را اجابت می‌کنند و بر اساس قوانینی که خدای متعال در آفرینش مقرر کرده است، حرکت می‌کنند. انسان اگر برطبق قوانین و وظایف شرعی و دینی که دین به او آموخته است عمل کند، هماهنگ با این حرکت آفرینش حرکت کرده؛ لذا پیشرفت‌ش آسان‌تر است؛ تعارض و تضاد و اصطکاکش با عالم کمتر است؛ به سعادت و صلاح و فلاح خودش و دنیا هم نزدیک‌تر است. البته عبودیت خدا با معنای وسیع و کامل آن موردنظر است؛ چون گفتیم توحید، هم اعتقاد به وجود خداست، هم نفی الوهیت و عظمت متعلق به بت‌ها و سنگ‌ها و چوب‌های خودساخته و انسان‌های مدعی‌ی خدایی و انسان‌هایی که

۱. دیدار اساتید، فضلا و طلاب بنیاد فرهنگی باقر العلوم (علیه السلام) ۱/ ۱۱ / ۱۳۶۸ با امام خامنه ای (مدظله العالی)

۲. دیدار کارگزاران نظام در سالروز عید سعید مبعث ۲/ ۰۷ / ۱۳۸۲ با امام خامنه ای (مدظله العالی)

۳. الحشر: ۳۴

۴. فصلت: ۱۱

اسم خدایی کردن هم نمی آورند، اما می خواهند عمل خدایی کنند. پس در عمل، دو وظیفه وجود دارد: یکی اطاعت از خدای متعال و عبودیت پروردگار عالم، و دوم سرپیچی از اطاعت «انداد الله»؛ هرآن چیزی که می خواهد در قبال حکمروایی خدا، بر انسان حکمروایی کند. ذهن انسان فوراً به سمت این قدرت های مادی و استکباری می رود؛ البته این ها مصادیقش هستند؛ اما يك مصداق بسیار نزدیک تر دارد و آن، هوای نفس ماست. شرط توحید، سرپیچی کردن و عدم اطاعت از هوای نفس است؛ که این «اخوف ما اخاف»^۱ است.^۲

۱- توحید در جهان بینی اسلامی

در جهان بینی (بینش فلسفی و مبنایی) اسلام، همه پدیده های جهان، وابسته و آفریده و بنده یک قدرت برترند. این قدرت برتر، خدا است و به همه خصلت های اساسی نیک، همچون: علم، قدرت، اراده حیات و... آراسته است. از اعماق دره ناچیز تا اوج افلاک و کهکشان ها و جهان های ناشناخته، یکسره ساخته و پرداخته و تحت اختیار او است. موجودات جهان - انسان و دیگرها - بندگان مقهور اویند و در عبودیت او، همگان شریک و هم طرازند. و هیچ چیز زیر عنوان: فرزندی، همسری، هم شائی از دایره عبودیت خدا بیرون نیست. بندگان، همه چیز خود را - فکر و هوش و قدرت تصمیم و امکانات مادی و از او دارند و او سر رشته دار پیدایش و ادامه حیات آنهاست این بینش، زیر بنا و قاعده اساسی تمام طرحها و برنامه ها و افکار عملی و زندگی ساز (ایدئولوژی) در اسلام است.^۳

۱. نهج البلاغه؛ خطبه ۴۲

۲. دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۲/۰۹/۱۳۷۹ با امام خامنه ای (مدظله العالی)

۳. باب توحید کتاب کلی اندیشه اسلامی

۲- ویژگی جامعه‌ی توحیدی

در جامعه‌ی توحیدی که وقتی مبدأ و صاحب هستی و سلطان عالم وجود و حی و قیومی و قاهری که همه‌ی حرکات و پدیده‌های عالم، مرهون اراده و قدرت او می‌باشد، یکی است، انسانها- چه سیاه و چه سفید و چه دارای خونهای مختلف و نژادهای گوناگون و وضعیت اجتماعی مختلف- با یکدیگر خویشاوندند؛ چون به آن خدا وصلند، به یک جا متصلند و از یکجا مدد و کمک می‌گیرند. این، نتیجه‌ی قهری اعتقاد به توحید است. در این دیدگاه، نه فقط انسانها به یکدیگر مرتبطند، بلکه با نگاه و نگرش توحیدی، اشیا و اجزای عالم و حیوانات و جمادات و آسمان و زمین و همه چیز، به یکدیگر متصل و مرتبطند و همه با انسان خویشاوندند. بنابراین، همه‌ی آنچه که انسان می‌بیند و احساس و درک می‌کند، یک افق و یک عالم و یک مجموعه است که در یک دنیای سالم و یک محیط امن قرار می‌گیرد.^۱

۳- ویژگی های انسان موحد

انسان گرویده به توحید تحت تأثیر این عقیده، از ویژگی‌های مهمی برخوردار است که امید بی پایان، شور و تلاش خستگی ناپذیر، آسیب ناپذیری از ترس و طمع، وسعت دید و نظرگاه، جهت‌گیری درست و مشخص و بخشی از آنرا تشکیل می‌دهد.^۲

۴- جلوه‌های عرفان و توحید در بیان شهید سلیمانی

عاملی که باعث موفقیت ما در عملیات شد اشک‌های مظلوم بسیجی‌ها بود... خدایا تو شاهد هستی ۵ روز به عملیات مانده هرگز اشک از صورت

۱. دیدار جمع کثیری از دانشگاهیان و طلاب حوزه‌های علمیه ۲۹/ ۰۹/ ۱۳۶۸ با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

۲. باب توحید کتاب طریح کلی اندیشه اسلامی

بسیجی های ما خشک نشد، یک سر گریه می کردند. گردن هایشان کج بود فریاد می زدند خدایا روسیاهمان نکن خدایا شرمنده مان نکن.

خدایا این اشک ها عصای موسی شد و نیل را شکافت. اروند را شکافت و بسیجی های مظلوم ما را عبور داد و ما این را دیدیم. ما در آن شب طوفانی و ظلمات و تاریک عملیات که امید به موفقیت نداشتیم دیدیم این را. ما قبل از عملیات نگاه میکردیم به صحنه نبرد و گریه مان می گرفت.

می گفتیم خدایا تو باید همانطور که موسی را از نیل عبور دادی ما را از اینجا عبور بده... می گفتم خدایا خودت فرمودی «والذین جاهدوا فینا لنهدينهم سبلنا». خدایا خودت گفתי حرکت کنید من هدایت می کنم خدایا کمکم کن و خدا در آن شب عملیات کمکمان کرد.^۱

پنج پایه مهم در جنگ به عنوان قالب اصلی ظرف جبهه مطرح بودند که یکی از آن ها عبارتند از بندگی مخلص خدا، برای خدا عمل کردن، در راه خدا عمل کردن و غیر خدا را نادیده گرفتن، این عامل مهمی در جنگ بود.^۲ شوم و با اژدهای مرگ پنجه در می افکنم و با شمشیر شهادت، سینه ظلم و کفر را می درم و با اتکا به ایمان به تو، در مقابل همه عالم می ایستم و با اراده آهنین جبر زمان را به خاک می سایم.

به سوی تو می شتابد و این را به خوبی در خود احساس کردم و می کنم... تو یکتا و شریکی نداری، گواهی می دهم که بهشت و جهنم حق است و موجود؛ و اقرار می کنم که حساب و کتاب و میزان و صراط حق است.

۱. سخنرانی پرشور و حزن انگیز حاج قاسم سلیمانی مراسم تشییع شهدای عملیات والفجر ۸ در مسجد امام خمینی کرمان؛ در طول این سخنران بغض و گریه پرسوز حاج قاسم باعث گریه جمعیت حاضر شده و این سخنرانی را به یکی از یادگارهای حاج قاسم از سال های دفاع مقدس تبدیل کرده است...

۲. سخنرانی در دهمین کنگره بزرگداشت شهدای کرمان مهرماه ۱۳۸۶

۶- توحید در وصیت نامه شهید سلیمانی

خدایا! به عفو تو امید دارم ای خدای عزیز و ای خالق حکیم بی همتا! دستم خالی است و کوله پشتی سفرم خالی، من بدون برگ و توشه‌ای به امید ضیافت عفو و کرم تو می‌آیم. من توشه‌ای برنگرفته‌ام؛ چون فقیر [را] در نزد کریم چه حاجتی است به توشه و برگ؟!

خداوند! در دستان من چیزی نیست؛ نه برای عرضه [چیزی دارند] و نه قدرت دفاع دارند، اما در دستانم چیزی را ذخیره کرده‌ام که به این ذخیره امید دارم و آن روان بودن پیوسته به سمت تو است. وقتی آن‌ها را به سمت بلند کردم، وقتی آن‌ها را برایت بر زمین و زانو گذاردم، وقتی سلاح را برای دفاع از دینت به دست گرفتم؛ این‌ها ثروت دست من است که امید دارم قبول کرده باشی. خداوند! سر من، عقل من، لب من، شامه من، گوش من، قلب من، همه اعضا و جوارح در همین امید به سر می‌برند؛ یا ارحم الراحمین! مرا بپذیر؛ پاکیزه بپذیر؛ آنچنان بپذیر که شایسته دیدارت شوم. جز دیدار تو را نمی‌خواهم، بهشت من جوار توست، یا الله!

عزیز من! جسم من در حال علیل شدن است. چگونه ممکن [است] کسی که چهل سال بر درت ایستاده است را نپذیری؟ خالق من، محبوب من، عشق من که پیوسته از تو خواستم سراسر وجودم را مملو از عشق به خودت کنی؛ مرا در فراق خود بسوزان و بمیران.

عزیزم! من از بی قراری و رسوایی جاماندگی، سر به بیابان‌ها گذارده‌ام؛ من به امیدی از این شهر به آن شهر و از این صحرا به آن صحرا در زمستان و تابستان می‌روم. کریم، حبیب، به گرمت دل بسته‌ام، تو خود میدانی دوستت

دارم. خوب میدانی جز تو را نمی‌خواهم. مرا به خودت متصل کن. خدایا وحشت همه‌ی وجودم را فرا گرفته است. من قادر به مهار نفس خود نیستم، رسوایم نکن. مرا به حرمت کسانی که حرمتشان را بر خودت واجب کرده‌ای، قبل از شکستن حریمی که حرم آن‌ها را خدشه دار می‌کند، مرا به قافله‌ای که به سویت آمدند، متصل کن.

معبود من، عشق من و معشوق من، دوستت دارم. بارها تو را دیدم و حس کردم، نمی‌توانم از تو جدا بمانم. بس است، بس. مرا بپذیر، اما آنچه‌ان که شایسته تو باشم.

گفتار دوم

استکبارستیزی

استکبار یعنی چه؟ استکبار يك تعبیر قرآنی است؛ در قرآن کلمه‌ی استکبار به کار رفته است؛ آدم مستکبر، دولت مستکبر، گروه مستکبر، یعنی آن کسانی و آن دولتی که قصد دخالت در امور انسانها و ملت‌های دیگر را دارد، در همه‌ی کارهای آنها مداخله می‌کند برای حفظ منافع خود؛ خود را آزاد می‌داند، حقّ تحمیل بر ملت‌هایی را برای خود قائل است، حقّ دخالت در امور کشورها را برای خود قائل است، پاسخگو هم به هیچ کس نیست؛ این معنای مستکبر است. نقطه‌ی مقابل این جبهه‌ی ظالم و ستمگر، گروهی هستند که با استکبار مبارزه می‌کنند؛ مبارزه‌ی با استکبار یعنی چه؟ یعنی در درجه‌ی اوّل زیر بار این زورگویی نرفتن؛ معنای استکبارستیزی يك چیز پیچ‌وخم‌دار پیچیده‌ای نیست؛ استکبارستیزی یعنی يك ملّتی زیر بار مداخله‌جویی و تحمیل قدرت استکبارگر یا انسان مستکبر یا دولت مستکبر نرود؛ این معنای استکبارستیزی

۱- لازمه خط توحید، ضدیت با استکبار

ممکن نیست فرض کنیم که يك مسلمان یا مؤمن یا موحد، حتی يك روز یا يك لحظه، از دشمنی با ابلیس و شیطان منصرف بشود. اصلاً خط اسلام، یعنی خط ضد ابلیس و شیطان. در طول دعوت انبیا، مستکبران کسانی بودند که دعوت الهی و توحید را قبول نکردند و با آن به مقابله برخاستند و زور گفتند: «قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ»^۲. وقتی پیامبر سخن حق می گوید و مردم را به حق دعوت می کند، مستکبران می گویند: اگر زیاد حرف بزنی، تو را اخراج می کنیم!

این لحن زورگویانه، در مقابل داعی به حق است. این، معنا و تصویری روشن از استکبار است که در دنیای امروز، همان نظام سلطه می باشد و در محیط سیاسی دنیا، همان روح ابرقدرتی و هرآن چیزی است که به سمت ابرقدرتی کشش داشته باشد و تمایل پیدا بکند. قدرت هایی که هنوز ابرقدرت نیستند، اما خودشان را نیمه ابرقدرت می دانند، آن ها هم در برخوردشان همین طورند.^۳

۲- بزرگترین استکبار: آمریکا

امام بزرگوار ما توانست سلطه بلندمدت استبداد و استعمار را با برگشت به اسلام و تمسک به اسلام، از سر کشورمان کم کند و به ما عزت ببخشد؛ به مردم ما احساس هویت اسلامی بدهد تا احساس کنند که می توانند روی پای خود بایستند؛ می توانند خودشان تصمیم بگیرند و انتخاب کنند؛ می توانند

۱. دیدار دانش آموزان و دانشجویان ۱۲/۰۸/۱۳۹۲ با امام خامنه ای (مدظله العالی)

۲. الاعراف: ۸۸

۳. دیدار گروه کثیری از دانشجویان و دانش آموزان ۱۰/۰۸/۱۳۶۸ با امام خامنه ای (مدظله العالی)

خودشان در مسائل سرنوشت‌ساز، «لا» و «نعم» بگویند. مردم ما قرن‌ها بود که چنین چیزی را نپسندیده بودند؛ این را اسلام به آن‌ها داد. در هر نقطه‌ای از نقاط دنیا که حرکت بیداری اسلام تقویت شود و پا بگیرد و مردم و جوانان آن کشور احساس کنند که به سمت اسلام نزدیک می‌شوند، همین تجدید هویت و عزت به وجود خواهد آمد.

...البته دشمنان اسلام این را نمی‌خواهند. فرمود: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا». امروز در رأس دشمنان اسلام، آمریکا است که شرّ و شیطان مجسم است. امروز دشمن اساسی دنیای اسلام، استکبار جهانی است که در رأسش هم آمریکا است.^۲

۳- مبارزه و استکبار ستیزی شهید سلیمانی

[شهید سلیمانی] به کمک ملت‌های منطقه یا با کمک‌هایی که به ملت‌های منطقه کرد، توانست همه‌ی نقشه‌های نامشروع آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا را خنثی کند. این آدم توانست در مقابل همه‌ی نقشه‌هایی که با پول، با تشکیلات تبلیغاتی وسیع آمریکایی، با توانایی‌های دیپلماسی آمریکایی، زورگویی‌هایی که آمریکایی‌ها روی سیاستمداران دنیا بخصوص کشورهای ضعیف دارند، تهیه شده بود قد علم کند و این نقشه‌ها را در این منطقه‌ی غرب آسیا خنثی کند.

آمریکایی‌ها در مورد فلسطین طرحشان و نقشه‌شان این بود که قضیه‌ی فلسطین را به فراموشی بسپرنند؛ فلسطینی‌ها را در حالت ضعف نگه دارند که جرئت نکنند دم از مبارزه بزنند. این مرد، دست فلسطینی‌ها را پُر کرد؛ کاری

۱. فاطر: ۶

۲. دیدار مسئولان و کارگزاران نظام ۲۹/۰۲/۱۳۸۲ با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

کرد که یک منطقه کوچکی، یک وجب جا مثل نوار غزه در مقابل رژیم صهیونیستی با آن همه ادعا می‌ایستد، کاری و بلایی سر آنها می‌آورد که آنها سر ۴۸ ساعت می‌گویند آقا بیایید آتش بس بدهید؛ اینها را حاج قاسم سلیمانی کرد. دستشان را پُر کرد. کاری کرد که بتوانند بایستند، بتوانند مقاومت کنند. این چیزی است که برادران فلسطینی ما مکرر در مکرر پیش خود بنده گفته‌اند. البته من میدانستم اما آنها هم آمدند پیش ما شهادت دادند. در سفرهای متعددی که این رهبران فلسطینی آمدند، همه‌ی آنها این را [گفتند]. ... نقشه‌ی آمریکا در عراق، در سوریه، در لبنان، به کمک و فعالیت این شهید عزیز خنتی شد.^۱

بارزانی تعریف می‌کند که داعش به دروازه اربیل رسید. من با آمریکا، ترکیه، انگلیس، فرانسه و حتی عربستان سعودی تلفنی تماس گرفتیم، اما همه یک جواب دادند که ما نمی‌توانیم کاری انجام دهیم.

وی در ادامه می‌افزاید: همین امر باعث شد که با دولت ایران تماس بگیرم و به آنها بگویم اگر شما به من کمک نکنید، من استان را از جمعیت تخلیه می‌کنم. آن‌ها شماره موبایل حاج قاسم سلیمانی را به من دادند و بلافاصله با او تماس گرفتم و اوضاع را برای او توضیح دادم، بنابراین او به من گفت فردا بعد از نماز صبح من در اربیل خواهم بود. من به او گفتم وضعیت مناسب نیست، اما وی به من گفت که کاکا مسعود امشب مقاومت کنید و استان خود را حفظ کنید.^۲

۱. دیدار مردم قم ۱۳۹۸/۱۰/۱۸ با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

۲. خاطرات «مسعود بارزانی» رئیس سابق اقلیم کردستان در شمال عراق از سردار سلیمانی

خطاب سردار سلیمانی به آمریکا

شما چه غلطی کرده‌اید که برای ما خط و نشان می‌کشید، [برای مقابله با شما] نیروهای مسلح ایران نمی‌خواهد، من حریف شما هستم. نیروی قدس حریف شماست. بدانید هیچ شبی نیست ما نخواهیم و به شما فکر نکنیم. آقای ترامپ قمار باز، بدان آن جایی که شما فکرش را نمی‌کنید ما در نزدیک شما هستیم. ما ملت شهادتیم، ما ملت امام حسینیم، بیا. ما منتظریم. مرد این میدان ما هستیم برای شما. شما می‌دانید این جنگ یعنی نابودی همه‌ی امکانات شما، این جنگ را شما شروع می‌کنید ولی پایان آن را ما [تعیین] می‌کنیم.^۱

۱. سخنرانی کوبنده سردار سلیمانی در مسجد

فصل دوم

اعتقاد به معاد، حیات پس از مرگ و شهادت طلبی

گفتار اول

معاد و تداوم حیات پس از مرگ

سومین^۱ نقطه اصلی و اساسی در جهان بینی اسلامی، مسئله‌ی تداوم حیات بعد از مرگ است؛ یعنی زندگی با مردن تمام نمی‌شود. در اسلام و البته در همه‌ی ادیان الهی این معنا هم جزو اصول جهان بینی است و تأثیر دارد. همان‌طور که گفتیم، تمام این اصول جهان بینی، در تنظیم روابط زندگی و در تنظیم پایه‌های حکومت اسلامی و اداره جامعه و اداره عالم، مؤثر است. بعد از مرگ، ما وارد مرحله‌ی جدیدی می‌شویم. این طور نیست که انسان نابود شود؛ از جوی جستن و رفتن به یک مرحله دیگر است؛ و بعد در آن مرحله،

۱. سومین مبنا از مبانی طرح شده در سخنرانی ۱۳۷۹/۹/۱۲

مسئله‌ی حساب و کتاب و قیامت و این چیزهاست.^۱

مرحله بعدی زندگی ما، از مرحله فعلی زندگی مان کامل تر است. امروز ما اسیر و محدود به چهار دیوار جسم هستیم. گرچه عقلمان پرواز می‌کند و بینش ما همه‌جا را سیر می‌کند و اراده‌ی ما بر بسیاری از چیزها فائق می‌آید، اما محدودیت‌های جسمی برایمان هست، لکن در آن نشئه این محدودیت جسمی وجود ندارد و انسان به معنای بسیار وسیع‌تری بی‌نهایت می‌شود. [اگرچه در دنیا هم یک بی‌نهایت‌های مجازی در وجود بشر هست، چون بی‌نهایت به معنای حقیقی فقط خدای متعال است] یعنی انسان در نشئه‌ی بعد از مرگ و عمدتاً در قیامت و بهشت و دوزخ یک سعه‌ی وجودی پیدا می‌کند. این، چیزی است که ادیان نسبت به آن اتفاق نظر دارند و در آن نشئه دو قسم زندگی هست: یکی زندگی خوش و راحت و از همه جهت کامل، و دیگری زندگی تلخ و در حد اعلای شکنجه و سختی است. آن اولی اسمش بهشت است و آن دومی اسمش جهنم است.^۲

۱- آثار اعتقاد قلبی به معاد

شما اگر احتمال بدهید که در مسیری درنده‌ای وجود دارد و ممکن است اذیتی به شما برساند، یا شخص مسلحی ایستاده که شاید متعرض شما گردد از پیمودن آن راه خودداری ورزیده توقف می‌کنید و در مقام تحقیق برای اثبات صحت و سقم آن برمی‌آیید. آیا ممکن است کسی وجود جهنم و خلود در نار را احتمال دهد مع الوصف مرتکب خلاف شود؟ آیا می‌توان گفت کسی خداوند متعال را حاضر و ناظر دانسته، خود را در محضر ربوبی

۱. دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۲/۰۹/۱۳۷۹ با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

۲. جلسه بیست و ششم تفسیر سوره بقره ۲۳/۰۲/۱۳۷۱

مشاهده کند و احتمال دهد که برای گفتار و کردار او جزایی باشد، حساب و عقابی باشد و در این دنیا هر کلمه ای که می گوید، هر قدمی که بردارد، هر عملی که مرتکب می شود ثبت و ضبط گردیده، ملائکه الله که «رقیب» و «عتید»ند، مراقب او هستند و تمام اقوال و اعمال او را ثبت می کنند و در عین حال از ارتکاب اعمال خلاف باکی نداشته باشد؟!^۱

۳- اعتقاد به معاد و ترس از قیامت در وصیت نامه شهید سلیمانی

خداوندا! پاهایم سست است. رمق ندارد. جرأت عبور از پلی که از جهنم عبور می کند، ندارد. من در پل عادی هم پاهایم می لرزد، وای بر من و صراط تو که از مو نازک تر است و از شمشیر بُرنده تر؛ اما یک امیدی به من نوید می دهد که ممکن است نلرزم، ممکن است نجات پیدا کنم. من با این پاها در حرمت پا گذارده ام و دور خانه ات چرخیده ام و در حرم اولیاءت در بین الحرمین حسین و عباست آن ها را برهنه دواندم و این پاها را در سنگرهای طولانی، خمیده جمع کردم و در دفاع از دینت دویدم، جهلدم، خزیدم، گریستم، خندیدم و خنداندم و گریستم و گریاندم؛ افتادم و بلند شدم. امید دارم آن جهیدن ها و خزیدن ها و به حرمت آن حریمها، آن ها را ببخشی.^۲

۱. کتاب تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی (رحمه الله) ص ۲۳۱

۲. متن وصیت نامه شهید سلیمانی

گفتار دوم

چگونگی حیات پس از مرگ از راه شهادت

۱- شهیدان در نشئه‌ی پس از مرگ، اندوه و بیمی ندارند

امام خمینی (رحمه‌الله) می‌فرمایند: «خوف آن دارد که برای آن عالم یک چیزی قائل نیست. این جوانهای ما که می‌آیند و می‌گویند ما می‌خواهیم شهید بشویم، اینها خوف دارند از مردن؟ اینهایی که قسم می‌دهند انسان را که شهادت را نصیبمان بکنید، خدا بکند، اینها خوف دارند از شهادت؟ از مردن خوف دارند؟ اینهایی که مشغول خدمت هستند و هر آن محتمل است که خدای نخواستہ مورد اصابهٔ چیزهایی بشوند، اینها خوف ندارند، اینها مشغول خدمت هستند. خوف آن دارد که آن طرف را قبول ندارد. آنکه فهمیده است که یک طرف دیگری هم هست، فهمیده است که این دنیا معبر است برای آن عالم، آن دیگر خوفی ندارد، آرزوی این است.»^۱

همین مسأله از نگاه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) با این بیان است که: «یکی از برکات انقلاب اسلامی، بازتولید معارف اساسی اسلامی در این زمان است. خیلی از این معارف بزرگ را مادر کتابها و در ذهنها داشتیم لکن انقلاب اسلامی این معارف را مجسّم کرد و تحقّق عینی داد. یکی از بخشهای بسیار مهمّ این معارف، عبارت است از منظومه‌ی معارف مربوط به شهادت، همین چیزی که در این آیه‌ی شریفه‌ای که تلاوت کردند، به صراحت از آن یاد شده است: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ* فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ

۱ کتاب تعلیم تربیت از دیدگاه امام خمینی (رحمه‌الله) ص ۲۴۳

مِن خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» این یک معرفت است، یکی از معارف بزرگ اسلامی است؛ [یعنی] نقش برانگیزاننده و زنده کننده‌ی شهادت در نظام اجتماعی مسلم. شهیدان بشارت می‌دهند به کسانی که به آنها ملحق نشدند - مثل من و شما - که در این راه نه بیم هست، نه اندوه هست؛ هرچه هست بهجت است، ابتهاج است، نشاط است، روحیه است، امید است؛ این درس است. این درس در مجموعه‌ی تاریخ جمهوری اسلامی تکرار شد؛ شهدای ما با انگیزه و با نشاط وارد این میدان شدند، تلاش کردند، و این تلاش آنها که صادقانه بود، با پاداش الهی همراه شد و به شهادت رسیدند که این شهادت بی شک یک نعمت بزرگ و یک پاداش بزرگی است که خدا آن را به این بندگان مخلص پاک دست پاک نهاد داد و به آنها ارزانی داشت. [شهدا] وارد این میدان شدند با نشاط، خدا را ملاقات کردند با رضایت الهی، و در نشئه‌ی پس از مرگ، نه اندوهی به آنها رسید نه بیمی در دل آنها پدید آمد؛ این را منعکس می‌کنند به جامعه، این را سرریز می‌کنند به مردمی که به آنها ملحق نشده‌اند. کما اینکه در این سالهای متمادی همین را مشاهده کردیم؛ هرچا شهادتی اتفاق افتاد، پشت سر آن، افتخار خانواده‌ی شهید بود، احساس عزت بازماندگان شهید بود، هیجان و ابتهاج معنوی و روحیه‌ی مضاعف در مردم بود و تأثیرات اجتماعی فراوان.^۱

۲- شهادت، مرگ تاجرانه

شهادت یک هدیه الهی است. بنده قبل از انقلاب در مسجدی در مشهد نماز می‌خواندم و برای مردم صحبت می‌کردم؛ جوان‌ها هم جمع می‌شدند. آن وقت شهادت مثل دوران بعد از انقلاب، این طور ارزان نبود؛ اما شهدایی

۱. دیدار خانواده‌های شهدای هفتم تیر و جمعی از خانواده‌های شهدا با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۳۹۴/۴/۶

داشتیم. به آنها می‌گفتم: جوان‌ها! برادرها! شهادت، مرگ تاجرانه و مرگ آدم‌های زرنگ است. این هدیه را خدا به چه کسی می‌دهد؟ خدا این هدیه را ارزان نمی‌دهد؛ به کسانی می‌دهد که در راه او مجاهدت کنند. جوان‌های شما، شهیدان شما، همسران شهدا! همسران شما؛ پدر و مادرها! فرزندان شماها؛ بچه‌های شهدا! پدران عزیز شما، این هدیه‌ی الهی را آسان و رایگان به دست نیاوردند؛ به قیمت مجاهدت به دست آوردند؛ در راه خدا جهاد کردند، از خودشان گذشتند و خدا این هدیه را به آنها داد.^۱

مرگ برای همه هست. ما اگر در راه خدا بمیریم، به حسب موازین مادی و ظاهری هم، چیزی از دست نداده‌ایم. مردن، سرنوشت اجتناب‌ناپذیر هر یک از ماست. این متاعی است که بالاخره از دست ما خواهد رفت؛ ولی این متاع جان به دوگونه از دست می‌رود؛ یکی این که آن را گم کنیم و دیگر این که آن را بفروشیم. کدام بهتر است؟ آنها که در راه خدا کشته نمی‌شوند، جانشان را گم کرده‌اند و در مقابل، چیزی در دست ندارند. و آنها که این متاع را در راه خدا می‌دهند و جانشان را در راه او مصرف می‌کنند، کسانی هستند که آن را فروخته‌اند و در عوض چیزی گرفته‌اند: «ان‌الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بانّ لهم الجنة».^۲

شهید، جانش را فروخته و در مقابل آن، بهشت و رضای الهی را گرفته است که بالاترین دستاوردهاست. به شهادت در راه خدا، از این منظر نگاه کنیم. شهادت، مرگ انسانهای زیرک و هوشیار است که نمی‌گذارند این جان، مفت از دستشان برود و در مقابل، چیزی عایدشان نشود.^۳

۱. دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدای استان کرمان با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۳۸۴/۲/۱۲

۲. التوبه: ۱۱۱

۳. دیدار فرزندان ممتاز شهدا و جمعی از دانشجویان امامیه‌ی پاکستان با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

۳- شهادت در بیان و سیره شهید سلیمانی

شرط شهید شدن

خواهران من! برادران من! عزیزان مشتاق! تا کسی شهید نبود، شهید نمی‌شود؛ شرط شهید شدن، شهید بودن است. اگر امروز کسی را دیدید که بوی شهید از کلام او، از رفتار او و اخلاق او، استشمام شد، بدانید شهید خواهد شد. تمام شهدای ما این مشخصات را داشتند؛ قبل از اینکه شهید شوند، شهید بودند. نمی‌تواند کسی قبل از این که علم بیاموزد عالم شود، شرط عالم شدن علم آموزی است، شرط شهید شدن شهید بودن است.^۱

این خیلی سعادت بزرگی است شهادت آرزویی است که همه‌ی دلها برایش پر می‌زند، همه عاشقان برای رسیدن به معشوق شان برای رسیدن به هدفشان آخرین وسیله‌ای که می‌دانند آنها را به معشوقش می‌رساند شهادت است و آن را انتخاب می‌کنند و این افتخار نصیب هر کس نخواهد شد مگر افرادی که خود را ساخته باشند و افتخار این را داشته باشند که به لقاء الله پیوندند و در بین شما ها زیاد است در بیشتر چهره‌های شما رخسار شهادت رنگ شهادت توأم با معنویت از دور نمایان و مشخص است.^۲

آرزوی شهادت شهید سلیمانی

سید حسن نصرالله، دبیر کل حزب الله لبنان در سخنرانی بعد از شهادت سردار سلیمانی فرمودند که: «خیلی از شبها وقتی یاد شهدا می‌شد، ایشان

۱۳۶۸/۵/۲۵

۱. سخنرانی سردار سلیمانی

۲. سخنرانی سردار سلیمانی در روز جمعه ششم آذر ۱۳۶۰ در جمع دو گردان از رزمندگان تیپ ۴۱ ثارالله کرمان قبل از عملیات طریق القدس

[شهید سلیمانی] گریه می کردند. همیشه به من می گفتند که سینه ام تنگ شده است و اشتیاق به شهادت دارم سید! می خواهم به برادران شهیدم برسم، برادرانم و دوستانم که با هم زندگی کردیم، جهاد کردیم، من درد کشیدم... به هر حال او به آرزویش رسید.»

سالها مجاهدت مخلصانه و شجاعانه در میدانهای مبارزه با شیاطین و اشراک عالم و سالها آرزوی شهادت در راه خدا، سرانجام سلیمانی عزیز را به این مقام والا رسانید و خون پاک او به دست شقی ترین آحاد بشر بر زمین ریخت...^۱ خوشا به حالش، خوشا به حالش، خوشا به حالش! او به آرزوی خودش رسید؛ او آرزو داشت؛ برای شهیدشدن گریه میکرد؛ خب خیلی از رفقاییش هم رفته بودند و داغدار رفقاییش هم بود اما در خودش هم شوق به شهادت جووری بود که اشک او را جاری می کرد؛ به آرزوی خودش رسید. امیدواریم ان شاءالله شماها هم به آرزوی خودتان برسید، ما هم به آرزوی خودمان برسیم و خدای متعال این فقدان را جبران کند.^۲

خدایا! از کاروان دوستانم جامانده ام...

خدایوند، ای عزیز! من سالها است از کاروانی به جا مانده ام و پیوسته کسانی را به سوی آن روانه می کنم، اما خود جا مانده ام، اما تو خود میدانی هرگز نتوانستم آنها را از یاد ببرم. پیوسته یاد آنها، نام آنها، نه در ذهنم بلکه در قلبم و در چشمم، با اشک و آه یاد شدند.^۳

۱. پیام تسلیت رهبر انقلاب در پی شهادت سردار سلیمانی و شهدای همراه او ۱۳/۱۰/۱۳۹۸

۲. دیدار خانواده شهید سلیمانی با امام خامنه ای (مدظله العالی) در منزل شهید ۱۳/۱۰/۱۳۹۸

۳. متن وصیت نامه شهید سلیمانی

ویژگی های شهادت شهید سلیمانی

ما شهید زیاد داریم - در بین سرداران هم شهید داریم، در بین آحاد معمولی هم شهید داریم - اما شهیدی که به دست خبیث‌ترین انسانهای عالم یعنی خود آمریکایی‌ها به شهادت برسد و آنها افتخار کنند که او را توانستند شهید کنند، چنین شهیدی غیر از حاج قاسم من کس دیگری را یادم نمی‌آید؛ جهادش جهاد بزرگی بود، خدای متعال شهادت او را هم شهادت بزرگی قرار داد؛ ان‌شاءالله امیدواریم که خداوند درجاتش را عالی کند و آن نعمت عظیمی که شامل حال او شد، بر او گوارا باشد که حَقِّش بود و شایسته‌ی این نعمت بزرگ بود. واقعاً اگر حاج قاسم در رختخواب می‌مرد، یا در تصادف می‌مرد، یا با این ناخوشی‌ها می‌مرد - [چون] اواخر، سینه‌اش ناراحت بود، شیمیایی بود، مشکل بود - آدم غصّه‌اش میشد؛ حاج قاسم باید همین جور به شهادت میرسید. البتّه برای ما خیلی سخت است؛ برای شما سخت است، شاید برای من سخت‌تر هم باشد؛ ولیکن باید تحمل کرد، باید از این مرحله عبور کنیم.^۱

برکات شهادت شهید سلیمانی

شهید سلیمانی چشمهای غبارگرفته را باز کرد با این شهادت. دشمنان در مقابل عظمت ملت ایران احساس خضوع کردند؛ ممکن است به رو نیاورند اما چاره‌ای ندارند. آن دشمنی که سعی می‌کند این مجاهد عظیم‌القدر را و این سردار فرمانده مبارزه‌ی با تروریسم را به عنوان یک تروریست معرفی کند، آمریکایی‌های بی‌انصاف، آمریکایی‌های دروغ‌گو، آمریکایی‌های هجوگو که واقعاً ارزشی برای حرفهایشان نمی‌شود قائل شد، اینها سعی می‌کردند این

۱. دیدار خانواده شهید سلیمانی با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در منزل شهید ۱۳/۱۰/۱۳۹۸

جوری عمل کنند؛ ملت ایران زد توی دهن این‌ها.^۱

۱. دیدار مردم قم با امام خامنه ای (مدظله العالی) ۱۳۹۸/۱۰/۱۹

فصل سوم

اعتقاد به امامت و اصل ولایت پذیری

گفتار اول

معنا و مفهوم امامت و ولایت

۱- ولایت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و جانشینان ایشان، در امتداد ولایت الله

در اسلام، سرپرستی جامعه، متعلق به خدای متعال است. هیچ انسانی این حق را ندارد که اداره‌ی امور انسان‌های دیگر را به عهده بگیرد. این حق، مخصوص خدای متعال است که خالق و منشأ و عالم به مصالح و مالک امور انسانها، بلکه مالک امور همه‌ی ذرات عالم وجود است. خود این احساس در جامعه‌ی اسلامی، چیز کم‌نظیری است. هیچ قدرتی، هیچ شمشیر برایی، هیچ ثروتی، حتی هیچ قدرت علم و تدبیری، به کسی این حق را نمی‌دهد که مالک و تصمیم‌گیرنده در باره‌ی سرنوشت انسان‌های دیگر باشد. این‌ها ارزش هستند. حق تولیت امور و زمامداری مردم را به کسی اعطا نمی‌کند. این حق، متعلق به خداست.

خدای متعال، این ولایت و حاکمیت را از مجاری خاصی اعمال می‌کند. یعنی آن وقتی هم که حاکم اسلامی و ولیّ امور مسلمین، چه بر اساس تعیین شخص آن چنان که طبق عقیده‌ی ما، در مورد امیر المؤمنین و ائمه (علیهم‌السلام) تحقق پیدا کرد و چه بر اساس معیارها و ضوابط انتخاب شد، وقتی این اختیار به او داده می‌شود که امور مردم را اداره بکند، باز این ولایت، ولایت خداست؛ این حق، حق خداست و این قدرت و سلطان الهی است که بر مردم اعمال

می‌شود. آن انسان هرکه و هرچه باشد منهای ولایت الهی و قدرت پروردگار، هیچ‌گونه حقی نسبت به انسانها و مردم دیگر ندارد.^۱

۲- معنا و مفهوم ولایت

ولایت، یعنی پیوند و ارتباط تنگاتنگ و مستحکم و غیر قابل انفصال و انفکاک. جامعه‌ی اسلامی که دارای ولایت است، یعنی همه‌ی اجزای آن به یکدیگر و به آن محور و مرکز این جامعه- یعنی ولی- متصل است. به عبارت دیگر ولایت، یعنی حاکمیت و سرپرستی در جامعه اسلامی.^۲

... در جامعه اگر بخواهد همه نیروها به کار بیفتند و همه در یک جهت به کار بیفتند و هیچ‌یک از نیروها هرز نرود و همه نیروهای جامعه به صورت یک قدرت متراکمی، به مصالح جمعی بشریت به کار بیاید و جامعه بتواند مثل مشت واحدی باشد، در مقابل جناح‌ها و صف‌ها و قدرت‌های مخاصم؛ اگر اینها را بخواهد داشته باشد، احتیاج دارد به یک قدرت متمرکز. به یک دلی احتیاج دارد، به یک قلبی نیاز دارد این جامعه و این پیکر عمومی امت اسلام. البته شرایطی هم دارد. باید خیلی آگاه باشد، باید خیلی بداند، باید خیلی با تصمیم باشد، باید چشمش دارای یک دید دیگری باشد، بایستی از هیچ چیزی در راه خدا نهراسد، بایستی وقتی لازم شد خودش را هم فدا کند؛ ما اسم یک چنین موجودی را چه می‌گذاریم؟ امام.

... اگر بخواهد این پیکر بزرگ که اسمش امت اسلامی ست، زنده بماند، موفق بماند، همیشه پایدار باشد، باید چه کار کند؟ باید ارتباطش با این مرکز، با این قلب متحرک و پرهیجان، همه آن، همیشه، مستحکم، نیرومند، برقرار

۱. دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی با امام خامنه ای (مدظله العالی) ۱۳۶۹/۴/۲۰

۲. دیدار جمع کثیری از دانشگاهیان و طلاب حوزه ها با امام خامنه ای (مدظله العالی) ۱۳۶۸/۹/۲۹

باشد. پس ولایت یعنی چه؟ یعنی درست دقت کنند همه، بعد دیگر ولایت یعنی چه؟ یعنی ارتباط مستحکم و نیرومند هر یک از آحاد امت اسلام، در همه حال، با آن قلب امت. ارتباط چه؟ ارتباط فکری و ارتباط عملی. یعنی درست از او سرمشق گرفتن، درست در افکار و بینش‌ها دنبال او بودن و درست در افعال و رفتار و فعالیت‌ها و حرکت‌ها او را پیروی کردن... اگر درست دقت کنید برادرها، این معنایی که از ولایت بنده گفتم، دقیق‌ترین و ظریف‌ترین معنایی است که درباره ولایت می‌شود تشریح کرد، می‌شود بیان کرد؛ از قرآن هم این درمی‌آید.^۱

۳- ویژگی‌های ولّی الهی

و اما آن کسی که این ولایت را از طرف خداوند عهده‌دار می‌شود، باید نمونه‌ی ضعیف و پرتو و سایه‌ای از آن ولایت الهی را تحقق ببخشد و نشان بدهد، یا بگوییم در او باشد. خصوصیات ولایت الهی، قدرت و حکمت و عدالت و رحمت و امثال این‌هاست. آن شخص یا آن دستگاهی که اداره‌ی امور مردم را به عهده می‌گیرد، باید مظهر قدرت و عدالت و رحمت و حکمت الهی باشد. این خصوصیت، فارق بین جامعه‌ی اسلامی و همه جوامع دیگری است که به شکلهای دیگر اداره می‌شوند. جهالتها، شهوات نفسانی، هوی و هوس و سلاقی شخصی متکی به نفع و سود شخصی یا گروهی، این حق را ندارند که زندگی و مسیر امور مردم را دستخوش خود قرار بدهند. لذا در جامعه و نظام اسلامی، عدالت و علم و دین و رحمت باید حاکم باشد؛ خودخواهی نباید حاکم بشود، هوی و هوس از هرکس و در رفتار و گفتار هر شخص و شخصیتی نباید حکومت کند.

۱. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن؛ ص ۵۳۸-۵۴۳

اگر اسلام که دین خداست و می‌خواهد زندگی مردم را بر اساس ارزش‌های الهی اداره بکند در امر حکومت، دچار يك وضعيت دنیایی شد؛ دچار همان چیزی شد که جوامع دیگر به آن مبتلا هستند، مصالح مترتب بر نظام اسلامی، بکلی از آن سلب خواهد شد. در دستگاه اداره‌کننده و مدیریت و حاکمیت، باید يك نظام معنوی و الهی باشد.^۱

۴- اهمیت و لزوم پیروی و تمسک به ولایت

شاید بتوان گفت که هدف از همه‌ی زحماتی که پیغمبر اکرم و بزرگان دین و انبیاء الهی (علیهم الصلوة و السلام)، متحمّل شده‌اند، استقرار ولایت الهی بوده است. گویا در روایتی از امام صادق (علیه الصلوة و السلام) است که در مقام هدف جهاد فی سبیل الله مجموعه تلاش‌هایی که برای دین می‌شود فرموده‌اند: «لیخرج الناس من عبادة العبيد الى عبادة الله و من ولایت العبيد الى ولایت الله». هدف این است که انسانها را از ولایت بندگان و بردگان با معنای وسیعی که این کلمه دارد خارج سازند و به ولایت الله نائل کنند.^۲

[پس] ما باید خودمان را به این مرکز نور نزدیک کنیم؛ و نزدیک شدن به مرکز نور، لازمه و خاصیتش، نورانی شدن است. باید با عمل، و نه با محبت خالی، نورانی بشویم؛ عملی که همان محبت و همان ولایت و همان ایمان، آن را به ما املاء می‌کند و از ما می‌خواهد. با این عمل، باید جزو این خاندان و وابسته‌ی به این خاندان بشویم. این طور نیست که قنبر در خانه‌ی علی (علیه السلام) شدن، کار آسانی باشد. این گونه نیست که «سلمان منّا اهل البيت»^۳

۱. دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی با امام خامنه‌ای (مدظله العالی) ۱۳۶۹/۴/۲۰

۲. دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران با امام خامنه‌ای (مدظله العالی) ۱۳۷۰/۰۴/۱۰

۳. اصول کافی؛ جلد ۲؛ ص ۳۹۶

شدن، کار آسانی باشد.^۱

۵- ولایت فقیه و مکتب سیاسی امام (رحمه الله) در طول ولایت اسلام و حکومت علوی

در دوران طاغوت، که روز عید غدیر معمول بود، می خواندیم: «الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولایة امیر المؤمنین و الأئمة علیهم السّلام»^۲ این تمسک به ولایت، آن روز در اعتقادات و عواطف بود؛ اما در عمل که ولایتی نبود. در عمل، ولایت طاغوت بود؛ ولایت استکبار بود؛ ولایت دشمنان دین بود. آن روز دوستان ما می خواندند: «اللهم اجعلنا من المتمسکین بولایة امیر المؤمنین» یعنی از خدا می خواستند که متمسک به ولایت امیر المؤمنین (علیه الصّلاة و السّلام) باشند. امروز این دعا مستجاب شده است. ملت ایران، امروز با نظام اسلامی ای که به تدبیر امام بزرگوار، از حاقّ قرآن و دین استخراج شد و در این کشور به اجرا درآمد، به ولایت امیر المؤمنین (علیه الصّلاة و السّلام) تمسک کرده است. این تمسک را باید هرچه بیشتر کنیم^۳

[لذا] راه انقلاب ما، راه ولایت امیر المؤمنین، راه حکومت علوی و راه

اسلام بوده است.^۴

[پس] ضابطه های رهبری و ولایت فقیه، طبق مکتب سیاسی امام بزرگوار

ما، ضابطه های دینی است؛ مثل ضابطه های کشورهای سرمایه داری، وابستگی به

۱. دیدار جمعی از مداحان با امام خامنه ای (مدظله العالی) ۱۰/۰۵/۱۳۷۰

۲. اقبال الاعمال؛ ج ۴؛ ص ۲۶۱

۳. دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران با امام خامنه ای (مدظله العالی) ۱۰/۰۴/۱۳۷۰

۴. دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی با امام خامنه ای (مدظله العالی) ۲۰/۰۴/۱۳۶۹

فلان جناح قدرتمند و ثروتمند نیست. آن‌ها هم ضابطه دارند و در چارچوب ضوابطشان انتخاب می‌کنند، اما ضوابط آن‌ها این است؛ جزو فلان باند قدرتمند و ثروتمند بودن، که اگر خارج از آن باند باشند، ضابطه را ندارند. در مکتب سیاسی اسلام، ضابطه، این‌ها نیست؛ ضابطه، ضابطه‌ی معنوی است. ضابطه عبارت است از علم، تقوا و درایت. علم، آگاهی می‌آورد؛ تقوا، شجاعت می‌آورد؛ درایت، مصالح کشور و ملت را تأمین می‌کند؛ این‌ها ضابطه‌های اصلی است برطبق مکتب سیاسی اسلام. کسی که در آن مسند حساس قرار گرفته است، اگر یکی از این ضابطه‌ها از او سلب شود و فاقد یکی از این ضابطه‌ها شود، چنانچه همه‌ی مردم کشور هم طرف‌دارش باشند، از اهلیت ساقط خواهد شد. رأی مردم تأثیر دارد، اما در چارچوب این ضابطه. کسی که نقش رهبری و نقش ولی فقیه را بر عهده گرفته، اگر ضابطه‌ی علم یا ضابطه‌ی تقوا یا ضابطه‌ی درایت از او سلب شد، چنانچه مردم او را بخواهند و به نامش شعار هم بدهند، از صلاحیت می‌افتد و نمی‌تواند این مسئولیت را ادامه دهد.^۱

گفتار دوم

جلوه‌های ولایت‌پذیری و توسل به ائمه در سیره شهید سلیمانی

ولایت‌پذیری در کلام و سیره شهید سلیمانی

هرکس با امام در افتاد و افتاد. هر کسی با این مرد الهی و برجسته یعنی امام (رحمة الله علیه) که با خدا معامله می‌کرد در می‌افتاد و می‌افتاد. چه اشخاص چه حکومت‌ها و چه جمعیت‌های مختلف. صدام به روزی افتاد که بازرسان تسهیلاتی سازمان ملل به خاطر ۱۵ ثانیه تأخیر در باز کردن در کاخ، او را

۱. دیدار اقشار مختلف مردم با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در پانزدهمین سالگرد ارتحال امام (ره) ۱۴/۰۳/۱۳۸۳

مفتضح کردند؛ این وضع خفت آوری برای صدام بود و این نتیجه خونهای مقدس ریخته شده و درگیر شدن با یک انسان الهی است...

بدانید قدر این شهیدایتان، قدر این شهدا را بدانید این عزیزانی را که امروز تشییع می کنید این ها حماسه آفریدند اینها مخلصینی بودند که شب و روز تلاش کردند برای اینکه لبهای شما را خندان ببینند خدا می داند دعا های شان و گریه های شان این بود که خدایا ما از تو دو تقاضا داریم و گریه بسیجی ها این بود. خدایا ما دو آرزو داریم یکی اینکه ببوسیم قبر غریب شش گوشه بی زوار امام حسین (علیه السلام) را. و خدایا آرزوی دیگر مان این است که می گفتند خدایا ما از عملیات بیت المقدس به این طرف لبهای امامان را خندان ندیدیم خدایا می خواهیم توی این عملیات لبهای امامان خندان ببینیم خدایا می خواهیم ملت مان را سربلند و خندان ببینیم این آرزوی آنها بود و خداوند حتماً آرزوی آنها را برآورده کرد و برآورده خواهد کرد.^۱

بیش از ۹۰ درصد از رزمندگان امام را از نزدیک ندیده بودند اما عاشق امام بودند برای لبخند امام رضایت امام و رفع نگرانی امام جانشان را در طبق اخلاص گذاشته بودند و این تنها منحصر به امام نبود و چون می دانستند که فرماندهی که دارد منتسب به امام است مثل امام از او اطاعت می کردند، چه فرمانده گردان بود یا گروهان و لشکر؛ تمردی در کار نبود. من به یاد ندارم در شب های سنگین عملیات کسی جای من و یا فرمانده گردان دسته یا تیپ بایستد و بگوید من به عملیات نمی روم.^۲

بزرگترین ارمغانی که امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) به این ملت هدیه کرد که بعضی ها حماقت می کنند و نمی دانند چه می گویند ولایت فقیه است. ایران

۱. سخنرانی شهید سلیمانی در مراسم تشییع شهدای عملیات والفجر ۸ در مسجد امام خمینی کرمان

۲. سخنرانی شهید سلیمانی در دهمین کنگره بزرگداشت شهدای کرمان مهرماه ۱۳۸۶

بدون اسلام و منهای تشیع، بدون فاطمه اطهر (سلام الله علیها) بدون امیرالمومنین (علیه السلام) بدون امام حسین (علیه السلام) و امام حسن (علیه السلام) ... ۷۰۰ سال تاریخ این ملت گم بوده است تا دوره صفویه هر دوره‌ای یک کسی آمد بر این ملت و حکومت و تارمار و تاراج کرد. ما بگوییم ما دنبال حکومت ایرانی در مقابل حکومت جمهوری اسلامی هستیم؟ این بن‌دار غلطی است تفکر غلطی است قوام ایران اسلامی و بقای آن به رهبریت آن است.

مردم از من قبول کنید من عضو هیچ حزب و جناحی نیستم و به هیچ طرفی جز کسی که خدمت می‌کند به اسلام و انقلاب تمایل ندارم اما این را بدانید و الله علمای شیعه را تماماً و از نزدیک می‌شناسم. الان ۱۴ سال شغل من همین است، علمای لبنان را می‌شناسم، علمای پاکستان را می‌شناسم علمای حوزه خلیج فارس را می‌شناسم چه شیعه و چه سنی، اشهد و الله سرآمد همه این روحانیت این علما از مراجع ایران و مراجع غیر ایران، این مرد بزرگ تاریخ یعنی آیت الله العظمی خامنه‌ای است.

من با خیلی از علمای شیعه مکاتبه و از نزدیک مراد کرده‌ام و می‌شناسم آنها را ارادت داریم. دنبال تبعیت مردم از آنها هستیم اما اینجا کجا آنجا کجا؟ بین ارض و سماء فاصله داریم در حکمت این مرد در اخلاق این مرد در دین این مرد در سیاست شناسی این مرد در اداره حکومت این مرد، دقت کنیم و در بازی‌های سیاسی مرزهای خودمان را تفکیک کنیم آدمها می‌آیند و می‌روند آن چیزی که مهم است اتصال ما به ولایت است آنچه که مهم است حمایت ما از این نظام است.^۱

خاطره سردار شهید سلیمانی از امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در جریان

۱. سخنرانی شهید سلیمانی در مراسم یادواره شهدای شهر خانوک کرمان ۱۳۸۹

جنگ ۳۳ روزه لبنان

من گزارشی دادم از حادثه. [در جریان جنگ ۳۳ روزه] گزارش من گزارش تلخی بود یعنی مشاهدات من افقی از پیروزی را نشان نمی داد و جنگ کاملاً جنگ متفاوتی بود. جنگ خیلی جنگ تکنولوژی بود، دقیق بود ساختمان های دوازده طبقه با يك بمب با زمین یکسان می شدند، اهداف با دقت انتخاب می شد در درون روستاها که روستا فاصله ی يك روستا با روستای دیگر فاصله ی چسییده به همی داشتند، برای توپخانه ها کار سختی است اما يك روستایی که دیگر آن وقت جنگ از حزب الله به طایفه منتقل شده بود يك روستایی که شیعه نشین بود با روستای دیگری که برادران مسیحی ما بودند یا برادران اهل تسنن بودند کاملاً متفاوت بود یعنی يك جا يك نفر با اطمینان نشسته بود مشغول کشیدن قلیان بود، يك جا چندین هزار گلوله فرود می آمد. من گزارش دادم در آن جلسه. خورد به نماز، خب رفتند برای وضو گرفتن. من هم رفتم وضو بگیرم، آقا وضو گرفتند آستین شان را هم بالا زده بودند وضو گرفته بودند برمی گشتند با دست اشاره کردند به من که بیا. من رفتم آقا فرمودند که شما چیزی می خواستی به من بگویی از این گزارشت. من عرض کردم نه فقط می خواستم توضیح واقع را بدهم.

آقا فرمودند این را فهمیدم. چیز دیگری نمی خواستی بگویی. عرض کردم نه. نماز خواندیم برگشتیم به جلسه. گزارش من تمام شده بود. آقا شروع کردند به صحبت کردن. چند تا مطلب را فرمودند، فرمودند که نکاتی که فلانی گفتند پیرامون جنگ همین طور است.

این جنگ، جنگ بسیار سخت و شدیدی است. اما من تصور می کنم این جنگ شبیه جنگ خندق است آیات جنگ احزاب یا همان جنگ خندق را

حالا هر کدامش بگوییم یکی هست. آقا قرائت کردند. حالت مسلمان ها، حالت اصحاب و یاران پیغمبر، حالتی که بر صف آنها حاکم بود این را بیان کردند. بعد فرمودند که اما من تصورم این است پیروزی این جنگ همانند پیروزی جنگ خندق خواهد بود.

من در دلم تکان خوردم. چون اصلاً چنین ظنی از نظر نظامی من نداشتم یعنی در دلم تمنا کردم کاش آقا این را نمی فرمودند که نتیجه این است نتیجه یعنی پیروزی، جنگ احزاب پیروزی بزرگ پیامبر بود.

بعد دو نکته دیگر فرمودند که خیلی مهم بود یکی فرمودند که، من تصورم این است، من همیشه اعتقاد دارم و می گویم به دوستان مان در تجربه‌ی این بیست سالی که در محضر آقا بودم، نتیجه‌ی تقوا را که ثمره‌ی او حکمت می شود بر زبان و بر دل و بر عقل من در آقا کامل دیدم، کامل. لذا در هر چیزی که الان شبهه می کند مطمئن می شوم انتهایش يك چیزی در آن شبهه در می آید یا بر چیزی که یقین می کنند مطمئن می شوم در آن چیزی به دست می آید.

عبارت‌هایی سید بیان می کرد که من را متأثر می کرد. نمی‌خواهم آن عبارتها را بیان بکنم. دیدم این بیان خیلی خوبی است برای او که ممکن است کسی شماتت کند که بگوید حزب الله چرا برای گرفتن دو اسیر کل شیعه را با خطر مواجه کرد اما چنین موضوعی که حزب الله با يك دو اسیر گرفتن خودش را از يك نابودی کامل نه تنها خودش را ملت لبنان را نجات داد، این خیلی نویدبخش و مهم بود يك نکته‌ی سومی هم فرمودند که جنبه‌ی معنوی داشت فرمودند که به این ها بگویید دعای جوشن صغیر را بخوانند خب در شیعه عموماً معروف دعای جوشن کبیر است دعای جوشن صغیر معمولاً

در این معروفیت، حداقل در بین عموم عامه، نیست، خواص فرق می‌کنند بعد آقا توضیح دادند که یعنی ما تصور دیگری نکنیم در این موضوع که این دعای جوشن صغیر که چیه مثلاً مثل بعضی‌ها می‌گویند این چهار تا قل هوالله را بخوان، مثلاً این حمد را بخوان، موضوع حل است فرمودند که این دعای جوشن صغیر حالت يك انسان مضطر است انسانی که در يك اضطرار شدید است می‌خواهد با خدا حرف بزند، این حال يك انسان مضطر است. بیشتر بخوانید: دعای توصیه شده رهبر انقلاب در زمان جنگ ۳۳ روزه که حتی مسیحیان لبنان هم می‌خواندند.

من همان روز [که] آمدم، تهران شب مجدداً برگشتم به سوریه ولی يك احساس بسیار خوبی داشتم، یعنی در واقع حامل يك چیزی بودم، که برای سید شاید از هر امکان دیگری این ارزشمندتر است و مجدداً همین جور عماد آمد دنبال من و از همان راه برگشتیم، و رفتم پیش آقاسید من موضوع را نقل کردم برای ایشان.

ولایت مداری سید حسن نصرالله در کلام شهید سلیمانی

شاید هیچ چیزی به اندازه‌ی این کلمات مؤثر در روحیه‌ی سید نبود اولاً ایشان يك خصوصیتی دارد آن خصوصیت را تا حالا ماها هیچکدام مان به این درجه نرسیدیم و فکر می‌کنم که ما اصلاً درس ولایت شناسی را باید برویم پیش ایشان یاد بگیریم او به بیانات مقام معظم رهبری اعتقاد جدی دارد، اینها را يك بیانات الهی، غیبی می‌داند لذا فوق العاده در هر بیانی هر کلمه‌ای که از ناحیه‌ی مقام معظم رهبری صادر می‌شود به آن اهتمام جدی دارد، توجه اساسی دارد.

خب من [شهید سلیمانی] توضیح دادم، [او] خیلی خوشحال شد. اول

به سرعت موضوع اول را که این [جنگ] نتیجه اش پیروزی جنگ خندق خواهد بود. [این جنگ] صعوبات شدیدی دارد سختی های زیادی دارد اما پیروزی بزرگی دارد، این از قول مقام معظم رهبری منتشر شد در بین همه ی مجاهدین، - از کسانی که در نقطه ی جلویی بودند، در مقابل دشمن درگیر بودند تا همه ی صفوف - ثانیاً این تحلیل که دشمن از قبل يك طرح داشت، شد مبنای اصلی عملیات سید در توجیه افکار عمومی به نیت دشمن.

در موضوع سوم هم اینقدر مسأله دعای جوشن صغیر رایج شد و چون مفاهیم خیلی ارزنده ی عرفانی و معنوی دارد، - شاید بتوان گفت در مفاتیح جزو بهترین دعاهایی است، که دارای مفاهیم بسیار معنوی عبودی است - آن قدر این وسعت انتشار پیدا کرد و این تلویزیون المنار، به شکل مرتب پخش می کرد که آن را با يك صوت خیلی خوبی هم - صوت حزینی در واقع - قرائت می کرد [حتی] در ساحه ی مسیحی هم این دعا را می خواندند. چون دعا، دعای الهی است، عرفانی است فقط متعلق به يك طایفه نیست یعنی هر کسی که عبودیت داشته باشد و در واقع تعبد داشته باشد به موضوعات، به قدرت الهی، به خداوند سبحان، این درس اثر می گذارد لذا خیلی مؤثر بود.^۱

توصیه به ولایت پذیری در وصیت نامه شهید سلیمانی

برادران و خواهران! جهان اسلام پیوسته نیازمند رهبری است؛ رهبری متصل و منصوب شرعی و فقهی به معصوم. خوب میدانید منزّه ترین عالم دین که جهان را تکان داد و اسلام را احیا کرد، یعنی خمینی بزرگ و پاک ما، ولایت فقیه را تنها نسخه نجات بخش این امت قرار داد؛ لذا چه شما که به عنوان شیعه به آن اعتقاد دینی دارید و چه شما که به عنوان سنی اعتقاد عقلی دارید،

۱. گفتگوی سردار شهید سلیمانی در خصوص جنگ ۳۳ روزه لبنان

بدانید [باید] به دور از هرگونه اختلاف، برای نجات اسلام خیمه ولایت را رها نکنید. خیمه، خیمه‌ی رسول الله است. اساس دشمنی جهان با جمهوری اسلامی، آتش زدن و ویران کردن این خیمه است. دور آن بچرخید. والله والله والله این خیمه اگر آسیب دید، بیت الله الحرام و مدینه حرم رسول الله و نجف، کربلا، کاظمین، سامرا و مشهد باقی نمی ماند؛ قرآن آسیب میبندد. برادران و خواهران عزیز ایرانی من، مردم پر افتخار و سربلند که جان من و امثال من، هزاران بار فدای شما باد، کما اینکه شما صدها هزار جان را فدای اسلام و ایران کردید؛ از اصول مراقبت کنید. اصول یعنی ولیّ فقیه، خصوصاً این حکیم، مظلوم، وارسته در دین، فقه، عرفان، معرفت؛ خامنه‌ای عزیز را عزیز جان خود بدانید. حرمت او را حرمت مقدسات بدانید.

ای مردم کرمان! دوست دارم کرمان همیشه و تا آخر با ولایت بماند. این ولایت، ولایت علی بن ابیطالب است و خیمه او خیمه حسین فاطمه است. دور آن بگردید. با همه شما هستم. می دانید در زندگی به انسانیت و عاطفه‌ها و فطرت‌ها بیشتر از رنگ‌های سیاسی توجه کردم. خطاب من به همه شما است که مرا از خود میدانید، برادر خود و فرزند خود میدانید.

خطاب به سیاسیون کشور ...

اعتقاد عملی به ولایت فقیه [داشته باشید] یعنی این که نصیحت او را بشنوید، با جان و دل به توصیه و تذکرات او به عنوان طبیب حقیقی شرعی و علمی، عمل کنید. کسی که در جمهوری اسلامی می خواهد مسئولیتی را احراز کند، شرط اساسی آن [این است که] اعتقاد حقیقی و عمل به ولایت فقیه داشته باشد. من نه میگویم ولایت تنوری و نه میگویم ولایت قانونی؛ هیچ یک از این دو، مشکل وحدت را حل نمی کند؛ ولایت قانونی، خاص

عامه مردم اعم از مسلم و غیر مسلمان است، اما ولایت عملی مخصوص مسئولین است که می‌خواهند بار مهم کشور را بر دوش بگیرند، آن هم کشور اسلامی با این همه شهید.

خطاب به مراجع عظام...

سخنی کوتاه از یک سرباز ۴۰ ساله در میدان به علمای عظیم الشان و مراجع گرانقدر که موجب روشنایی جامعه و سبب زدودن تاریکی‌ها هستند، خصوصاً مراجع عظام تقلید. سربازتان از یک برج دیده بانی، دید که اگر این نظام آسیب ببیند، دین و آنچه از ارزش‌های آن [که] شما در حوزه‌ها استخوان خُرد کرده اید و زحمت کشیده اید، از بین می‌رود. این دوره با همه دوره‌ها متفاوت است. این بار اگر مسلط شدند، از اسلام چیزی باقی نمی‌ماند. راه صحیح، حمایت بدون هر گونه ملاحظه از انقلاب، جمهوری اسلامی و ولیّ فقیه است. نباید در حوادث، دیگران شما را که امید اسلام هستید به ملاحظه بیندازند. همه‌ی شما امام را دوست داشتید و معتقد به راه او بودید. راه امام مبارزه با آمریکا و حمایت از جمهوری اسلامی و مسلمانان تحت ستم استکبار، تحت پرچم ولیّ فقیه است. من با عقل ناقص خود می‌دیدم برخی خناسان سعی داشتند و دارند که مراجع و علما مؤثر در جامعه را با سخنان خود و حالت حق به جانبی به سکوت و ملاحظه بکشانند. حق واضح است؛ جمهوری اسلامی و ارزش‌ها و ولایت فقیه میراث امام خمینی (رحمه الله) هستند و می‌بایست مورد حمایت جدی قرار گیرند. من حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای را خیلی مظلوم و تنها می‌بینم. او نیازمند همراهی و کمک شماست و شما حضرات معظّم با بیانتان و دیدارهایتان و حمایت‌هایتان با ایشان می‌بایست جامعه را جهت دهید. اگر این انقلاب آسیب دید، حتی زمان شاه

ملعون هم نخواهد بود، بلکه سعی استکبار بر الحادگری محض و انحراف عمیق غیر قابل برگشت خواهد بود. دست مبارکتان را میبوسم و عذرخواهی می‌کنم از این بیان، اما دوست داشتم در شرفیابی‌های حضوری به محضرتان عرض کنم که توفیق حاصل نشد.^۱

توسل به انوار معصومین (علیهم السلام) در بیان شهید سلیمانی

ما هر وقت در سختی‌های جنگ، فشارها بر ما حادث می‌شد، وقتی که به صورت بسیار مضطرب هیچ کاری از ما بر نمی‌آمد، پناهگاهی جز زهراء نداشتیم و ما هم پناه گاهمان زهراء بود. در شب والفجر ۸ وقتی چشممان به آب‌های پر طوفان و خشم‌گین و ترسناک اروند افتاد و لرزیدیم و ترسیدیم، آنجا هیچ پناهگاهی و نامی آشنا تر از نام زهراء نداشتیم، او را در کنار اروند صدا زدیم. در تالو اشک‌های غریبانه و مظلومانه‌ی بسیجی‌ها، سیمای سفید او را جست و جو کردیم و اروند را با یا زهراء به کنترل درآوردیم و عبور کردیم. وقتی شب کربلای ۴ شد، وقتی که دشمن آتش مسلسل‌ها و خمپاره‌ها و توپ‌های خودش را مستانه توی ساحل باز کرد و جوی‌های کوچکی از خون به سمت اروند سرازیر شد، آن وقت هم همه‌ی تدابیر از کار افتاده بود و نامی جز نام زهراء بر زبان جاری نمی‌شد، وقتی هم که عراقی‌ها لب اروند ایستاده بودند و بچه‌ها را با تیر می‌زدند، آن زمان هم سلاح کار ما، یا زهراء بود. در کربلای ۵ هم وقتی در آن غروبی که اضطراب داشتیم و مضطرب بودیم نگاهی به آب‌های بویبان کردیم. آن وقت هم سرمان را بر وشی (نوعی جامه) گذاشتیم و عاجزانه او را صدا کردیم.

من قدرت زهراء را، محبت مادری او را در هور دیدم، در غرب کانال

۱. متن وصیت نامه شهید سلیمانی

ماهی دیدم و در وقت میدان نور دیدم وقتی شما مادر ها نبودید و بچه هاتان در خون دست و پا می زدند او را دیدم. اگر موسی در کنار نیل وقتی فرعون به سپاهش نزدیک می شد، او ترسان با یک چشم نیل را می نگریست و با یک چشم دیگر سپاه ترسناک فرعون را می دید و خدا نیل را برای او شکافت، فاطمه در هور، فاطمه در کربلای ۵، فاطمه در اروند، فاطمه در کوه های سرد و سخت کردستان مادری کرد.^۱

هوا طوفانی شد تا آن روز که سه ماه در آن کار می کردیم آشنا بودیم و از همه جای اروند را شناخته بودیم اما اروند را اینطور ندیده بودیم یک امواج وحشتناکی که این امواج آب را کنار ساحل می کوباندند یک صدای مهیبی از خودش بلند میکردند. اصلاً بین امواج کشتی گم می شد قایق های بزرگ گم می شدند طبیعتاً نیروی غواص بین این امواج اصلاً دیده نمی شد. تلاطمات امواج. من وقتی این وضع را دیدم به کلی ناامید شدم از تمام تدابیری که انجام داده بودیم. واقعا احساس کردم که هیچ تدبیر نظامی دیگر کارایی ندارد با بچه های اطلاعات که صحبت کردم، با بچه های غواصی که از اروند عبور کرده بودند به من صراحتاً گفتند امکان ندارد از اروند بتوانیم عبور کنیم این امواج آب اصلاً اجازه نمی دهد ما جلو برویم همه را برمی گرداند.

طبیعتاً یک کار هماهنگ شده بود باید انجام می گرفت من اونجا به برادر های عزیزی که خودشان هم اعتقاد داشتند تنها نقطه امید ما فقط همین بود یعنی تنها چیزی که به من قوت قلب می داد به آن امید داشتم همین حرف بود هیچ چیز دیگری نمی توانست تسکینم بدهد اضطرابم را برطرف کند به بچه ها گفتم که متوسل به حضرت زهرا شوید.

۱. سخنرانی شهید سلیمانی درباره شهدای دفاع مقدس که بعد از شهادت ایشان در رسانه ها منتشر شد

اینجا جایی است که دیگر ما باید او را صدا بزنیم و همینطور هم شد واقعا اصلاً عجیب بود همه بچه ها سرشان را گذاشتند کنار باتلاق اروند و شروع کردند این دعای توسل حضرت زهرا را خواندن فریاد «یا وجیهتا عندالله اشفعی لنا عندالله» با امواج اروند اصلاً یکی شده بود.

من با تمام وجود حس کردم که حضرت زهرا را دارم میبینم اصلاً این حرکت این چیزی که خدا به ذهنم داد آنجا به بچه ها گفتم یک ایمان عجیبی یک قدرت عجیبی این اطمینان عجیبی از پیروزی به من داد.^۱

ولایت پذیری و انقلابیگری شهید قاسم سلیمانی

انقلابیگری و ولایتمداری، مهم ترین ویژگی حاج قاسم بود و همه رزمندگان را توصیه می کرد که سر سوزنی از موضع ولایت فاصله نگیرند و همیشه خواست و نظر مقام معظم رهبری را اعمال می کرد.

سردار شهید قاسم سلیمانی نمونه ی برجسته ای از تربیت شدگان اسلام و مکتب امام خمینی بود. او همه عمر خود را به جهاد در راه خدا گذراند. شهادت پاداش تلاش بی وقفه ی او در همه ی این سالیان بود.^۲

۱. تشریح روند شناسایی آب رودخانه اروند رود قبل از عملیات والفجر ۸ و جانفشانی های غواصان خط شکن در لشکر ۴۱ ثارالله در ویژه برنامه عملیات والفجر ۸ ساخت گروه تلویزیونی شاهد

۲. پیام تسلیت امام خامنه ای (مدظله العالی) در شهادت شهید سلیمانی ۱۳۹۸/۱۰/۱۳

فصل چهارم

تحول معنوی و تزکیه نفس

گفتار اول

مفهوم و ضرورت معنویت

انسان‌سازی در مرتبه‌ی اول، تعمیر دل و آباد کردن جان است.^۱ تحوّل اخلاقی، یعنی این‌که انسان هر رذیلت اخلاقی را - هر اخلاق زشت، هر روحیه بد و ناپسندی که موجب آزار دیگران یا عقب‌ماندگی خود انسان است - کنار بگذارد و خویشتن را به فضایل و زیبایی‌های اخلاقی، آراسته کند.^۲

انسان در باطن و در قلب خود متحول بشود و زیور اخلاق الهی و انسانی را پیدا کند؛ این انسان‌سازی است.^۳ اخلاق خودمان را درست کنیم، خودمان را از لحاظ باطن، به خدا نزدیک کنیم، به‌عنوان یک فرد، مجاهدت شخصی

۱. دیدار فضلا، طلاب و اقشار مختلف مردم قم با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۹ / ۱۰ / ۱۳۷۰

۲. دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱ / ۱۰ / ۱۳۷۶

۳. دیدار فضلا، طلاب و اقشار مختلف مردم قم با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۹ / ۱۰ / ۱۳۷۰

کنیم، آیات خدا را به دل خودمان بخوانیم و دل را به خدا نزدیک کنیم.^۱ این معنویت و اخلاقی را... که جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی جزو اصول خود قرار داده است، نباید با دین‌داری‌های متحجر، بی‌منطق و ایستا در بسیاری از جوامع اشتباه کرد. آن دین‌داری‌ها، به‌ظاهر و در زبان دین‌دار، اما با ایستایی و تحجر و عدم فهم مسیر سعادت برای جامعه و انسان همراه است. این پسوند اسلامی بعد از عدالت و آزادی و معنویت، بسیار پُرمعناست و باید به آن توجه کرد.^۲ وظیفه‌ی هر فردی به‌عنوان یک فرد این است که در این راه حرکت کند؛ «علیکم انفسکم لا یضركم من ظل اذا اهدیتم»^۳. باید این حرکت را انجام بدهد؛ حرکت از ظلمت به نور، از ظلمت خودخواهی به نور توحید. جاده‌ی این راه چیست؟ بالاخره مسیری را می‌خواهیم حرکت کنیم و به جاده‌ای نیاز داریم؛ این جاده، همان واجبات و ترک محرمات است. ایمان قلبی موتور حرکت در این راه است؛ ملکات اخلاقی و فضائل اخلاقی، آذوقه و توشه‌ی این راه است، که راه و حرکت را برای انسان آسان و تسهیل می‌کند؛ سرعت می‌بخشد. تقوا هم عبارت است از خویشتن‌پایی؛ مواظب خود باشد که از این راه تخطی و تجاوز نکند.^۴

۱- تلاش و سازندگی مادی در عین تلاش و سازندگی معنوی

جمع بین تلاش و سازندگی مادی با تلاش و سازندگی معنوی، یعنی همین. لذا شما می‌بینید که آن کسی که در اسلام، اهل سازندگی مادی است، آزد خلق الله هم اوست. امیرالمؤمنین (علیه الصلاه والسلام)، با دست خود چاه و قنات

۱. دیدار مسئولین کشور به مناسبت مبعث پیامبر گرامی اسلام (ص) با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۰۷/۰۹/۱۳۷۶

۲. اجتماع بزرگ زائران حرم امام خمینی (ره) ۱۴/۰۳/۱۳۸۱

۳. مانده: ۱۰۵

۴. دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۲۵/۰۲/۱۳۸۶

حفر کرد و آن گاه که آب به ضخامت گردن شتر فوران نمود، از چاه بیرون آمد. با همان لباس کار گل آلود، کنار چاه نشست و بر کاغذ نوشت که «این آب را برای فقرا وقف کردم و صدقه قرار دادم.» یعنی چون به آبادانی جایی پرداخت، آنآ در راه خدا انفاق می‌کند. منفق‌ترین، سازنده‌ترین، به ماده پردازنده‌ترین. و از لحاظ معنا، برترین و بالاترین. این، نتیجه تربیت و نشانگر برنامه رفاه مادی و معنوی اسلام است.^۱

۲- معنویت جامع و کامل

معنویت در اسلامی که در مکتب اهل بیت معرفی می‌شود، به نحو جامع و کاملی وجود دارد، معنویت بدون انزوا، بدون جدائی از زندگی، معنویت همراه با سیاست و عرفان، همراه با فعالیت اجتماعی، تضرع و گریه‌ی پیش خدای متعال و همراه با جهاد.^۲ اسلام، معنویت بدون نگاه به مسائل اجتماعی و سرنوشت انسانها ندارد. «من اصبح ولم یهتّم بامور المسلمین فلیس بمسلم». آدم معنوی‌ای که با ظلم می‌سازد، با طاغوت می‌سازد، با نظام ظالمانه و سلطه‌می‌سازد، این چطور معنویتی است؟ این‌گونه معنویت را ما نمی‌توانیم بفهمیم.^۳

۳- ضرورت معنویت در زندگی بشر

امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در مورد اهمیت و ضرورت معنویت می‌فرمایند: اولین و مهم‌ترین کاری که پیش روی ما قرار دارد، تحول معنوی و روحی انسان هاست. ما متأثر از تربیت‌های طولانی غیر اسلامی هستیم. آنچه که

۱. دیدار روحانیون و مبلغان، در آستانه «ماه محرم» با امام خامنه‌ای (مدظله العالی) ۱۳۷۵/۲/۲۶

۲. دیدار میهمانان چهارمین مجمع جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام) با امام خامنه‌ای (مدظله العالی) ۱۳۸۶/۰۵/۲۸

۳. دیدار اعضای هیأت دولت با امام خامنه‌ای (مدظله العالی) ۱۳۸۴/۶/۸

هیجان عظیم انقلاب و دوران جنگ انجام داد، البته معجزه آسا بود؛ اما تا این پدیده عمق پیدا نکند تا وقتی که اعماق ضمایر را متحول نماید، کار زیادی لازم است.^۱

گفتار دوم

اخلاق و معنویت شهدا

۱- اخلاق و معنویت شهدا در کلام شهید سلیمانی

[یکی از پایه های مهم] جبهه، اخلاق بود. یک اجتماع عظیم ۳ هزار روزه. یعنی ۳ هزار شبانه روز انسان های متفاوت در سنین مختلف در سطوح گوناگون از جغرافیای متفاوت کنار هم قرار بگیرند و همه مسلح بخواهند بجنگند و کوچکترین دعوایی، توهینی، سخن درشت و ناراحتی به وجود نیاید. هیچ درجه ای نبود نه کسی سردار بود نه سرهنگ و سرگرد. اینها نبود کسی به این درجات فکر نمی کرد. کلمه متداول آنجا برادر بود، هیچ بالاتر و پایین تری وجود نداشت. تمردی نبود و ادب در جبهه ها حاکم بود.

پایه [بعدی] جنگ ما، معنویت بود. من این مثال را بارها زده ام و تکرارش هم هیچ اشکالی ندارد؛ در موسم حج وقتی که حج گزاران مُحرم می شوند و به عرفات و منا و مشعر و رمی و مطاف می روند همه اعمال معنوی است و همواره مشغول ذکر خدا هستند. جبهه های ما نیز چنین فضایی داشت. یک حج حقیقی بود مثل حاج ابراهیم و اسماعیل هیچگونه خودستایی غرور و

۱. دیدار جمعی از مهمانان خارجی با امام خامنه ای (مدظله العالی) ۱۳۷۰/۱۱/۱۴

تکبر در آن نبود کسی به چیزی تظاهر نمی کرد.^۱

آن چیزی که هر کسی را تحت تاثیر قرار می دهد و خود من بیشتر تحت تاثیر این بودم که بیش از آمادگی بچه ها که واقعا به اوج آمادگی خودشان از نظر نظامی رسیده بودند معنویت بچه ها بود. تک تک نیروهای غواص که عموماً هم جوان و نوجوان بودند مثل یک عارف واقعی و عامل ۷۰ ساله بودند. در بحث اعتقادات و توجه به نافله ها ناله هایی که در دل شب بلند بود، واقعا هر آدمی را که آنجا پا می گذاشت دگرگون می کرد. حالت روحی بچه ها ناله های بچه ها، دعای بچه ها را که میدیدی یک گوشه نخلستان، بچه هایی که توی لباس غواصی شان پر از آب بود. مثل یک مشک آب انگار در درون مشک آب زندگی می کردند؛ مشککی که پر از آب بود. لباس غواصی شان بود. غواصی را دیدند در یک نخلستان، کنار یک نخلی افتاده روی زمین و دارد طوری ناله می کند که اصلا هیچ آدم مضطربی را اینگونه ندیده بودند.^۲ من چه بگویم از شهدا؛ از این عزیزان از این مخلصین از این عرفایی که رفتند...

این حسن یزدانی که امروز در پیش شما یک طلبه ۱۸ ساله ای است، چه کسی می داند حسن که بود؟ حسن قهرمان و فاتح عملیات والفجر ۸ بود. حسن آن طلبه ضعیف الجسم و قوی الروح، حسن کسی بود و اولین فردی بود که پیشتاز و پیشگام و داوطلب از اروند عبور کرد. حسن آن طلبه شجاع و قهرمان؛ کسی بود که سی بار برای شناسایی از اروند رود عبور کرده است. حسن یک نیروی ورزیده شجاع شهادت طلب

۱ - سخنرانی در دهمین کنگره بزرگداشت شهدای استان کرمان مهرماه ۱۳۸۶

۲. تشریح روند شناسایی آب رودخانه اروند روز قبل از عملیات والفجر ۸ و جانفشانی های غواصان خط شکن لشکر ۴۱ ثارالله در ویژه برنامه عملیات والفجر هشت ساخت گروه تلویزیونی شاهد

مخلص. حسن پیشنماز لشکر ما بود؛ حسن امام جماعت لشکر ما بود. از حسین یوسف الهی که تشریح کردید، حسینی که بدنش پاره پاره بود. حسین آقای ما، حسین مخلصی که هیچ گوشه‌ای از بدنش را پیدا نمی‌کردی که جای زخم بر آن نباشد. حسینی که با زخم تازه به جبهه برگشت. حسین باوفا، حسین ایثارگر، حسین مخلص، حسین عارف. کاظمی ما! کاظمی مخلصی که هنوز جنازه اش به دست شما نرسیده است. ابراهیم مخلص ما! این ذوالفقاری عزیز، اینها که در پیشگاه شما هستند. هر کدام داستان‌های بسیار جالب و شنیدنی و کتاب‌های بسیار عارفانه دارند. محمد ما! نصراللهی پابره‌نه ما! سینه چاک مخلص ما! عاشقی که هیچ وقت خستگی نداشت. عاشق بی مادری که امیدی جز خدا نداشت. نصراللهی که هیچ وقت به شهرها رو نمی‌آورد و تمام تلاش در جبهه‌ها بود. محمدی که در آخرین لحظات همانطور که در جنازه‌اش مشهود است بر مرگ لبخند زد.^۱

شهادت؛ آرزویی که همه دلها برایش پر می‌زند، همه عاشقان برای رسیدن به معشوق شان، برای رسیدن به هدفشان آخرین وسیله‌ای که می‌دانند آنها را به معشوقش می‌رساند شهادت است و آن را انتخاب می‌کنند و این افتخار نصیب هر کس نخواهد شد، مگر افرادی که خود را ساخته باشند و افتخار این را داشته باشند که به لقاء الله پیوندند و در بین شما ها زیاد است؛ در بیشتر چهره‌های شما رخسار شهادت رنگ شهادت توأم با معنویت از دور

۱. سخنرانی پرشور و جزنانگیز حاج قاسم سلیمانی مراسم تشییع شهدای عملیات والفجر ۸ در مسجد امام خمینی کرمان در طول این سخنان بغض و گریه پرسوز حاج قاسم باعث گریه جمعیت حاضر شده و این سخنرانی را به یکی از یادگارهای حاج قاسم از سال‌های دفاع مقدس تبدیل کرده است.

نمایان است مشخص است.^۱

۲- خاطرات شهید سلیمانی در وصف معنویت شهدا

◀ شهید امینی

ویژگی شهید امینی این بود که معنویت اش به اندازه شجاعتش رشد کرده بود. دو نکته بارز داشت قبل از عملیات، یک شب همه بچه‌ها بودند. بهرام سعیدی، حسین فتاحی، امینی، تاجیک، بینا، زنگی آبادی، نصراللهی، یوسف‌اللهی، راجی، مشایخی و همه فرمانده گردان‌ها و ارکان لشکر بودند. فرماندهان از بچه‌ها سوال می‌پرسیدند. بعضی سوالات دل‌بچه‌ها را خالی می‌کرد ولی آنها با قوت جواب سوالات را می‌دادند. برای یک سوال جواب نبود، که اگر این جا گیر کردیم چه کنیم. شهید امینی گفت: اینجا «وجعلنا» بخوانیم. خداوند این شهید را بر پشت امواج سوار و پیاده کرد و عملیات انجام شد. والفجر ۸ مدیون این جوان بودیم؛ بعضی از عملیات‌ها شاه کلید‌هایی دارند که اینها کلیدهای پیروزی‌اند. هر دری کلید خاص خودش را دارد. به نظر من هر کدام از عملیات‌ها به نام یک نفر ثبت است که او این راه را باز کرده. در والفجر ۸ کسی که در را باز کرد شهید امینی بود که همان‌جا به شهادت رسید. خدا ان‌شاءالله همه ما را توفیق بدهد که از معنویت شهدا بهره‌مند شویم. رنگ و بوی شهدا به ما بدهد. توصیه‌ام به شما این است که هر کدام یک شهید را برای خودتان انتخاب کنید. حتما هم نباید معروف باشد در گمنام‌ها انسانهای فوق‌العاده‌ای وجود داشت. آنها را هم در نظر بگیرید؛ دعا کنید خدا به حق زهرا (سلام الله علیها) ما را به شهادت برساند و این شهادت را

۱. سخنرانی در روز جمعه ششم آذر ۱۳۶۰ در جمع دو گردان از رزمندگان تیپ ۴۱ نثارالله کرمان قبل از عملیات طریق‌القدس

منشاء رحمت و آمرزش ما قرار دهد و انشالله شرمنده دوستان شهیدمان نشویم. هیچ چیز بالاتر از شهادت نیست شما خواهران هم که جهاد از شما گرفته شده می‌توانید شهید شوید، شما جهاد مهم‌تری دارید که الان به آن مشغول هستید، آقا را [امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)] دعا کنید برای مسئولیت‌سنجینی که به عهده اش است؛ در این دنیای پر تلاطم و سختی که امروز ایشان با آن مواجه هستند. در داخل و خارج از دوستان نادان و دشمنان قسم خورده مجهز و مسلح و نفاق. انشالله خدا ایشان را کمک کند عمر طولانی و نفوذ کلام بیشتری به ایشان بدهد و قلب‌ها را در تسخیرش قرار دهد.^۱

◀ شهید حسین یوسف الهی

قبل از عملیات بدر می‌خواستیم در منطقه شلمچه در زید، عملیات انجام دهیم. خیلی مراقبت می‌کردیم که عملیات لو نرود. خط شلمچه متروکه بود فعال نبود، یک طرف خاکریز دژ ایران آب بود.

بچه‌ها با مسئولیت حسین مشغول شناسایی بودند. چند شب پشت سر هم می‌رفتند شناسایی. اولین تیم شناسایی که رفت اکبر موسایی و حسین صادقی بودند که برنگشتند. نمی‌دانستیم که اسیر شدند یا شهید. من خیلی نگران و ناراحت بودم که آیا دشمن فهمید و عملیات لو رفت؟

روز بعد حسین من را صدا زد گفت بچه‌ها فردا برمی‌گردند. گفتم از کجا می‌گویی؟ گفت در عالم خواب اکبر موسایی به من گفت که ما اسیر نشدیم شهید شدیم و خواهیم آمد. من فردا می‌آیم و صادقی روز بعد. حسین پیش بینی کرد که روز دوازدهم و سیزدهم این شهید باز خواهد گشت. قدری با حسین شوخی کردم گفتم مگر تو علم غیب داری؟ گفت: حسین پسر

۱. سخنان شهید سلیمانی در بازدید از مرکز اسناد دفاع مقدس کرمان ۱۳۸۹

غلامحسین این را می گوید. این تکیه کلامش بود.

من توی خط بودم. همین خط شلمچه، بچه ها صدا زدند و گفتند یک سیاهی روی آب است. با اینکه آب کم عمق بود و احتمال این که جنازه ها را بیاورد در حقیقت کم بود ولی همین اتفاق افتاد و روز دوازدهم، آب اکبر موسایی را به لب ساحل، جایی که بچه ها کنار نهر زیارت عاشورا می خواندند، آورد. این اتفاقی نبود که درست جنازه ها در همان زمان که حسین گفته بود و همان جایی که بچه ها زیارت عاشورا می خواندند به ساحل بیاید.. روز سیزدهم جنازه حسین صادقی به ساحل رسید. بعد که جنازه ها آمد حسین به من گفت می دانید چرا اکبر موسایی اول آمد و صادقی روز بعد؟ گفتم نه. گفت چون نماز شبش در آب هم قطع نشد.

حسین به من گفت که حضرت زینب (سلام الله علیها) گفته است که شما در این عملیات پیروز می شوید. حسین در ظاهر و باطن به معنای حقیقی کلمه، بنده ی خدا بود. یک روز در حالی که اورکتش روی شانه هایش بود و جوراب به پا نداشت آمد پیش من، نگاهی به او انداختم که مثلاً چرا با این وضع آمدی پیش من؟ از آن نگاهم خواند که چه می گویم! لبخند زیبایی بر لبانش نشست. حقیقت آن لبخند عظمت داشت. گفت من داشتم نماز می خواندم، با این حال وقتی گفتند شما با من کار دارید خواستم جوراب بپوشم، با خودم گفتم حسین پسر غلامحسین! تو پیش خدا اینجوری رفتی پیش فلانی می خواهی اونجوری بری؟!^۱

◀ شهید مهدی زندی

وقتی میخواستیم پاسدار نمونه را معرفی کنیم همه بغض کردند که چه

۱. سخنرانی شهید سلیمانی در حسینیه نارالله کرمان ۱۳۸۹ و سخنرانی در یادواره شهدای حاجی کلا ۱۳۹۰

کسی پاسدار نمونه است، او هم گوش می داد، نمی دانست چه خبر است. وقتی که آن بالا نامش را به عنوان پاسدار نمونه بردم و گفتم مهدی زندی، من احساس کردم او دارد در زمین ذوب می شود، ذوب می شود! مثل ابر بهار گریه می کرد، زیر شانه هایش را گرفتم، آمد بالا روی سکو به سمت من؛ وقتی می خواست آن سکه تجلیل از خودش را بگیرد نگاه کرد به صورت من در حالی که اشک می ریخت گفت: به من ظلم کردی! من این نگاه را هرگز فراموش نمی کنم، در عمرم شرمم هیچ وقت و در هیچ گناهی به این اندازه نبود.

این در نظام جنگی دنیا مرسوم نیست، بسیاری از رفتارهایی که در جبهه‌ها عیب بود امروز برای ما رسم شده است.

در طول دفاع مقدس نشنیده ایم که کسی را تشویق کرده باشند. جنگ صدها هزار رزمنده و ده‌ها عملیات داشت، ولی تاکنون به گوش کسی نخورده که امام راحل به کسی مدال و درجه داده باشند. چنین عملی در دوران جنگ و دفاع مقدس خرد کردن یک فرد و توهین محسوب می شد. من یک بار این عمل را انجام دادم و تا آخر عمر شرمنده‌ی این عمل خود هستم و این تنها به دلیل نگاه و جمله یک شهید بود که من او را تشویق کردم. زمانی که من به آن رزمنده که بعدها شهید شد لوح تشویق و سکه دادم این شهید به من گفت که تو با این کارت مرا شکستی.^۱

◀ شهید قاسم میر حسینی

خداوند این توفیق را به من داد که تقریباً از عملیات والفجر ۱ فروردین ۱۳۶۲ تا این اواخر که خیلی هم بود، در خدمت ایشان باشم. من واقعاً این را

۱. سخنرانی شهید سلیمانی در مراسم یادواره سرداران و ۹۲ شهید تیپ مالک اشتر شهرستان آمل.

می گویم که در همه شهدای جنگ تحمیلی، دوستان بسیاری داشتیم. اما در عملیات‌های مختلف هیچ کس را مانند ایشان ندیدم. از زمانی که من در خدمت ایشان بودم هیچ وقت ندیدم که نافله شبش ترک بشود.

یا هیچ نافله شبی که از شهید میرحسینی بدون گریه تمام شود و خدا شاهد است ما با گریه این شهید بزرگوار بیدار می شدیم، آدم عجیبی بود. دنیای بیکران معرفت بود. می دیدم وقتی گردان دور ایشان حلقه میزد و ایشان می خواست سخنرانی کند، از لحظه‌ای که بسم الله می گفت تا انتهای صحبتش واقعا مثل یک جوجه هایی که مادرشان غذا را در دهانشان می گذارد که همه حواسشان متوجه دهان مادر است، همه گردان مسحور ایشان می شد؛ محو ایشان میشد؛ او ناجی همه عملیات‌ها بود. در صحنه جنگ وقتی عراقی‌ها پاتک می زدند و فشار می آمد همین قدر که در جبهه می پیچید که میرحسینی آمد، و الله قسم انگار یک لشکر می آمد، این قدر در کل جبهه تاثیر داشت.

در عملیات بدر یادم است که وقتی عراقی‌ها پاتک کردند شهید میرحسینی رفت توی پاتک توی اوج سختی آن لحظه که همه به فکر برگشتن بودند، شهید میرحسینی رفت و آخرین نفر برگشت. من قطعاً شهید میرحسینی را ناجی همه عملیات‌ها می دانم. نقش شهید میرحسینی در یک کفه ترازو و نقش مابقی گردان‌ها در کفه دیگر.

من هیچ‌جا ندیدم شهید از خودش تعریف کند که من ناجی فلان عملیات بودم و... گمنام گمنام بود. امروز قبر شهید میرحسینی مثل یک قبر عادی در یک جای دور افتاده است، هیچ کس نمی داند که یک شخصیت به این

بزرگی در زابل می زیست که این وصف روزش بود و آن شبش.^۱

۳- اخلاص و معنویت شهید سلیمانی

اخلاص شهید سلیمانی و برکات آن

مجاهدت در راه خدا یعنی یک مبارزهی درونی؛ هر جهاد بیرونی، در واقع تکیه دارد به یک جهاد درونی؛ یعنی آن مردی که میرود جلوی دشمن و وا همه نمیکنند و در همه‌ی میدانها نه خستگی میفهمد، نه سرما میفهمد، نه گرما میفهمد، این اگر چنانچه در درون خودش در آن جهاد اکبر پیروز نشده بود، این جور نمیتوانست [جلوی دشمن] برود؛ پس مجاهدتهای بیرونی، مثلاً به مجاهدتهای درونی است. ... می بینید مردم چه کار دارند می کنند برای حاج قاسم؛ این برای شما تسلاً است. امروز در تهران -بالا، پایین، همه جا؛ حال اینجا دور خانه‌ی شما که جمعیت فراوانی ایستاده‌اند- در شهرهای مختلف، همه‌ی مردم عزادارند یعنی احساس عزاداری می کنند؛ این برای شما تسلاً باید باشد. بدانید که مردم قدر پدر شما را دانستند و این ناشی از اخلاص است؛ این اخلاص است. اگر اخلاص نباشد، این جور دلهای مردم متوجه نمی شود؛ دلها دست خدا است؛ این که دلها این جور همه متوجه میشوند، نشان دهنده‌ی این است که یک اخلاص بزرگی در آن مرد وجود داشت، مرد بزرگی بود. خدا ان شاء الله در جاتش را عالی کند.^۲

شهید سلیمانی... هم شجاع بود، هم با تدبیر بود؛ سخنش اثرگذار بود، قانع کننده بود، تأثیرگذار بود. از همه‌ی اینها بالاتر، اخلاص او بود؛ با اخلاص بود؛ این ابزار شجاعت و ابزار تدبیر را برای خدا خرج میکرد؛ اهل تظاهر و ریا

۱. خاطره شهید سلیمانی از قاسم میرحسینی

۲. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در منزل سپهید شهید حاج قاسم سلیمانی ۱۳/۱۰/۱۳۹۸

و مانند اینها نبود. اخلاص خیلی مهم است. ماها تمرین کنیم در خودمان اخلاص را.^۱

در مورد شهید سلیمانی، برکات این شهادت عظیم است. این شهید عزیز هر وقت گزارشی می داد به ما - چه گزارش کتبی، چه گزارش شفاهی - از کارهایی که کرده بود، بنده قلباً و زباناً او را تحسین میکردم اما امروز در مقابل آنچه او سرمنشأ آن شد و برای کشور بلکه برای منطقه به وجود آورد، در مقابل او من تعظیم میکنم. کار بزرگی انجام شد، قیامتی به پا کرد. معنویت او، شهادت او را این جور برجسته کرد؛ این بدرقه‌های ایرانی و آن بدرقه‌های عراقی؛ در کاظمین، در بغداد، در نجف، در کربلا چه کردند با این پیکر ارباب‌ربا! از روح مطهر او، از اعماق دل تشکر میکنیم. عزیزان من، برادران و خواهران نمازگزار! اخلاص برکت دارد. هر جا اخلاص بود، خدای متعال به اخلاص بنندگان مخلصش برکت می دهد، کار برکت پیدا میکند، رشد و نمو پیدا میکند، کار به نحوی می شود که اثر آن به همه میرسد، برکات آن در میان مردم باقی میماند. این ناشی از اخلاص است. نتیجه‌ی آن اخلاص، همین عشق و وفاداری مردم، همین اشک و آه مردم، همین حضور مردم، همین تازه شدن روحیه‌ی انقلابی مردم است.^۲

پایندی شهید سلیمانی به حدود شرعی

[شهید سلیمانی] هم یک فرمانده جنگاور مسلط بر عرصه‌ی نظامی بود، هم در عین حال بشدت مراقب حدود شرعی بود. در میدان جنگ، گاهی افراد حدود الهی را فراموش می کنند، میگویند وقت این حرفها نیست؛ او نه،

۱. دیدار مردم قم با امام خامنه ای (مدظله العالی) ۱۳۹۸/۱۰/۱۸

۲. دیدار مردم قم با امام خامنه ای (مدظله العالی) ۱۳۹۸/۱۰/۱۸

او مراقب بود. آنجایی که نباید سلاح به کار برود، سلاح به کار نمی‌برد؛ مراقب بود که به کسی تعدی نشود، ظلم نشود؛ احتیاط‌هایی می‌کرد که معمولاً در عرصه‌ی نظامی، خیلی‌ها این احتیاط‌ها را لازم نمی‌دانند؛ [لکن] او احتیاط می‌کرد. به دهان خطر میرفت اما جان دیگران را تا می‌توانست حفظ می‌کرد؛ مراقب جان نزدیکانش، اطرافیانش، سربازانش، همکارانش در ملت‌های دیگر که در کنار او بودند، بود.^۱

فصل پنجم

لزوم داشتن بصیرت، وظیفه محوری و عمل به موقع

گفتار اول

مفهوم و ضرورت بصیرت

۱- مفهوم بصیرت

بصیرت این است که شما بدانید با چه کسی طرفید، بدانید که او درباره‌ی شما چه فکری دارد، بدانید که اگر چشم خودتان را بستید و فکر نکردید، ضربه خواهید خورد؛ این بصیرت است. توقع ما از نخبگان سیاسی و غیرسیاسی کشور این است که این بصیرت را داشته باشند. مردم خوشبختانه این بصیرت را دارند؛ تعجب است! مردم معمولی و توده‌های مردم این بصیرت سیاسی را دارند

۱. دیدار مردم قم با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۳۹۸/۱۰/۱۸

[اما] بعضی از نخبگان ما با تکیه بر توهماتى که دارند، این بصیرت را ندارند.^۱ بصیرت سیاسى که ما مى‌گوییم یعنی... بفهمیم که چه کسی دارد ما را به کجا میبرد، به کجا دعوت میکند، به کجا میکشاند. آیا به سمت اهداف اسلامى داریم حرکت میکنیم؟ به سمت تدبیر روزافزون جامعه داریم حرکت میکنیم؟ یا آن‌چنان که دشمن مایل است، به سمت بی‌مبالاتى بیشتر حرکت میکنیم، به سمت دلباختگی بیشتر به اقطاب مخالف دین داریم حرکت میکنیم. آن بصیرت سیاسى، این است. اگر چنانچه این را فهمیدیم، آن وقت معلوم مى‌شود که بایستى با زید باشیم یا با عمرو باشیم، یا از این حمایت کنیم یا از آن حمایت کنیم؛ در سایه‌ی این نگاه کلان باید فهمید.^۲

بصیرت، روشن بینی... یعنی شناخت زمان، شناخت نیاز، شناخت اولویّت، شناخت دشمن، شناخت دوست، شناخت وسیله‌ای که در مقابل دشمن باید به کار برد؛ این شناخت‌ها؛ بصیرت است. همیشه با یک سلاح نمى‌شود مبارزه کرد. در همه‌ی میدانها با یک سلاح نمى‌شود رفت. کدام سلاح را به کار بیندازیم؟ دشمن کجا است؟^۳

۲- ضرورت و اهمیت داشتن بصیرت

از جمله‌ی چیزهایی که امروز لازم است، بصیرت سیاسى است؛ بصیرت سیاسى! ببینید؛ وقتی بصیرت باشد، انسان میتواند محیط پیرامون خود و محیط‌های دور و نزدیک را بشناسد؛ بصیرت یعنی این. وقتی بصیرت نباشد،

۱. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در اولین جلسه درس خارج فقه در سال تحصیلی جدید ۱۳۹۵/۸/۲۶

۲. دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۳۹۵/۵/۳۱

۳. دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۳۹۳/۹/۶

انسان مجذوب یک چیزی می‌شود که واقعاً جاذبه‌ای ندارد.^۱

بارها من عرض کرده‌ام اینهایی که بصیرت ندارند - مثل این بیچاره‌هایی که در فتنه گرفتار شدند - مثل کسانی‌اند که در تاریکی شب، در مه غلیظ، در غبار می‌خواهند مخالفی را، دشمنی را بزنند؛ خب نمیدانند دشمن کجا است؛ یکی از اولین شرایط جنگهای نظامی، اطلاعات است؛ بروید اطلاع کسب کنید و ببینید دشمن کجا است. اگر بدون اطلاع رفتید، شما ممکن است جایی را بزنید که دوست آنجا است؛ کسی را بزنید که با شما دشمن نیست و به دشمن کمک کنید؛ گاهی این جور می‌شود. اگر بصیرت نبود، می‌شود این؛ که فرمود: «الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَابِسُ» شبهات و نادانی‌ها و نفهمی‌ها به کسی که عالم به زمان خود است، هجوم نمی‌آورند؛ می‌فهمد چه کار باید بکند. اگر این نبود، مشکل به وجود خواهد آمد، حتی اگر آن احساس مسئولیت هم باشد.^۲

این جمله‌ی امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) را من بارها در سخنرانی‌ها گفتم: «الَا ... وَلَا يَحْمِلُ هَذَا الْعَلَمُ إِلَّا أَهْلَ الْبَصْرِ وَالصَّبْرِ» اول اهل بصر، کسانی که دید درستی دارند، بصیرت دارند، صحنه را می‌فهمند. بصیرت را روز به روز باید زیاد کرد، صحنه‌ی داخلی را بشناسیم، بدانیم الان در داخل چه دارد می‌گذرد، کجاها است که انسان گاهی حضور دشمن را احساس می‌کند، کجاها است که میتواند انسان در آنجا با خاطر جمع، با دل آرام حرکت بکند. بصیرت؛ جایگاه خودمان را در دنیا بشناسیم؛ ما کجاییم امروز؟^۳

[پس] وقتی اراده قوی است، وقتی تصمیم‌ها جلدی است برای حرکت

۱. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در اولین جلسه درس خارج فقه در سال تحصیلی جدید ۱۳۹۵/۸/۲۶

۲. دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین با امام خامنه‌ای (مدظله العالی) ۱۳۹۳/۹/۶

۳. دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج با امام خامنه‌ای (مدظله العالی) ۱۳۹۷۴/۹/۴

کردن، برای پیشرفت کردن، وقتی جوانها بصیرت لازم را دارند و دشمن را که در مقابل آنها است می‌شناسند، در شناخت دشمن اشتباه نمی‌کنند و تصمیم بر مقابله‌ی با دشمن را در خودشان ضعیف نمی‌کنند، دشمن نمیتواند حرکتی بکند، دشمن نمیتواند ضربه‌ای بزند، دشمن نمیتواند این حرکت عظیم را متوقف کند.^۱

گفتار دوم

وظیفه محوری و عمل به موقع

۱- عمل مطابق با وظیفه

همه باید آماده باشید. در هر جایی که هستید، باید آماده‌ی خدمتگزاری باشید؛ «و منهم من ينتظر». «ينتظر» یعنی چه؟ یعنی منتظر مردند؟ نه، یعنی منتظر انجام وظیفه‌اند؛ کجا وظیفه آنها را صدا خواهد زد، تا آن جا حاضر باشند. ما باید منتظر انجام وظیفه باشیم. هر چه که تکلیف الهی ما ایجاب کرد، بخواهیم آن را انجام بدهیم. این، ما را پیروز خواهد کرد و به موفقیت بزرگ خواهد رساند...

بارها ایشان [امام خمینی (رحمه الله)] می‌فرمود که ما کار را برای رسیدن به «نتیجه» نمی‌کنیم؛ بلکه مأمور به انجام «تکلیف» هستیم. اگر فرض کنیم بعد از برگشتن امام (رحمه الله) از پاریس، آنچه که تاکنون پیش آمد، اتفاق نمی‌افتاد، بلکه برعکس، مردم را میکشند، اطرافیان امام را اعدام میکردند و خود امام را نیز مثل گذشته تبعید میکردند، در آن صورت باز هم امام (رحمه الله) احساس

۱. دیدار نوجوانان و جوانان شرکت کننده در کاروان‌های راهیان نور با امام خامنه‌ای (مدظله العالی) ۱۳۹۶/۱۲/۱۹

شکست نمی‌کرد و اعتقاد داشت که پیروز شده است. آن کس که برای انجام تکلیف کار می‌کند، پیروزی به این نیست که به مقصود خود دست پیدا کند؛ بلکه زمانی احساس پیروزی می‌کند که موفق شود به تکلیفش عمل کند.^۱ همه ما مأمور به ادای تکلیف و وظیفه‌ایم نه مأمور به نتیجه. اگر همه انبیا و معصومین (علیهم السلام) در زمان و مکان خود مکلف به نتیجه بودند، هرگز نمی‌بایست از فضای بیشتر از توانایی عمل خود فراتر بروند و سخن بگویند و از اهداف کلی و بلند مدتی که هرگز در حیات ظاهری آنان جامه عمل نپوشیده است ذکری به میان آورند.^۲

نصرت اسلام و نصرت مسلمین در نهایت قطعی است، منتها ما وظیفه‌ای داریم؛ هم افراد وظیفه دارند، هم جماعات وظیفه دارند، هم نخبگان سیاسی کشورها وظیفه دارند، رؤسای دولتهای اسلامی وظیفه دارند؛ هرکدام به وظیفه‌ی خودشان عمل کردند، پیش خدای متعال مأجورند، عمل هم نکنند «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ»، بار خدا زمین نخواهد ماند، این راه ادامه پیدا خواهد کرد. امیدواریم ان شاء الله ما جزو کسانی باشیم که این بار را هرگز بر زمین نگذاریم.^۳

امیدواریم ان شاء الله خداوند متعال به همه‌ی آقایان محترم، توفیقات خودش را ارزانی بدارد، به ما هم کمک کند، هدایت کند، دستگیری کند که اولاً وظیفه‌مان را ان شاء الله بشناسیم، و عزم جدی به ما بدهد که این وظیفه را عمل کنیم. «اللَّهُمَّ قُو عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي، وَ اَشْدِدْ عَلَى الْعِزْمَةِ جَوَانِحِي وَ هَبْ

۱. دیدار فرماندهان سپاه با امام خامنه‌ای (مدظله العالی) ۱۳۷۰/۶/۲۷

۲. صحیفه امام خمینی؛ جلد ۲۱؛ صفحه ۲۸۵

۳. دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی با امام خامنه‌ای (مدظله العالی) ۱۳۹۵/۲/۱۶

لی الجد فی خشیتک، و الدوام فی الاتصال بخدمتک»^۱.

۲- برخی از معیارهای تشخیص وظیفه

پیروی از فرامین و مطالبات ولی و امام

امام خامنه ای می فرمایند: «هرجا امام (رحمه الله) بگوید، می روم، افتخار خود من این است که یک بسیجی باشم؛ سعی کرده ام این جواری عمل کنم. سال آخر ریاست جمهوری - دو، سه ماه مانده بود به آخر ریاست جمهوری من - در یکی از دانشگاه ها برای یک جمع دانشجو صحبت می کردم و به سؤالات پاسخ می دادم؛ یکی از سؤالات این بود که شما بعد از ریاست جمهوری قصد دارید چه کار کنید و شغلتان چه باشد؟ گفتم: اگر امام به من بگوید برو بشو رئیس عقیدتی سیاسی فلان پاسگاه مرزی منتها الیه جنوب شرقی کشور، من با افتخار می روم آن جا و مشغول خدمت می شوم! اگر این کار از من برمی آید و این کار را از من می خواهند، من حاضر و به آن جا می روم؛ توطین نفس کردم. این را از باب اینکه شما فرزندان من هستید، به شما دارم می گویم. صحبت پدرفرزندی است؛ نمی خواهم راجع به خودم صحبت بکنم. هر جا و در هر زمانی به شما نیاز هست، آن جا حاضر باشید. این می شود بسیجی؛ بسیج یعنی این»^۲.

ترجیح تکلیف و وظیفه هنگام تعارض با هوای نفس

در دورانهای مختلف هر جایی که این اختلاف سلیقه ها و اختلاف برداشتها با هوای نفس انسان مخلوط شد، کار خراب می شود. هوای نفس را

۱. دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی با امام خامنه ای (مدظله العالی) ۱۳۹۲/۱۲/۱۵

۲. دیدار اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه ها با امام خامنه ای (مدظله العالی) ۱۳۸۶/۲/۳۱

باید خیلی ملاحظه کرد. به خودمان در فریب خوردن از هوای نفس سوءظن داشته باشیم.

نگاه کنیم ببینیم کجا نفس است و هوای های نفسانی ماست؛ کجا نه، واقعاً احساس تکلیف است؛ و در احساس تکلیف هم دقت بکنیم که قدم از دایره‌ی تکلیف آنطرف‌تر نباید گذاشت؛ زیاده‌روی نباید کرد. آن وقت لطف خدا با ماست. همچنانی که تا امروز به فضل الهی، به حول و قوه‌ی الهی، لطف الهی با ملت ایران بوده است؛ بعد از این هم ان‌شاءالله خواهد بود.^۱

رعایت تقوا در عمل به وظیفه

همه به وظائفشان عمل کنند؛ سعی کنید. سعی کنید. ما که عرض می‌کنیم همه به وظائفشان عمل کنند، این معنایش این نیست که حالا ما به همه‌ی وظائفمان، خودمان عمل می‌کنیم؛ نه، «و ما ابرئى نفسى»؛ باید سعی بکنیم دیگر؛ تلاشمان این باشد؛ تقوا این است. تقوا یعنی تلاش و مراقبت برای انجام وظیفه؛ این معنای تقواست. این تلاش را داشته باشیم، یک وقت هم اگر چنانچه لغزشی پیش آمد، آن وقت خدای متعال عفو خواهد کرد؛ خدای متعال آن وقت از لغزشهای ما خواهد گذشت؛ آن وقتی که ما مراقب باشیم.^۲ همه‌ی ما خیلی باید مراقب باشیم؛ مراقب حرف زدن، موضع‌گیری کردن، گفتن‌ها و نگفتن‌ها. یک چیزهایی را باید گفت؛ اگر نگفتیم، به آن وظیفه عمل نکرده‌ایم. یک چیزهایی را باید بر زبان نیاورد، اگر گفتیم، برخلاف وظیفه عمل کرده‌ایم.^۳

۱. دیدار جمعی از قاریان با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۳۸۸/۵/۳

۲. دیدار جمعی از قاریان با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۳۸۸/۵/۳

۳. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در سالروز عید سعید میثاق ۱۳۸۸/۴/۲۹

[پس] کسی که برای تکلیف عمل می‌کند، دچار تردید و تزلزل نمی‌شود؛
ترسیده و خسته نمی‌شود؛ از راه بر نمی‌گردد و مصلحت‌اندیشی‌های شخصی،
تعیین‌کننده‌ی راه و جهت‌گیری او نمی‌شود.^۱

گفتار سوم

لحظه‌شناسی، بصیرت و وظیفه‌محوری در سیره شهدا

۲- وظیفه‌شناسی و بصیرت در کلام و سیره شهید سلیمانی

خواهران و برادران مجاهد در این عالم، ای کسانی که سرهای خود را برای
خداوند عاریه داده‌اید و جان‌ها را بر کف دست گرفته و در بازار عشق بازی
به شوق فروش آمده‌اید، عنایت کنید: جمهوری اسلامی، مرکز اسلام و تشیع
است. امروز قرارگاه حسین بن علی، ایران است. بدانید جمهوری اسلامی حرم
است و این حرم اگر ماند، دیگر حرم‌ها می‌مانند. اگر دشمن، این حرم را از بین
برد، حرمی باقی نمی‌ماند، نه حرم ابراهیمی و نه حرم محمدی (صلی الله علیه و اله) ...
نکته دیگر، شناخت به موقع از دشمن و اهداف و سیاست‌های او و اخذ
تصمیم به موقع و عمل به موقع؛ هریک از این‌ها اگر در غیر وقت خود صورت
گیرد، بر پیروزی شما اثر جدی دارد.

...نکته‌ای کوتاه خطاب به سیاسیون کشور دارم: چه آن‌هایی [که] اصلاح
طلب خود را می‌نامند و چه آن‌هایی که اصولگرا. آنچه پیوسته در رنج بودم
اینکه عموماً ما در دو مقطع، خدا و قرآن و ارزش‌ها را فراموش می‌کنیم، بلکه
فدا می‌کنیم. عزیزان، هر رقابتی با هم می‌کنید و هر جدلی با هم دارید، اما

۱. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در سالروز ارتحال امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۴/۳/۱۳۸۳

اگر عمل شما و کلام شما یا مناظره‌هایتان به نحوی تضعیف کننده دین و انقلاب بود، بدانید شما مغضوب نبی مکرم اسلام و شهدای این راه هستید؛ مرزها را تفکیک کنید. اگر می‌خواهید با هم باشید، شرط با هم بودن، توافق و بیان صریح حول اصول است...^۱

امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در بیاناتی در رابطه با حاج قاسم سلیمانی می‌فرماید: «یک نکته‌ی مهم این است که در مسائل داخل کشور - چون این حرفها غالباً ناظر به مبارزات منطقه‌ای و فعالیت‌های منطقه‌ای او بود - اهل حزب و جناح و مانند اینها نبود، لکن بشدت انقلابی بود. انقلاب و انقلابیگری خط قرمز قطعی او بود؛ این را بعضی‌ها سعی نکنند کم‌رنگ کنند، این واقعیت او است؛ ذوب در انقلاب بود، انقلابیگری خط قرمز او بود. در این عوالم تقسیم به احزاب گوناگون و اسم‌های مختلف و جناح‌های مختلف و مانند اینها نبود اما در عالم انقلابیگری چرا، بشدت پایبند به انقلاب، پایبند به خط مبارک و نورانی امام راحل (رضوان الله علیه) بود.»^۲

۱. وصیت نامه شهید سلیمانی

۲. دیدار مردم قم با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۳۹۸/۱۰/۱۸

فصل ششم

استعداد بی پایان انسان و لزوم شکوفایی آن

گفتار اول

جایگاه و مفهوم استعداد بی پایان انسان

۱- چیستی استعداد

خداوند در درون هر کس نیروهایی قرار داده است که اگر اسباب و شرایط انسان مهیا باشد این نیروها و قوه‌ها در فرد شکوفا شده و او را به سمت کمال مطلوب خویش سوق می‌دهند. به این نیروها در اصطلاح استعداد می‌گویند. بنابراین، استعداد کیفیتی است در فرد دارای استعداد، که او را به سمت کمال می‌کشاند.

استعداد در موجودات مختلف، بر حسب مراتبشان و هم چنین بر حسب کیفیت حصول شرایط و رفع موانع، به لحاظ شدت و ضعف متفاوت است. گاهی شرایط برای برخی بیشتر مهیا بوده و استعدادشان بیشتر شکوفا می‌شود و گاهی این شرایط مهیا نیست و استعداد فرد در او مخفی می‌ماند. اما در هر صورت هیچ انسانی از استعداد های خدادادی، خالی نیست. استعداد های هر کس ناشی از سه قوه در وجود اوست. عقل، غضب، شهوت، ریشه تمامی استعداد ها را می‌توان در حد وسط این سه نیرو جستجو کرد. که به ترتیب عبارتند از: حکمت، شجاعت و عفت.

انسان با قوه غضب، بدی ها و شرارت ها و زشتی ها را از خود دفع کرده و دور می‌نماید و با قوه شهوت زیبایی ها و خیر و خوبی ها را به سمت خود

جلب می کند و با عقل هر دو را سامان و نظم و ترتیب می دهد. برای مثال استعداد درس خواندن و آموختن و آموزش دادن، یادگیری فنون و آداب و رسوم و به طور کلی علوم مختلف مربوط به قوه حکمت است. هم چنین استعداد جنگاور بودن، دفاع از حق، از مظلوم طرفداری کردن، حق گویی، مبارزه با ظلم و... مربوط به قوه غضب است. باز در مورد قوه شهوت، استعداد زیبایی جویی، شعر گویی، نقاشی و...

در کل اموری که با ذوق و سلیقه و قریحه در ارتباط است مربوط به این قوه است. هر کدام از قوا که در انسان نیروی بیشتری داشته باشد همان استعداد در او شکوفا خواهد شد.^۱

انسان استعداد دارد که تا آخرین نقطه‌ی تعالی حیاتِ ممکنات، بالا برود؛ اما بقیه‌ی موجودات این امکان را ندارند. در آیه‌ی شریفه‌ی «القد خلقنا الإنسان فی احسن تقویم»^۲ «احسن تقویم» معنایش این نیست که ما جسم انسان را طوری آفریده‌ایم که مثلاً سرش با دستش با چشمش با تنش تناسب دارد؛ اینکه مخصوص انسان نیست؛ هر حیوانی نیز همین طور است. در بهترین تقویم، یعنی در بهترین اندازه‌گیری انسان را آفریده‌ایم؛ یعنی آن اندازه‌گیری‌ای است که رشد او دیگر نهایت و اندازه‌ای ندارد؛ تا آنجایی می‌رود که در عالم وجود، سقفی بالاتر از آن نیست؛ یعنی می‌تواند از فرشتگان و از موجودات عالی و از همه‌ی این‌ها بالاتر برود. اگر بشر بخواهد این سیر را داشته باشد، جز با استفاده از امکانات عالم ماده ممکن نیست. این هم جزو مسلمات است؛ لذا می‌گوید «خلق لکم ما فی الأرض جمیعاً»^۳ بنابراین سیر تعالی و

۱. مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۲، ص: ۷۱۶

۲. التین: ۴

۳. البقره: ۲۹

تکاملی انسان در خلأ نیست؛ با استفاده‌ی از استعدادهای ماده است. بنابراین باهم سیر می‌کنند؛ یعنی شکوفایی انسان، همراه با شکوفایی عالم ماده و عالم طبیعت است؛ این در شکوفایی او اثر می‌گذارد، او در شکوفایی این اثر می‌گذارد و پیشرفت‌های شگفت‌آور را به وجود می‌آورد.^۱

۲- جایگاه استعداد انسان

انسان خلیفه خدا در زمین و معمار سرنوشت خود و جامعه خویش است و لاجرم باید از همه توانمندیهای ممکن برای رقم زدن بهترین سرنوشت برای خود و یاری دیگران در این عرصه و بویژه در راستای رسیدن به بالا ترین و والاترین سعادت جاودان ابدی برخوردار باشد.

از این رو همه انسانها از استعدادهایی برای انجام کارها و داشتن زندگی خوب و بهتر برخوردارند. آنگاه که خداوند انسان را به این کره خاکی وارد ساخت به او توانایی‌ها و استعدادهایی داد تا بتواند به کمک آنها راه درست صحیح خویش را بیابد و سر انجام به مقصد مطلوبش برسد. وجود استعداد، ذاتی است، ولی کشف و پرورش آن اکتسابی است. استعداد یعنی توانایی و توانمندی طبیعی است.

مطلب قابل توجه در مورد استعدادها این است که استعداد همانطور که از نامش پیداست امری است که با بالفعل بودن، عجین گشته است و تفاوت از اینجا سر بر می‌آورد که برخی این امر پنهان را آشکار می‌سازند و بدان فعلیت می‌بخشند؛ اما دیگری بدان بی توجهی می‌نماید و موجب از بین رفتنش می‌گردد.

مثلا فردی که توان شعر گفتن یا نوشتن و یا هر کاری دیگر را دارد اگر به

۱. دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۲/۰۹/۱۳۷۹

این قوه و استعدادش بها دهد و موجب بال و پر گرفتنش گردد سرانجام ثمر داده و فعلیت می یابد. از سوی دیگر تفاوت استعدادها نیز برخی مربوط به شرایط محیطی و بعضی مربوط به عوامل ژنتیکی و یا تغذیه و فعالیت های ورزشی روزانه و کلا در ارتباط با محیطی است که فرد در آن متولد شده و رشد یافته است. البته این بدان معنا نیست که کودکی که در خانواده ثروتمند متولد و رشد می کند با استعداد تر است بلکه ما بطور کلی بحث می کنیم همانطور که می دانیم شرایط سخت تر همواره موجب شکوفاتر شدن استعداد انسان گشته است ، حتما شنیده اید که «نیاز، مادر اختراعات است.»

از سوی دیگر انسان، موجودی اجتماعی است و در بستر جامعه و در ارتباط با سایر انسانها باید در این کره خاکی زندگی کند : « انسان ذاتا اجتماعی است» از این رو برخی در تعریف انسان می گویند: انسان ، حیوانی اجتماعی است. نیک می دانید که هر جامعه برای اینکه بتواند به حیاتش ادامه دهد به افراد متعدد با توانایی ها و استعدادهای متفاوتی نیاز دارد.

بدین خاطر از خالق حکیم انتظار می رود که برای این هدف نیز طرحی اندیشیده باشد و آن هم چیزی نیست جز تفاوتی که ما در توانایی ها و استعداد ها می بینیم. آیا اگر همه انسانها تنها توان انجام چند کار خاصی را داشتند، مثلا همه فقط می توانستند آواز بخوانند و یا شناگران ماهری باشند ، زندگی اجتماعی بشر تحقق می یافت؛ یقینا چنین نیست.

هر جامعه ای برای تداوم حیاتش به افراد مختلف با استعدادهای متفاوت نیاز دارد ، همچون بدن انسان که مجموعه ای از سلولهای مختلف با توان و استعداد های متفاوت است و همن تفاوت و اختلاف راز حیات اوست. یکی در زمینه جسمانی از توانایی خوبی برخوردار است دیگر در زمینه

فکری و عملی و فرد سوم در زمینه دیگر و همین افراد میزان توانایی شان نیز کم و زیاد است. اما کشف استعدادها درونی افراد نیازمند دانش و تجربه کافی است. هر چند بعضی استعدادها را می توان به سادگی شناخت ولی از آنجا که بعضی استعدادها و میزان آن در افراد نهفته است و هنوز شکوفا نشده و زمینه به فعلیت رسیدن و بروز و ظهور آن فراهم نشده و چه بسا خود فرد نیز از آن اطلاعی ندارد.

۳- وجود استعدادهای پنهان در انسان و لزوم کشف آنها

بعضی، استعدادهای برجسته و فراوانی دارند؛ بعضی، استعدادهای کمتری دارند. نوع استعدادها هم فرق میکند؛ طلا یک جا لازم است، نقره هم یک جای دیگر لازم است؛ آنجائی که شما از نقره باید استفاده کنید، اگر از طلا استفاده کردید، به نتیجه نمیرسید؛ آنجائی که از آهن باید استفاده کنید، اگر از طلا استفاده کردید، به نتیجه نمیرسید؛ هر کدامی برای یک کاری لازم است. انسانها با استعدادهای گوناگونشان، تأمین کننده ی نیاز جوامع بشری برای سیر الی الله و سیر الی الکمال اند؛ همه ی این استعدادها باید استخراج شود. این، وظیفه ی مربیان جوامع را سنگین میکند؛ وظیفه ی حکومتها را سنگین میکند. استعدادیابی، استعدادشناسی، قدر استعداد را دانستن، راه استخراج این استعدادها و به فعلیت رساندن آنها را بلد بودن، بعد با ظرافت تمام این را دنبال کردن، این آن چیزی است که بروز استعدادها را نتیجه خواهد بخشید؛ پیغمبران این کار را میکردند: «لیستأدوهم میثاق فطرته و ینگروههم منسی نعمته.. و یشیروا لهم دفائن العقول». پیغمبران خرد انسانها را برمی آشفتنند، آنها را مبعوث میکردند، آنها را به کار وامیداشتند؛ این همان کشاندن استعداد است. بنابراین «الناس معادن کمعادن الذّهب و الفضة». به هیچ انسانی نباید

با نگاه تحقیر نگاه کرد؛ نه، در او یک استعدادی هست که ای بسا جامعه به آن استعداد نهایت نیاز را دارد.^۱

۴- لزوم پرورش استعداد های کشف شده

راه پرورش و به ظهور رساندن استعداد نیز ایجاد زمینه برای آن بوسیله ی تربیت آن استعداد است. تربیت عبارت است از پرورش دادن، یعنی استعدادهای درونی ای را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت درآوردن و پروراندن. و لذا تربیت فقط در مورد جاندارها یعنی گیاه و حیوان و انسان صادق است و اگر این کلمه را در مورد غیرجاندار به کار ببریم مجازاً به کار برده ایم، نه اینکه به مفهوم واقعی، آن شیء را پرورش داده ایم؛ یعنی یک سنگ و یا یک فلز را نمی شود پرورش داد آن طور که یک گیاه یا یک حیوان و یا یک انسان را پرورش می دهند. این پرورش دادن ها به معنی شکوفا کردن استعدادهای درونی آن موجودها است که فقط در مورد موجودهای زنده صادق است. و از همین جا معلوم می شود که تربیت باید تابع و پیرو فطرت، یعنی تابع و پیرو طبیعت و سرشت شیء باشد. اگر بنا باشد یک شیء شکوفا بشود، باید کوشش کرد همان استعدادهایی که در آن هست بروز و ظهور بکنند. اما اگر استعدادی در یک شیء نیست، بدیهی است آن چیزی که نیست و وجود ندارد، نمی شود آن را پرورش داد. مثلاً استعداد درس خواندن در یک مرغ وجود ندارد. به همین جهت ما نمی توانیم یک مرغ را تعلیم بدسیم که مثلاً ریاضیات یاد بگیرد و مسائل حساب و هندسه را حل بکند. استعدادی را که در او وجود ندارد نمی شود بروز داد. و باز از همین جا معلوم می شود که ترس و ارباب و تهدید، در انسانها عامل تربیت نیست (تربیت به همان معنی پرورش)؛ یعنی

۱. بیانات امام خامنه ای (مدظله العالی) در جلسه درس خارج فقه ۱۳۹۱/۱۱/۲۳

استعدادهای هیچ انسانی را از راه ترساندن، زدن، ارعاب و تهدید نمی شود پرورش داد، همان طور که يك غنچه گل را نمی شود به زور به صورت گل درآورد، مثلاً غنچه را بکشیم تا گل بشود یا نهالی را که به زمین کرده ایم و می خواهد رشد بکند، با دست خودمان بگیریم به زور بکشیم تا رشد بکند. رشد آن به کشیدن نیست. اعمال زور آنجا مفید نیست. فقط از راه طبیعی که احتیاج دارد به قوه زمینی و خاک، آب، هوا، نور و حرارت [رشد می کند. همانهایی را که احتیاج دارد باید به او بدهیم، خیلی هم با لطافت و نرمش و ملایمت- یعنی از راه خودش- تا رشد بکند. ولی اگر بخواهیم به زور گیاهی را رشد بدهیم [نتیجه نمی گیریم. اصلاً اینجا عامل زور حکمفرما نیست. از نظر تربیت انسانها هم ترس و ارعاب عامل پرورش نیست. به عنوان مثال دفاع مقدس زمینه ای بود برای رشد استعداد های جسمی و روحی افرادی که شهید باقری نمونه ای از این افراد هست.

۵- مهم ترین استعداد بشر

تفاوت اشکار انسان با دیگر مخلوقات در این است که او استعدادی دارد که در هیچ یک از مخلوقات عالم وجود ندارد و آن توانایی و استعداد شناخت خود و خداوند و رسیدن با مقام خلیفه الهی را داراست. همه استعدادها و توانایی های دیگر که در انسان وجود دارند برای ظهور و شکوفایی این استعداد می باشند و در واقع خودشان هدف نیستند بلکه وسیله و پل هستند.^۱

انسان يك سلسله استعدادهای اخلاقی و معنوی دارد، می تواند شرافتهای بزرگ اخلاقی داشته باشد، احساسات بسیار عالی داشته باشد که هیچ حیوان

۱. آشنایی با قرآن؛ ص ۲۲۳؛ شهید مطهری

و گیاهی اینگونه چیزها را نمی تواند داشته باشد. انسان بودن انسان، به هیكلش نیست که همین قدر که کسی روی دو پا راه رفت و سخن گفت و نان خورد، این دیگر شد انسان، این انسان بالقوه است نه انسان بالفعل.

۶- ساخت کارخانه انسان سازی برای شکوفایی و رشد استعدادها

از چه راهی و چه وسیله ای پیغمبر استفاده می کند برای ساختن انسان؟ چگونه پیغمبر انسان ها را می سازد؟ مدرسه درست می کند؟ مکتب فلسفی درست می کند؟ صومعه و جایگاه عبادت درست می کند؟ نه؛ پیغمبر برای ساختن انسان، کارخانه انسان سازی درست می کند. پیغمبر ترجیح می دهد که ده سال، بیست سال، دیرتر موفق بشود؛ اما آنچه می سازد، يك انسان و دو انسان و بیست تا انسان نباشد؛ کارخانه ی انسان سازی درست کند که به طور خودکار، انسان کامل پیغمبر پسند تحویل بدهد. پس پیغمبر برای ساختن انسان ها و به قوام آوردن مایه ی انسان، از کارخانه انسان سازی استفاده می کند. کارخانه انسان سازی چیست؟ کارخانه ی انسان سازی، جامعه و نظام اسلامی است... برای ساختن انسان، باید محیط متناسب، محیط سالم، محیطی که بتواند او را در خود پیروراند، تربیت کرد و بس... البته روشن است، زحمتی و خون دلی که برای ساختن محیط متناسب، انسان بایستی متحمل شود، به مراتب بیشتر از زحمتی است که برای درست کردن یکی یکی آدم ها باید صرف شود... این زحمت خیلی بیشتر از این است، اما فایده اش را حساب کن، بازده اش را حساب کن. اینجا شما زحمت می کشی روی يك فرد، يك دانه آدم درست می کنی. آنجا يك جامعه درست می کنی، يك نظام درست می کنی، میلیون ها انسان، نسل های بشر را [می سازی]، انبیا کارشان این بود. این مطلبی که گفتیم، از حرف هایی است که رویش ایستادیم، از حرف هایی

است که رویش اصرار داریم و معتقدیم که باید پیروان نبوت‌ها این حرف را بفهمند... يك عده ای نمی‌توانند این را بفهمند که انبیا می‌خواستند محیط متناسب و مساعد درست کنند، خیال می‌کنند انبیا دانه دانه آدم می‌خواستند درست کنند، در حالی که دانه دانه آدم درست کردن از شأن انبیا به دور است... آنی که ما از قرآن می‌فهمیم، این است که انبیا پاسخشان به این سوال - که چگونه می‌شود انسان‌ها را ساخت؟ یعنی پیراست و آراست - این است که باید جامعه الهی، جامعه توحیدی، محیط متناسب درست کرد، تا انسان در این محیط متناسب، نه یکی، نه ده تا، نه هزار تا، بلکه گروه گروه ساخته بشوند؛ به خودی خود با حرارت طبیعی نور نیر معارف اسلامی.

خلاصه مطلب این است: انبیا دو هدف دارند، دو هدف مهم؛ یکی هدف اساسی، ساختن انسان، پیراستن انسان از بدی‌ها، آراستن انسان به نیکی‌ها و فضیلت‌ها و خوبی‌ها؛ خلاصه انسان را انسان کردن؛ این هدف بالاست. اما هدف دیگری که انبیا دارند، که در نیمه راه این هدف قرار دارد، این است؛ تشکیل جامعه توحیدی، تشکیل نظام الهی، تشکیل حکومت خدا، تشکیل تشکیلاتی که با قوانین و مقررات الهی اداره بشود، این هدف همه انبیاست. اگر کسی خیال کند که انبیای بزرگ الهی این هدف را نداشتند، بایستی بیشتر در قرآن، در حدیث، در تاریخ مطالعه کند.^۱

۱. کتاب ولایت و حکومت، برگرفته از بیانات امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) درباره ولایت و حکومت، ص ۴۰-۵۰

گفتار دوم

دفاع مقدس و محیط جهاد،

فضایی برای شکوفایی عجیب استعدادها

۱- نقش دفاع مقدس

یکی از بزرگ‌ترین فواید این جنگ هشت ساله و دفاع هشت ساله، حفظ و تقویت روحیه‌ی انقلاب و حرکت، در نسل جوان ما و در جامعه‌ی ما بود. اگرچنانچه این حرکت جهادی و فداکارانه به وجود نمی‌آمد، روحیه‌ی انقلابی در آن اوایل که هنوز عمق زیادی هم پیدا نکرده بود، در معرض تطاول قرار می‌گرفت. بله، امام بزرگوار حضور داشت و شخصیت ایشان یک شخصیتی بود که خیلی از چیزها را تضمین می‌کرد؛ لکن خطرات، خطرات سنگینی بود؛ روحیه‌ی انقلابی قطعاً در معرض تهدید قرار می‌گرفت. انقلاب با حضور در صحنه‌ی دفاع مقدس، ماندگار شد.^۱

این دفاع مقدس وسیله‌ای شد برای اینکه استعدادهای مکنون در انسانها، به شکل عجیبی بروز کند. مثلاً در سپاه، شما ملاحظه می‌کنید یک جوانی وارد میدان جنگ می‌شود و در حالی که از مسائل نظامی هیچ اطلاعی ندارد و وارد نیست، در ظرف یک سال، یک سال و نیم، دو سال تبدیل می‌شود به یک استراتژیست نظامی؛ این خیلی مهم است. خب، شما الان در حالات شهدا و سرداران بزرگ و مانند اینها که نگاه می‌کنید، مثلاً فرض کنید شهید حسن باقری من باب مثال، بلاشک یک طراح جنگی است. هرکس منکر

۱. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در مراسم شب خاطره دفاع مقدس ۱۳۹۶/۳/۳

این معنا باشد، اطلاع ندارد؛ و الا کسی اطلاع داشته باشد، خواهد دید که واقعاً این جوان بیست و چند ساله یک طراح جنگ است. کی؟ در سال ۱۳۶۱؛ کی وارد جنگ شده است؟ در سال ۱۳۵۹. این مسیر حرکت از یک سرباز صفر به یک استراتژیست نظامی، یک حرکت بیست ساله، بیست و پنج ساله است؛ این جوان در ظرف دو سال این حرکت را کرده است! این خیلی نکته‌ی مهمی است.

دفاع مقدس موجب شد که هر کدام از جوانان معمولی و عادی ما که در این بونه‌ی آزمایش، بیشتر حرکت کردند و پیشرفت کردند، در مقامات انسانی و علو مرتبه‌ی انسانی بالاتر بروند. این شخصیت‌های برجسته و مهم، همّت‌ها، خزازی‌ها، شما خیال میکنید [چگونه بودند؟] شهید همت که واقعاً یک اسطوره است یا شهید خزازی که یک اسطوره است، جوان‌های معمولی بودند؛ جنگ [بود که] این‌ها را تبدیل کرد به این شخصیت‌های برجسته و بزرگ و حقیقتاً ماندگار.^۱

قضیه جنگ ما، خیلی‌ها را منقلب کرد. این جوانان ما، این فداکاری‌ها، این ایستادگی در جنگ، این ایستادگی در میدان سیاست، این مرعوب نشدن در مقابل تشرهای استکبار و امریکا، امروز چیز کمی نیست. نظام جمهوری اسلامی در مقابل مقتدرترین قدرت مادی دنیا ایستاده و اصلاً نمی‌خواهد جنگ آوری و معارضه کند؛ اتفاقاً به نقطه قوت خودش تکیه می‌کند. آنها بدشان نمی‌آید که ما به نقطه ضعف خود - یعنی نیروی مادی و سلاح - تکیه کنیم. ما به نقطه قوت خود تکیه می‌کنیم؛ یعنی به ایمان و اعتقاد و همراهی و همکاری مردم با حکومت. در این میدان، ما عقب نیستیم. ما توانسته‌ایم

۱. دیدار نوجوانان و جوانان شرکت‌کننده در کاروان‌های راهیان نور با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۳۹۶/۱۲/۱۹

مقاومت کنیم و بعد از این هم بحمدالله می‌توانیم. این می‌شود شهید؛ این می‌شود برای ملت‌ها الگو؛ این می‌شود یک راه در دنیا برای تماشاگران تا آن را ببینند. کسانی جرأت می‌کنند و قدم می‌گذارند؛ اما ممکن است کسانی هم جرأت نکنند قدم بگذارند. بالاخره راه ترسیم شده است؛ این مهم است که راهی ترسیم شود. بنابراین با این آینده و با این انتظارات جهانی و تاریخی، نظام اسلامی و انقلاب اسلامی کارهای خیلی بزرگی در پیش رو دارد. کسانی هم که باید این کارها را بکنند، شما هستید؛ شما جوانان و این نسل جدید روحانی که ان‌شاءالله با تکیه بر کتاب و سنت و فکر درست اسلامی و استقلال روحیه و بلندنظری و آلوده نشدن به چیزهای کوچک و حقیری که متأسفانه خیلی دست و پاها را می‌گیرد - مسائل مادی، مسائل سیاسی، رفیق بازی، چیزهای واقعاً بی‌ارزش و ... - بتوانید پیش بروید.^۱

۲- شهید سلیمانی، استعدادی شکوفا شده و الگویی برخاسته از اسلام

نظام ما، نظام ایمانی است، نظام دینی است، مردم‌سالاری اسلامی است. «اسلامی» است که مثل شهید سلیمانی تربیت می‌کند؛ «اسلامی» است که خانواده‌ها را در دوران دفاع مقدس وادار می‌کند که جوانهای خودشان، پاره‌های تن خودشان را برای جهاد فی سبیل‌الله بفرستند، بعد هم افتخار کنند. در کجای دنیا هست که مادری سه فرزند یا چهار فرزند رشید خودش را داده است و افتخار می‌کند و از هیچ کس گلایه نمی‌کند؟ هیچ جا نیست. ما اوضاع و احوال کشورهای دیگر را خوانده‌ایم، شنیده‌ایم؛ آنها هم جنگ‌هایی داشته‌اند، آنها هم کشته‌هایی داشته‌اند، اما اصلاً قابل مقایسه نیست با آنچه در اینجا

۱. دیدار اعضای هیأت علمی کنگره امام خمینی (رحمه‌الله) با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۳۷۸/۱۱/۴

گذشته است؛ این به خاطر ایمان است.

شما ملاحظه کنید، در همین هفت هشت ماه قبل، اوایل امسال، نشستند در اندیشه‌های آمریکا راجع به حاج قاسم سلیمانی شما مفصل بحث و بررسی کردند؛ گزارشش را بعد از مدت‌هایی به نحو محدودی منتشر کردند که دست ما هم رسید. اینها راجع به حاج قاسم خصوصیات را ذکر می‌کنند و میگویند این آدم مانع بزرگی در مقابل اهداف آمریکا است. بعد در بین این خصوصیات که از او ذکر می‌کنند - که حالا میگویند شجاع است، خطرپذیر است، چنین است، چنان است - [میگویند] متعهد است، با ایمان است؛ تعهد او یکی از این [خصوصیات است]. این [طور] است دیگر؛ شخصیت‌های ایمانی وقتی که این ایمان را با عمل صالح همراه کنند، وقتی حرکت جهادی بکنند، محصولش می‌شود شخصیتی مثل این، که قدرتهای بزرگ او را تحسین می‌کنند، حتی دشمنانش او را تحسین می‌کنند!

فصل هفتم

حتمیت حاکمیت حق و حرکت عالم به سمت صلاح

گفتار اول

جریان عالم به سمت حاکمیت حق و به سمت صلاح است.

از نظر اسلام و بینش اسلامی، جریان عالم به سمت حاکمیت حق و به سمت صلاح است؛ این بربرگرد هم ندارد، همه‌ی انبیا و اولیا آمده‌اند تا انسان را به آن بزرگ‌راه اصلی‌ای سوق دهند که وقتی وارد آن شد، بدون هیچ‌گونه مانعی تمام استعدادهایش می‌تواند بروز کند. انبیا و اولیا این مردم گمگشته را مرتب از این کوه و کمر و دشته‌ها و کویرها و جنگلها به سمت این راه اصلی سوق دادند و هدایت کردند. هنوز بشریت به نقطه شروع آن صراط مستقیم نرسیده است؛ آن در زمان ولی عصر ارواحنا فداه محقق خواهد شد؛ لیکن همه‌ی این تلاشها اصلاً براساس این بینش است که نهایت این عالم، نهایت غلبه‌ی صلاح است؛ ممکن است زودتر بشود، ممکن است دیرتر بشود؛ اما بربرگرد ندارد. قطعاً این طوری است که در نهایت، صلاح بر فساد غلبه خواهد کرد؛ قوای خیر بر قوای شر غلبه می‌کنند. این هم يك نقطه از نقاط جهان‌بینی اسلامی است که در آن هیچ‌گونه تردیدی نیست.^۱

۱- وعده‌های الهی

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^۲.

۱. دیدار مسئولان و کارگزاران نظام با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۲ / ۰۹ / ۱۳۷۹

۲. انبیا: ۱۰۵

در يك آیه دیگر: «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ»^۱. در يك آیه دیگر: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۲. یعنی این پرچم توحید و اسلام و ایمان، این پرچم ایستادگی در مقابل ظلم و جور از هرکس و هر جای عالم، این پرچم استقلال ملتها در مقابل قدرتهای زورگوی عالم، باید در سرتاسر جهان و به عنوان مرکز امید همه‌ی مستضعفان عالم، به اهتزاز در بیاید.

ملت‌ها امید بسته‌اند و بیدار شده‌اند. مسلمانان، امروز به اسلام خودشان افتخار می‌کنند و احساس عزت می‌نمایند. امروز ترس قدرتمندان و زورگویان عالم، فقط از اسلام و قرآن و مسلمانان واقعی است. امروز واهمه‌ی مرتجعان و پیروان و علم‌داران اسلام امریکایی، از اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) است. همه فهمیدند و دانستند که اسلام از جا برخاسته و حرکت را آغاز کرده و بازوان خود را باز کرده است و به مسلمانان امید و به مستضعفان نوید می‌دهد؛ و این هم خواهد شد. اگر مشکلاتی بر اثر نفوذ ابرقدرت‌هاست، برطرف می‌شود. جامعه‌ی ما که ام‌القرا‌ی اسلامی و مرکز توجهات جهانی اسلام است، إن شاء الله طبق وعده‌ی الهی، با همان شکلی که اسلام خواسته، به صورت کامل که ما از آن صورت کامل هنوز خیلی فاصله داریم ساخته خواهد شد و به آنجا خواهیم رسید. این‌ها، وعده‌ی الهی است. وقتی این وعده‌ی اول تحقق پیدا کرد، شما باید دل‌هایتان را محکم و یقین‌هایتان را کامل کنید که وعده‌های بعدی و بزرگتر هم که مضمون آیات کریمه‌ی قرآن است تحقق پیدا خواهد کرد. راهش این است که ما مجاهدت را از دست ندهیم. همه‌ی جهاد، به جبهه رفتن نیست. هر جا هستی‌د، می‌توانید مجاهدت فی سبیل الله باشید.^۳

۱. اعراف: ۱۲۸

۲. توبه: ۳۳

۳. دیدار گروه کثیری از آزادگان با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۲۶ / ۰۶ / ۱۳۶۹

۲- استمرار حرکت نبوت‌ها و دعوت‌های الهی

وجود مقدس حضرت بقیة الله ^(أرواحنا فداه) استمرار حرکت نبوت‌ها و دعوت‌های الهی است از اول تاریخ تا امروز؛ یعنی همانطور که در دعای ندبه می‌خوانید، از «فبعض اسکنته جنّتک» که حضرت آدم است تا «الی ان انتهی الامر» که رسیدن به خاتم الانبیاء ^(صلی الله علیه و آله) هست و بعد مسئله‌ی وصایت اهل بیت آن بزرگوار، تا می‌رسد به امام زمان، همه، یک سلسله‌ی متصل و مرتبط به هم در تاریخ بشر است. این، بدین معناست که آن حرکت عظیم نبوت‌ها، آن دعوت الهی به وسیله‌ی پیامبران، در هیچ نقطه‌ای متوقف نشده است... آن داعیان الهی، امروز سلسله‌شان قطع نشده است و وجود مقدس بقیة الله الاعظم ^(أرواحنا فداه) ادامه‌ی سلسله‌ی داعیان الهی است... دعوت و پرچم همه‌ی آنها را در دست دارد و دنیا را به همان معارفی که انبیا در طول زمان آورده‌اند و به بشر عرضه کرده‌اند، فرا می‌خواند.^۱

۳- ملت فاسد، ملت محکوم به فنا است

خدای متعال در سوره‌ی بنی اسرائیل خطاب به بنی اسرائیل می‌کند «لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا»^۲ ای فرزندان اسرائیل! شما دو روز و دو بار در تاریخ فساد ایجاد می‌کنید و بزرگی در زمین به وجود می‌آورید و استعلاء و استکبار به خرج می‌دهید، اما در هر دو بار کسانی از بندگان خدا، از جنود پروردگار پیدا می‌شوند که شما را به سزای فساد و علو و استکبارتان برسانند و این قضیه‌ی همیشه‌زنده‌ی تاریخ است. هر امتی که با صلاح، با سلاح حق و حقیقت و عدالت‌طلبی حاضر شود راه طبیعی

۱. دیدار هیئت‌های دانشجویی در روز اربعین حسینی با امام خامنه‌ای ^(مدظله‌العالی) ۱۳۹۶/۸/۱۸

۲. اسراء: ۴

سنت‌های تاریخ را ببیماید، خدا به او کمک خواهد کرد، اما هر ملتی که فساد کند، بر مستضعفین طغیان کند، ارزشهای انسانی را ندیده بگیرد، آن ملت محکوم به فنا و نابودی است.^۱

۴- استمرار حرکت انقلاب

خیال نکنید که انقلاب تمام شد؛ انقلاب ادامه دارد. اگر انقلاب به معنای ایجاد تحول بنیادین است و نوید نجات و سعادت و صلاح برای قشرهای عظیم محروم و مظلوم را می‌دهد و دشمن‌هایی در برابر جهت‌گیری‌های آن به صف‌آرایی برمی‌خیزند، طبیعی است که این کار هنوز جریان دارد و تمام نشده است. دلیلش، دشمنیها و خصومت‌هایی است که در دنیا نسبت به ما می‌شود و نیز حمایت‌ها و محبت‌ها و صمیمیت‌هایی است که از طرف ملت‌های مظلوم دنیا نسبت به این انقلاب و رهبر آن ابراز می‌شود.^۲

۱. سخنرانی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۷/۰۵/۱۳۵۹

۲. سخنرانی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در مراسم بیعت جمع کثیری از دانشجویان و دانش‌گامیان ۲۳/۰۳/۱۳۶۸

گفتار دوم

نقش شهدا و دفاع مقدس در حرکت عالم به سمت حاکمیت حق

در این جا، دو نکته گفتنی است که مطرح میکنم: نکته‌ی اول، تأثیر شهادت‌ها در تقویت نظام اسلامی است. شما برادران و خواهران می‌دانید که ابهت و اقتدار معنوی امروز نظام اسلامی و ملت مسلمان در دنیا و در چشم قدرتهای شیطانی، ناشی از همین شهادت‌ها و کاری است که عزیزان شما کردند. فرزندان شهدا بدانند که پدران آنها موجب شدند که اسلام، در چشم شیطان‌ها و طاغوت‌های عالم، ابهت پیدا کند. روزی بود که به اسلام و جامعه مسلمین، اصلاً اعتنایی نمی‌کردند و کمترین محلی نمی‌گذاشتند و آنان را صاحب فکر نمیدانستند؛ اما امروز دریافته‌اند که اسلام، کاخهای اقتدار شیطانی آنان را در سراسر دنیا لرزانده است.

۱- نقش دفاع مقدس

به اعتقاد بنده، این جنگ - این دفاع مقدس - در کنار خساراتی که برای ما داشت، فوائد و منافع بزرگی هم داشت؛ این منافع، بمراتب بزرگ‌تر و بیشتر از آن خسارات است. خسارتهای ما در آنجا عبارت بود از خسارتهای انسانی و مادی، یعنی جوانهایی را از دست دادیم، خانواده‌هایی عزیزانشان را از دست دادند، همه‌مان برای جوان‌ها داغدار شدیم و خسارات مادی پیش آمد، کشور از لحاظ ظواهر سازندگی یک مقداری در یک برهه‌ای عقب افتادگی پیدا کرد؛ اینها خسارات جنگ بود. همه‌ی جنگ‌ها این جور خساراتی دارد. لکن

منافع جنگ، منافع بلند مدت بود؛ منافع ماندگار بود. البته منافع کوتاه مدت و منافع نزدیک هم داشت.

یک فایده... این بود که ما این فکر و اندیشه‌ی دفاع از هویت ملی و هویت دینی و انقلابی را - که بارها گفته‌ایم و شنیده‌ایم و نقل کرده‌ایم که خدای متعال کمک میکند و انسان‌ها را در [برابر] عواقب و موانعی که در راه حق وجود دارد، پیروز میکند - یک بار دیگر خودمان تجربه کردیم؛ این خیلی مهم است. یک جامعه‌ای که در جهت پیشرفت به سمت اهداف والا دارد حرکت میکند، به‌طور طبیعی مواجه می‌شود با موانع بسیاری؛ بخصوص در دنیای مادی امروز؛ و اگر آن آرمانها، آرمان‌های معنوی و ضد قدرت‌طلبی و ضد دنیاطلبی و مانند اینها باشد، بدیهی است که موانعی به وجود می‌آید. اینکه یک ملتی احساس بکند که میتواند بر موانع پیروز بشود، خیلی چیز مهمی است. بله، در روایات و آیات، توکل به خدا و «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» و مانند اینها را میخوانیم و میگوییم و عقیده هم داریم، لکن اینکه در عمل «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» را آدم ببیند، خیلی فرق میکند. حضرت ابراهیم با آن عظمت، به خدای متعال عرض میکند که میخواهم زنده شدن مرده‌ها را ببینم. خداوند میفرماید: «أَوَلَمْ تُؤْمِنْ»؛ مگر قبول نداری؟ جواب می‌دهد: «قَالَ بَلَى»؛ چرا، قبول دارم؛ «وَلَكِنْ لِيَطْمَئِنَّ قَلْبِي». این آرامش دل، این پذیرش از اعماق باور و جان انسان نسبت به یک حقیقت، خیلی چیز مهمی است؛ این را جنگ - دفاع هشت‌ساله - به ما نشان داد. ما الان می‌توانیم با همه‌ی توان ادعا بکنیم که جمهوری اسلامی با همه‌ی چالشهایی که در مقابل او به وجود می‌آورند، می‌تواند پنجه بیندازد و بر همه آن‌ها می‌تواند غالب بشود؛ چون این را تجربه کرده‌ایم. «وَلَا تَهْتُوا وَ

لا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»؛ اگر ایمان در دل و در عمل وجود داشته باشد، کوه‌ها در مقابل یک جامعه، یک مجموعه، یک انسان قوی، هموار خواهد شد و قدرت مقاومت نخواهد داشت. یکی از فواید جنگ برای ما این بود. خب، اینها حقایقی است.^۱

۲- نقش سردار سلیمانی و شهادت ایشان در حرکت تاریخ اسلام

در این قضیه [ای شهادت شهید سلیمانی و همراهانش] کار بزرگی انجام گرفت، حادثه‌ی بزرگی انجام گرفت، انقلابی به وجود آمد که دنیا را تکان داد، متحوّل کرد و تاریخ را، مسیر تاریخ کشور را، مسیر تاریخ منطقه را و شاید مسیر تاریخ جهان را - که بعدها قضاوت خواهد شد- تغییر داد. به کمک الهی با این چشم نگاه کنیم؛ هدایت الهی و دست قدرت الهی را این جور ببینیم در همه‌ی حوادث زندگی مان...

ملت‌ها بحمدالله بیدارند. ملت‌ها امروز بیدارند؛ ولی نقش شهید عزیز و رفقای محلی این شهید [بی بدیل بود]؛ مثل همین شهید ابومهدی (رضوان الله تعالی علیه) -مرد نورانی، مرد مؤمن، مرد شجاع که انسان وقتی نگاه میکرد، چهره‌ی او مصداق «وَبَيِّضُ وَجْهِي بَنُورِكَ» [بود]؛ ابومهدی این جوری بود؛ چهره، چهره‌ی نورانی معنوی خدایی - شهید سلیمانی با امثال این جور انسانهای مؤمن و شجاع و نورانی توانستند کارهای بزرگی را انجام بدهند.

شهادت او، زنده بودن انقلاب در کشور ما را به رخ همه دنیا کشید. عده‌ای میخواستند وانمود کنند که انقلاب در ایران از بین رفته است، مرده است، تمام شده -البته عده‌ای هم سعی می‌کنند که این اتفاق بیفتد- [اما] شهادت

۱. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در مراسم شب خاطره دفاع مقدس ۱۳۹۶/۳/۳

او نشان داد که انقلاب زنده است!^۱

شهید سلیمانی چهره بین‌المللی مقاومت است و همه دلبستگان مقاومت خونخواه اویند. همه‌ی دوستان - و نیز همه‌ی دشمنان - بدانند خطّ جهاد مقاومت با انگیزه مضاعف ادامه خواهد یافت و پیروزی قطعی در انتظار مجاهدان این راه مبارک است. فقدان سردار فداکار و عزیز ما تلخ است ولی ادامه مبارزه و دست یافتن به پیروزی نهایی کام قاتلان و جنایتکاران را تلخ‌تر خواهد کرد.^۲

۱. دیدار مردم قم با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۳۹۸/۱۰/۱۸

۲. پیام تسلیت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در پی شهادت شهید سلیمانی و شهدای همراه او ۱۳۹۸/۱۰/۱۳

بخش دوم

اهداف مکتب انقلاب
اسلامی و مجاهدت شهدا

پیشگفتار

لزوم داشتن نگاه کلان و شناخت صحیح و درستی از سلسله اهداف برای هر سالکی نیاز اساسی و مبرم به شمار می آید. چراکه بدون شناخت هدف، نمیتوان مسیری صحیح و نقشه ای کامل برای پیمایش اتخاذ کرد و انگیزه و دغدغه ای هم برای طی کردن مسیری که هدفش نامعلوم است وجود ندارد. در مکتب انقلاب اسلامی، امام خمینی (رحمه الله) و امام خامنه ای (مدظله العالی) از همان اوائل انقلاب تا کنون، هم هدف از این انقلاب و حرکت کلی آن را به طور کامل بیان نمودند و هم مسیر و نقشه راه را به وجه اکتلی ترسیم کردند. بنابراین فرموده امام خامنه ای (مدظله العالی) اهداف این انقلاب در راستای اهداف اصیل اسلام و حرکت مبارزاتی ائمه (علیهم السلام) است و انشاءالله امتداد آن هم به ظهور حضرت حجت منجر خواهد شد، لذا راه انقلاب و مجاهدت شهیدان به ویژه شهید حاج قاسم سلیمانی همان راه شهدای صدر اسلام و یاران ائمه (علیهم السلام) است. چراکه اگر همین شهدا در عصر حضرت اباعبدالله (علیه السلام) یا دیگر ائمه بودند قطعاً جزو یاران و شهیدان در رکاب آن بزرگوارن می شدند. لذا با توجه به لزوم شناخت اهداف انقلاب، اهداف شهدا و شهید سلیمانی که برای رسیدن به این اهداف مبارزه و مجاهدت کردند و به شهادت نائل گشتند، سعی شده است در این بخش از کتاب، نظام اهداف انقلاب اسلامی، فرآیند تحقق این اهداف (نگاه فرآیندی) و همین طور نقش شهدا برای رسیدن به این اهداف تبیین و بررسی گردد.

فصل اول

اهداف انقلاب اسلامی

۱- نظام اهداف (هدف اعلى و هدف عالى)

انقلاب در ذات خود يك حرکت پيش‌رونده است، آن‌هم پيشرفت پرشتاب. به كجا؟ به سمت هدف‌هاى ترسيم شده. هدف‌ها عوض نمى‌شوند. اين اصول و ارزش‌هاىي كه بر روى آن بايستی ايستادگى كرد و براى آن جان داد، اصول و ارزش‌هاىي هستند كه در اهداف، مشخص شده‌اند. هدف نهايي، تعالى و تكامل و قرب الهى است. هدف پايين‌تر از آن، انسان‌سازى است؛ هدف پايين‌تر از آن، ايجاد جامعه‌ى اسلامى است با همه‌ى مشخصات و آثار، كه استقرار عدالت در آن باشد، توحيد باشد، معنويت باشد. اينها اهداف هستند. اين اهداف عوض‌شدنى نيستند؛ يعنى ما نمى‌توانيم بيايم مايه بگذاريم تا از هدف كم كنيم.^۱

۲- تشكيل تمدن نوين اسلامى، هدف انقلاب اسلامى

هدف ملت ايران و هدف انقلاب اسلامى، ايجاد يك تمدن نوين اسلامى است^۲ و بناى رفيع نظام جمهورى اسلامى و نظام اسلامى نوين، ان‌شاءالله زمينه‌ساز تمدن نوين اسلامى است.^۳ نظام جمهورى اسلامى، يك حرکت عظيم الهى است. ابعاد اين حرکت، به ابعاد مرزهاى اين کشور محصور نيست. اين حرکت، حتى به حصارهاى زمان كنونى هم محدود نمى‌شود؛

۱. ديدار فرماندهان سپاه پاسداران با امام خامنه‌اى (مدظله‌العالي) ۱۳/۰۴/۱۳۹۰

۲. ديدار جوانان استان خراسان شمالى با امام خامنه‌اى (مدظله‌العالي) ۲۳/۷/۱۳۹۱

۳. ديدار نيروهاى مسلح منطقه شمال کشور و خانواده‌هاى آنان با امام خامنه‌اى (مدظله‌العالي) ۲۸/۶/۱۳۹۱

يك حرکت عظیم تاریخی است.^۱

ما خواسته‌ایم در میان ظلمات جاهلیت قرن بیستم، خورشید فروزان اسلام را به درخشش درآوریم. ما خواسته‌ایم در هنگامی که نسل‌های بشر، از مکتب‌های گوناگون - از سرمایه‌داری پلید غرب تا کمونیسم ملحد شرق - دل‌زده شدند، بتوانیم مکتب حیات‌بخش و راه‌زندگی سالم و مطلوب و شیرین را به بشر نشان بدهیم و آن، حیات طیبه اسلامی است.^۲

ما در حال پیشرفت و سازندگی و در حال بنای يك تمدن هستیم. مسئله ما این نیست که زندگی خودمان را نجات دهیم و گلیم خودمان را از آب بکشیم؛ مسئله این است که ملت ایران - همچنان که شأن او است - در حال پدید آوردن يك تمدن است.^۳ برای این ملت، قضیه بنای يك نظام و تمدن اسلامی و يك تاریخ جدید، قضیه‌ای جدی است.^۴

۳- برپایی تمدن نوین اسلامی؛ فرآیندی دشوار، طولانی و منطقی

امروز يك فرصت استثنایی در اختیارمان قرار گرفته است تا بتوانیم اهداف الهی و اسلامی را در يك بخش مهم از جهان - که کشور بزرگ و عزیز ایران است - تحقق بخشیم و آنها را پیاده کنیم.^۵ هدف عبارت است از ساختن کشوری که بتواند در دنیا الگو باشد؛ «لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ»؛^۶ آن‌چنان بالا قرار گیرید که بتوانید ناظر بر همه عالم باشید؛ بر همه روش‌ها، بر همه

۱. دیدار کارگزاران نظام با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۳۶۹/۰۹/۱۴

۲. دیدار اقشار مختلف مردم قم، با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) سالروز قیام مردم قم ۱۳۶۸/۱۰/۱۹

۳. پیام نوروزی به مناسبت حلول سال ۱۳۷۳ شمسی با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۳۷۳/۰۱/۰۱

۴. دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۳۷۳/۰۸/۱۱

۵. دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۳۷۹/۰۹/۱۲

۶. البقره: ۱۴۳

تمدن‌ها و مدنیت‌ها، این، مراحلی دارد.^۱ تحقق آرزوهای اسلامی، کار ده سال و بیست سال نیست؛ کار بلندمدت است و باید به تدریج انجام بگیرد،^۲ تحقق این اهداف، تدریجی است؛ چیزهایی است که باید برای آن تلاش و مجاهدت کرد و قدم به قدم پیش رفت.^۳

۴- فرآیند تحقق اهداف انقلاب اسلامی

آنچه که من امروز یادداشت کرده‌ام عرض کنم، این است که، این مجموعه‌ای که ما باشیم که این جمع حاضر تقریباً مسئولان بخش‌های کلیدی و اساسی جمهوری اسلامی به حساب می‌آیند، یک فرصت استثنایی در اختیارمان قرار گرفته است تا بتوانیم اهداف الهی و اسلامی را در یک بخش مهم از جهان، که کشور بزرگ و عزیز ایران است، تحقق بخشیم و آن‌ها را پیاده کنیم... ما می‌خواهیم آن نظامی، آن تشکیلاتی و آن حکومتی را که بتوان این هدف‌ها را در آن محقق کرد، به وجود آوریم. این، یک فرایند طولانی و دشواری دارد و شروعش از انقلاب اسلامی است... انقلاب یعنی دگرگونی بنیادی... این قدم اول است. انقلاب که تحقق پیدا کرد، بلافاصله بعد از آن، تحقق نظام اسلامی است. نظام اسلامی، یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در جایی پیاده کردن... بعد از آنکه نظام اسلامی پیش آمد، نوبت به تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی می‌رسد؛ یا به تعبیر روشن‌تر، تشکیل منش و روش دولتمردان، یعنی ماها، به گونه اسلامی... مرحله‌ی چهارم که بعد از این است، کشور اسلامی است. اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی

۱. دیدار پاسداران، جانبازان، دانش‌آموزان با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۱/۸/۱۳۷۹

۲. دیدار جمعی از روحانیون، ائمه جماعات و وعاظ با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۴/۱۲/۱۳۷۰

۳. جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۲۲/۱۲/۱۳۷۹

شد، آن‌گاه کشور به معنای واقعی کلمه، اسلامی خواهد شد؛ عدالت مستقر خواهد شد؛ تبعیض از بین خواهد رفت؛ فقر به تدریج ریشه کن می‌شود؛ عزت حقیقی برای مردم به وجود می‌آید؛ جایگاهش در روابط بین‌الملل ارتقاء پیدا می‌کند؛ این می‌شود کشور اسلامی. از این مرحله که عبور کنیم، بعد از آن، دنیای اسلامی [تمدن اسلامی] است. از کشور اسلامی می‌شود دنیای اسلامی درست کرد. الگو که درست شد، نظایرش در دنیا به وجود می‌آید.^۱

۵- هدف میانی؛ تشکیل جامعه اسلامی

نظام جمهوری اسلامی اساساً برای پاسخ به دعوت پیامبران تشکیل شده که محور اساسی آن، عبارت است از رساندن انسان به تکامل معنوی، که این ممکن نخواهد شد جز در سایه‌ی ایجاد یک دنیای برخوردار از حسنات و معروف‌هایی که برای انسان‌ها، زندگی را قابل تحمل و لذت بخش بکند، که از اساسی‌ترین آن‌ها هم عدالت است. بنابراین تشکیل جامعه عادلانه یک هدف است؛ اما این هدف، هدف میانه است. ما می‌خواهیم به جامعه عادلانه الهی، جامعه‌ی اسلامی، دست پیدا کنیم برای اینکه در سایه‌ی این نظام الهی بتوانیم خودمان را به تکامل برسانیم؛ خودمان را به نقطه‌ی امن و امان برسانیم.^۲ بخش بعد از آن، جامعه اسلامی است؛ که این، آن بخش بسیار مهم و اساسی است. بعد از آنکه دولت اسلامی تشکیل شد، مسئولیت و تعهد این دولت اسلامی، این است که جامعه‌ی اسلامی را تحقق ببخشد. جامعه‌ی اسلامی یعنی چه؟ یعنی جامعه‌ای که در آن، آرمان‌های اسلامی، اهداف اسلامی، آرزوهای بزرگی که اسلام برای بشر ترسیم کرده است، تحقق پیدا

۱. دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۲/۰۹/۱۳۷۹

۲. دیدار نمایندگان مجلس هشتم با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۲/۰۳/۱۳۸۷

کند. جامعه عادل، برخوردار از عدالت، جامعه آزاد، جامعه‌ای که مردم در آن، در اداره کشور، در آینده خود، در پیشرفت خود دارای نقش‌اند، دارای تأثیرند، جامعه‌ای دارای عزت ملی و استغنا ملی، جامعه‌ای برخوردار از رفاه و میراث، از فقر و گرسنگی، جامعه‌ای دارای پیشرفت‌های همه‌جانبه - پیشرفت علمی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت سیاسی - و بالأخره جامعه‌ای بدون سکون، بدون رکود، بدون توقف و در حال پیشروی دائم.

این، آن جامعه‌ای است که ما دنبالش هستیم. البته این جامعه تحقق پیدا نکرده، ولی ما دنبال این هستیم که این جامعه تحقق پیدا کند. پس این شد هدف اصلی و مهم میانه‌ی ما.

چرامی گوئیم میانه؟ به خاطر اینکه این جامعه وقتی تشکیل شد، مهم‌ترین مسئولیت این جامعه این است که انسان‌ها بتوانند در سایه‌سار چنین اجتماعی، چنین حکومتی، چنین فضائی، به کمال معنوی و کمال الهی برسند؛ که: «ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»؛^۱ انسان‌ها به عبودیت برسند. «لِيَعْبُدُونِ» رامعنا کردند به «لِيعْرِفُونِ». این، معنایش این نیست که «عَبَدًا» به معنای «عَرَفَ» است - عبادت به معنای معرفت است - نه؛ بلکه به معنای این است که عبادت بدون معرفت معنی ندارد، امکان ندارد، عبادت نیست. بنابراین جامعه‌ای که به عبودیت خدا می‌رسد، یعنی به معرفت کامل خدا می‌رسد، تخلق به اخلاق الله پیدا می‌کند؛ این، آن نهایت کمال انسانی است. بنابراین هدف نهایی، آن است؛ و هدف قبل از آن، ایجاد جامعه‌ی اسلامی است، که هدف بسیار بزرگ و بسیار والایی است. خب، وقتی يك چنین جامعه‌ای به وجود آمد، زمینه برای ایجاد امت اسلامی، یعنی گسترش این جامعه هم به وجود خواهد آمد.^۲

۱. الذاریات: ۵۶

۲. دیدار دانشجویان کرمانشاه با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۲۴ / ۰۷ / ۱۳۹۰

۶- ویژگی‌های نگاه فرآیندی به اهداف انقلاب اسلامی

الف. زنجیره معقول و منطقی (ترتیب و ترتب مراحل)

نظام اسلامی، نظامی است که يك خط حرکت معقول و منطقی برای خود تصویر کرده است.^۱ ما می‌خواهیم آن نظام، آن تشکیلات و آن حکومتی را که بتوان ... هدف‌های [ای اسلامی] را در آن محقق کرد، به وجود آوریم. این يك فرآیند طولانی و دشواری دارد؛^۲ يك زنجیره منطقی وجود دارد؛ زنجیره مستمری که به هم مرتبط است.^۳

ما اول راهیم؛ ما ابتدای راهیم. اولاً باید نظام را از لحاظ مبانی معرفتی‌اش کامل کنیم. ثانیاً بنای نظام را باید بر اساس آن مبانی معرفتی کامل کنیم؛ یعنی نظام اسلامی، دولت اسلامی و کشور اسلامی، هر کدام مترتب بر همدیگر است؛ این‌ها همه یکسان و یک چیز نیستند. تا کشور، اسلامی بشود، ما خیلی کار داریم.^۴

ب. پیش‌روندگی و ممنوعیت توقف کلی یا توقف در یک مرحله

این سیری نیست که بتواند متوقف شود؛ این سیری هم نیست که مراحل گوناگونی که در آن هست، برای آن دائمی و ابدی باشد؛ يك حرکت تکاملی است. این نظام اسلامی هم از آغاز تشکیل، با چالش‌های خود، با مشکلات خود، با امکانات خود، حرکتی را آغاز کرده است و پیش می‌رود.^۵

۱. دیدار اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۴/۰۷/۱۳۷۹

۲. دیدار مسئولان و کارگزاران نظام با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۲/۰۹/۱۳۷۹

۳. دیدار دانشجویان کرمانشاه با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۲۴/۰۷/۱۳۹۰

۴. دیدار دانشجویان نمونه و نمایندگان تشکل‌های مختلف دانشجویی با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۲۵/۰۷/۱۳۸۵

۵. دیدار اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۴/۰۷/۱۳۷۹

ج. بر خورداری از سرنوشت حتمی

این خط اگر با جدیت، با پشتکار، با شناخت آنچه که لازم است، با عمل به آنچه که وظیفه است، ادامه پیدا کند، سرنوشت حتمی عبارت است از این که تمدن اسلامی یک بار دیگر بر مجموعه‌ی عظیمی از دنیا، پرتو خود را بگستراند.^۱

د. فرآیندی طولانی، تدریجی و دشوار

انقلاب کار دشواری بود؛ پدید آوردن انقلاب کار آسانی نبود؛ ابتکار عمل می‌خواست، تلاش می‌خواست و خون دل می‌خواست؛ خب، امام بزرگوار این ملت را و این مجموعه‌های فعال مبارز را با شعار خود، باروحیه‌ی خود، باتقوای خود، باایمان خود، با صدقی که نشان داد، حرکت داد و این کار دشوار انجام گرفت و این انقلاب، نظام‌سازی کرد و موفق شد و پیروز شد؛ اما نگاه‌داشتنش از به دست آوردنش مشکل‌تر است؛ شما این اسلامی را که قادر بر مقابله است، قادر بر مقاومت است، قادر بر سینه سپر کردن در مقابل جبهه‌ی کفر است، این اسلام را به دست آورده‌اید، با زحمت هم به دست آورده‌اید، اما چه جوری می‌خواهید حفظش کنید؟ در مقابل دشمن، این را باید نگه داشت، این را باید حفظ کرد.^۲

فرایند تحقق هدف‌های اسلامی، یک فرایند طولانی و البته دشواری است. به‌طور نسبی انسان به آن اهداف نزدیک می‌شود؛ اما تحقق آن‌ها، بسیار طولانی است. قدم اول که پُرهیجان‌تر و پُرسروصداتر از همه است، ایجاد انقلاب اسلامی است. کار آسانی نبود؛ لیکن این آسان‌ترین است. قدم بعدی، ترتب

۱. دیدار اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۴/۰۷/۱۳۷۹

۲. دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۶/۳/۱۳۹۵

نظام اسلامی بر انقلاب اسلامی است: ... قدم بعدی - که از این‌ها دشوارتر است - ایجاد دولت اسلامی است.^۱

انقلاب، نیامده بود که برای مردم ایران پاسخگویی کند. انقلاب، انقلاب خود مردم بود. مردم برای تحقق آرمان‌هایی انقلاب کردند ... می‌پرسید ما چقدر به این اهداف رسیده‌ایم؛ من عرض می‌کنم که تحقق این اهداف، تدریجی است؛ چیزهایی است که باید برای آن تلاش و مجاهدت کرد و قدم‌به‌قدم پیش رفت. نظام اسلامی، یک نظام پیش‌ساخته مثل خانه‌های پیش‌ساخته نیست؛ نظامی است که باید آجر آجر و سنگ سنگ روی هم چید و آن را بالا برد. درائت‌های این کار، طبیعی است که مشکلاتی پیش بیاید. این مفاهیمی هم که من گفتم عدالت اجتماعی، آزادی، آگاهی، معنویت؛ که جزو مبانی این نظامند، مفاهیم ایستا و متحجری نیستند. این‌ها چیزهایی هستند که برحسب پیشرفت و اقتضائات زمان، ممکن است مصادیقشان تغییر پیدا کند. درائت‌های این کار بسیار پُر تلاش و پُر زحمت، بسیار طبیعی است که مشکلاتی پیش آید؛ چون به‌طور پیوسته و دائم بایستی مهندسی و معماری کرد و مراقب بود که هیچ نقطه‌ای از این بنا برخلاف جهت صحیح ساخته نشود ... ما باید این نظام را بسازیم و ذره ذره و قدم‌به‌قدم پیش برویم.^۲

اولاً باید معلوم باشد که این حرکت عظیم نظام اسلامی و حرکت به سمت آن آینده‌ی آرمانی - که ایجاد تمدن اسلامی است؛ یعنی تمدنی که در آن، علم همراه با اخلاق است؛ پرداختن به مادیات، همراه با معنویت و دین است؛

۱. دیدار مسئولان و کارگزاران نظام با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۳۸۰/۹/۲۱

۲. دیدار دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۳۷۹/۱۲/۲۲ در پاسخ به این سؤال که: «در آغاز انقلاب اسلامی، این انقلاب ادعاهایی داشت. در حال حاضر بعد از گذشت حدود بیست سال، چقدر به آن ادعاها رسیده‌ایم؟»

و قدرت سیاسی، همراه با عدالت است - يك حرکت تدریجی است. البته پُرهیجان است؛ اما هر کس بداند چه کار می کند، هر قدمی که برمی دارد، برای او هیجان انگیز است؛ اما این کار عظیم و ماندگار تاریخی، این کاری که سروکارش با نسل ها و قرن هاست، این را نباید با کارهای دفعی، جزئی و شعاری اشتباه کرد. این کاری است که باید گام به گام، هر گامی محکم تر از گام قبل، با نگاه دقیق نسبت به هر قدمی که برمی داریم و با دید نافذ نسبت به مسیری که طی می کنیم، همراه باشد.^۱

۱. دیدار اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه با امام خامنه ای (مدظله العالی) ۱۳۷۹/۰۷/۱۴

فصل دوم

اهداف شهدا و شهید سلیمانی در راستای حفظ و سربلندی انقلاب اسلامی

۱- اُبّهت و اقتدار معنوی نظام، حاصل مجاهدت شهیدان

ابّهت و اقتدار معنوی امروز نظام اسلامی و ملت مسلمان در دنیا و در چشم قدرتهای شیطانی، ناشی از همین شهادتهاست. امروز، به فضل همین شهادتها و به برکت خون شهدا، ملت ما، ملت سربلند و آبرومندی است و ملتها آبرو و عزت را این گونه باید پیدا کنند. قدرتهای استکباری، برای ملتها و کشورهای امثال ما - کشورهای اسلامی و دیگر کشورهای مستضعف - حق حیات و حق رأی و نظر قایل نیستند؛ حتی حق استفاده از منابع ثروت خودشان را هم قایل نیستند. با قدرتهای شیطانی، از سر ضعیف و ذلت نمی شود وارد شد؛ چون به ضعیف رحم نمی کنند. باید هر ملتی خود را قوی کند و قدرت حقیقی خودش را پیدا نماید و این، جز به برکت اعتقاد و عمل در راه آن اعتقاد تا سرحد مجاهدت و شهادت، امکانپذیر نیست. این، کاری است که ملت و شهدای ما انجام دادند و دنیای استکبار و دولتهای متکبر را - نه انسانها و ملتها، چون آنها با ما همراهند - وادار به پذیرش و تحمل اسلام و جمهوری اسلامی کردند. البته، از توطئه و اعمال دشمنی و مکر غافل نیستند. شما هم غافل نباشید.^۱

۱. دیدار فرزندان ممتاز شهدا، مسئولان امور فرهنگی بنیاد شهید با امام خامنه ای (مدظله العالی) ۱۳۶۸/۵/۲۵

۲- اگر شهدا نبودند امروز این عزت و عظمت را نداشتیم

یکی از بزرگترین نعمتهای الهی بر جامعه‌ی اسلامی ما، وجود مردان شجاع و جوانان فداکاری است که از پیش از پیروزی انقلاب اسلامی تا امروز، در مقابل دشمنان انقلاب سینه سپر کرده‌اند و با جان و خون خود، اسلام و انقلاب و راه خدا را نصرت بخشیده‌اند. بعضی از این عزیزان، در راه خدا به شهادت رسیدند و به درجات و نعم غیرمتناهی الهی بر شهیدان، فائز شدند و به عنوان سند افتخاری برای ایران و اسلام و انقلاب اسلامی، و مایه‌ی آبرویی برای امام و رهبر راحل عظیم‌الشان ما، اسم آنها در تاریخ ثبت شد...

من این حقیقت را به شما عرض کنم که اگر این معجزه اتفاق نیفتاده بود، اگر جوانان و نورچشمان شما این طور مجذوب حق به سمت مقتل خودشان نمی‌رفتند و فداکاری نمی‌کردند، امروز از اسلام در دنیا خبری نبود؛ که هدف استکبار هم این بود. اگر میبینید که امروز در دنیا پرچم اسلام بلند است؛ اگر میبینید که ملت‌های مسلمان احساس شخصیت و هویت می‌کنند؛ اگر میبینید که نعره‌ی الله اکبر بچه‌مسلمانها در سرتاسر کشورهای اسلامی، تخت‌های قدرت استکباری را به لرزه درآورده و اسلام عزیز است و در دنیا مطرح است؛ بدانید که این افتخار به‌وسیله‌ی فرزندان شما، به‌وسیله‌ی همین خونهای پاک، به‌وسیله‌ی همین گذشتها و ایثارها به‌دست آمد؛ بدون اینها نمی‌شد.^۱

۱. دیدار جمعی از فضایی حوزه‌ی علمیه‌ی قم با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۳۰/۱۱/۱۳۷۰

۳- شهدای انقلاب در عداد شهدای صدر اسلام

اگر ما بخواهیم شهدای جلیل‌القدر را در میزان ارزشهای اسلامی بسنجیم، بدون شک در عداد شهدای صدر اسلام قرار دارند، و شاید در مواردی از آنها برترند؛ چون شهدای صدر اسلام، در کنار نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) حضور داشتند؛ نفس وحی را از پیامبر بزرگوار میشنیدند و لمس میکردند؛ اما شهدای زمان ما، بدون این که امام معصوم و نبی مکرم را مشاهده نکنند، با دعوت امام بزرگوار و راحل ما (رضوان الله تعالی علیه) و به اشاره‌ی آن نایب برحق معصومین (علیهم السلام)، در جبهه‌های خطر حضور پیدا کردند و نقش یک مجاهد فی سبیل الله را به بهترین وجه ایفا نمودند. اگر شهدای عزیز ما نمیبودند و فداکاری آنها نمی بود، امروز این عزت و این عظمت برای اسلام نمی بود.^۱

۴- راه شهدای انقلاب همان راه پیامبران و ائمه (علیهم السلام)

شما که برای اسلام بپا خاسته اید و جان و مال نثار می کنید، در صف شهدای کربلا هستید؛ چرا که پیرو مکتب آنانید... راه شما راه خدا و اولیای خدا است. خون شما در راهی می ریزد که خون پیغمبران و امامان و اصحاب صلاحیتدار آنان ریخته شد. شما به آنان می پیوندید و این نه تنها غم ندارد، که شادی آور است.

اسلام از روز اول که ظهور پیدا کرد، با شهادت، این دین حنیف را ترویج کرد. اسلام شهدای بزرگ داشته است و مفتخر است به اینکه در راه خدا و در راه هدف، شهدای بزرگ داده است. ما هم مفتخریم به اینکه در راه اسلام و در راه هدفمان شهید بدهیم؛ و این آخرین شهید ما نیست. ما باز شهدایی

ممکن است بدهیم؛ و برای ما زندگی این دنیا مطرح نیست. مطرح هدف است و در راه هدف کوشش می‌کنیم؛ و هرچه پیش بیاید چون برای هدف است از او استقبال می‌کنیم.

نباید ما نگران باشیم از اینکه فدایی می‌دهیم؛ این سیرهٔ انبیا بوده است که این کارها را می‌کرده‌اند. انبیا، اولیا، در مقابل ظلمه، در مقابل اشخاصی که ظلم به مردم می‌کردند، قیام می‌کردند و کشته می‌شدند و کشتار می‌کردند و جوانهایشان را می‌دادند و اصحابشان را می‌دادند و مسأله‌ای نیست که ما حالا یک نگرانی داشته باشیم که مبدا خون راه بیفتد! باید خون راه بیفتد؛ باید یک ملتی که می‌خواهد خودش را نجات بدهد از زیر بار اینهمه جنایات و این همه خسارات که بر او وارد شده است، همین طور مجانی نمی‌شود که انسان به دست بیاورد. یکی از این مادرها - ظاهراً در بهشت زهرا - ایستاده و صحبت کرده که درخت آزادی محتاج به آبیاری است و خون پسر من یکی از چیزهایی است که آبیاری می‌کند. ما یک همچو شیرزان داریم.

احتیاج دارد اسلام به اینکه فدا بدهیم برای این اسلام. از صدر اسلام تا حالا چه نفوس طیبه‌ای فدایی شدند.

خون دادید، جوان دادید لکن خون و جوان شما به نفع اسلام و برای اسلام بود. اسلام عزیزتر از آن است که ما خوف داشته باشیم که خونمان یا جوانانمان در راه او شهید شود. اسلام شهیدان زیاد داشته است. امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - شهید اسلام است و برای اسلام شهادت پیدا کرد. حسین بن علی در راه اسلام شهید شد. ما باکی از شهادت نداریم، ما باکی از کشته دادن نداریم. شما ملت ایران که با خون خود، با جوانهای خود اسلام را بیمه، دست اجانب را قطع کردید.^۱

۱. برگرفته از کتاب ایثار و شهادت در مکتب امام خمینی (رحمه الله)

۵- حرکت انقلاب و شهدادر مسیر اهداف ائمه (علیهم السلام) در بیان شهید سلیمانی

«برادرا! رزمنده ها! یادگاران جنگ! یکی از شئون عاقبت به خیری نسبت شما با جمهوری اسلامی به انقلابه. والله والله والله از مهم ترین شئون عاقبت به خیری اینه والله والله والله از مهم ترین شئون عاقبت به خیری اینه.»

بدانید که میدانید مهمترین هنر خمینی عزیز این بود که اول اسلام را به پشتوانه ایران آورد و سپس ایران را در خدمت اسلام قرار داد. اگر اسلام نبود و اگر روح اسلامی بر این ملت حاکم نبود، صدام، چون گرگ درنده‌ای این کشور را می‌درید؛ آمریکا، چون سگ هاری همین عمل را می‌کرد، اما هنر امام این بود که اسلام را به پشتوانه آورد؛ عاشورا و محرم، صفر و فاطمیه را به پشتوانه این ملت آورد. انقلاب‌هایی در انقلاب ایجاد کرد. به این دلیل در هر دوره هزاران فداکار جان خود را سپر شما و ملت ایران و خاک ایران و اسلام نموده‌اند و بزرگترین قدرت‌های مادی را ذلیل خود نموده‌اند. عزیزانم، در اصول اختلاف نکنید.

شهدا، محور عزت و کرامت همه ما هستند؛ نه برای امروز، بلکه همیشه این‌ها به دریای واسعه خداوند سبحان اتصال یافته‌اند.^۱

۱. وصیت نامه شهید سلیمانی

بخش سوم

وظایف جوانان مؤمن
انقلابی



پیش بسوی فتح خرمشهرهای پیش رو ...

اکنون که با مبانی مکتب انقلاب اسلامی و شهدا، بویژه مکتب شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی و هم‌چنین اهدافی که برخاسته از این مبانی هستند، آشنا شدیم، باید ببینیم وظیفه ما برای رسیدن به این اهداف و پاسخ به خون‌هایی که در راه اسلام و انقلاب ریخته شده، چیست؟

دیروز امام امت (رحمه‌الله) دستور فتح خرمشهر را به رزمندگان داد و شهدا از جان خود در این جهاد و دفاع مقدس گذشتند تا حرف امام بر زمین نماند. امروز خرمشهرهای ما چیست و کدام خرمشهرها باید فتح شود؟

امام حاضر چه مطالبه‌هایی از ما دارند؟ چگونه مانند شهید سلیمانی عزیز، عامل واقعی به تکالیف خود باشیم؟ برای اینکه راه سردار سلیمانی را ادامه بدهیم باید چه کنیم؟

در قدم اول بدیهی است، مبانی که در بخش اول این کتاب آمده را باید در خود ایجاد و تقویت کنیم؛ از شهدا و بویژه شهید سلیمانی الگو بگیریم،

خرم‌شهرهای خود را شناخته و برای مجاهده و مبارزه سر از پا نشناسیم. در قدم دوم به طور کامل با اهداف برآمده از آن میانی آشنا شده و آن‌ها را چشم انداز حرکت خود قرار دهیم. در قدم سوم وظایف فعلی خود را شناخته و بدانیم اکنون چه باید بکنیم؟ از این جهت در بخش سوم این کتاب اشاره ای به وظایف اکنون جوانان مومن انقلابی علاوه بر ضرورت الگو برداری از سیره شهدا، در کلام امام خامنه ای (مدظله العالی) می‌گردد که اگر شهدا الان حاضر بودند قطعاً در تحقق بخشیدن به همین وظایف برنامه‌ریزی، تلاش و مجاهده می‌کردند. پس ما هم باید تمامی تلاش خود را با توکل الهی برای عمل به وظیفه و تکالیف خود بکار ببریم، که انشالله توفیقات و عنایات الهی و اهل بیت (علیهم السلام) شامل حال ما هم بشود.

فصل اول

توصیه‌های راهبردی و مهم به جوانان

من به شما جوانها عرض می‌کنم - چون فردا مال شما جوانها است، این کشور مال شما جوانها است - که جوانها خودسازی کنند، خود را آماده کنند از لحاظ روحی، از لحاظ جسمی، از لحاظ علمی، از لحاظ توانایی‌های مدیریتی. کشور باید به دست جوانها اداره بشود. از مشورت پیران، از تجربه‌ی پیران استفاده کنند اما جوانها موتور پیشران کشور هستند. جوانها خودشان را آماده کنند - همان‌طور که عرض کردم، هم از لحاظ روحی و معنوی، هم از لحاظ اخلاقی، هم از لحاظ علمی، هم از لحاظ درس خواندن، هم از لحاظ جسمی، هم از لحاظ توانایی‌های مدیریتی، تشکیلاتی، انجمنها - آینده‌ی این کشور مال شما است، باید بتوانید [آن را] اداره کنید. این کشور را میتوانید سر قله برسانید. خداوند ان‌شاءالله شماها را حفظ کند، به شماها توفیق بدهد تا این آمادگی را ان‌شاءالله در مرحله‌ی عمل با ثبات قدم - که خیلی مهم است - نشان بدهید. این توصیه به شما جوانها.^۱

۱- معنویت و خودسازی

از خودتان مراقبت کنید. مراد من مراقبت فیزیکی نیست. مراقبت کنید در معنویت، در تهذیب نفس؛ این به شما کمک خواهد کرد. باید بتوانیم چهره‌ی مقبولی در پیشگاه الهی برای خودمان درست کنیم. شما جوانید؛ دلهاتان پاک است، روحهاشان شفاف است. دست یافتن به رتبه‌ها و مقامات

۱. دیدار مردم آذربایجان شرقی با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۳۹۷/۱۱/۲۹

معنوی و روحی در سنینی که شما هستید، شاید بشود گفت ده برابر آسانتر است برای کسی در سنین من. میتوانید توجه پیدا کنید، میتوانید توسل پیدا کنید، میتوانید با خدا انس پیدا کنید، میتوانید خودتان را از گناهان دور نگه دارید؛ یکی از خصوصیات جوان همین است. شما مثلاً جسم یک ژیمناست جوان را در حرکات گوناگونش نگاه کنید، ببینید چقدر عضلات و بندهای بدن او قابل انعطافند؛ که یک آدم مستی مثل بنده، به هیچ وجه یک صدم آن را هم نمیتواند برای خودش به وجود بیاورد. این قدرت انعطاف، یک توانایی است. عین همین، در روح وجود دارد؛ در جان انسان، در دل انسان وجود دارد. شما میتوانید خودتان را متوجه به معانی متری و متعالی معنوی کنید؛ این را برای خودتان در نظر بگیرید. توجه به نماز، اهتمام به نماز، خیلی تأثیر دارد. نماز را با توجه خواندن، اول وقت خواندن، با حضور قلب خواندن، با تمرکز خواندن، خیلی خیلی اثر دارد. انس با قرآن، خیلی خوب است. هر روزی یک مقدار قرآن بخوانید، ولو نیم صفحه؛ مواظب باشید ترک نشود. قرآن را باز کنید؛ نیم صفحه، دو آیه، با توجه بخوانید. اینها مستمرند. این، آن مراقبت از معنویت و تهذیب نفس است. بگذارید یک نخبه‌ی علمی - که ان‌شاءالله یک روزی در اوج قله‌های علم خواهد بود - آنچنان در معنویت غرق باشد که بتواند این دانش را به طور خالص و صددرصد به نفع بشریت به کار ببرد. وقتی دل شما با خدا بود، دانش شما دیگر در خدمت بمب اتم یا سلاح سمی یا شیوه‌های اقتصادی نابود کننده ثروت ملتها به کار نمیرود. امروز دانشمند اقتصادی دنیا، دانشمند اتمی دنیا، دانشمندهای گوناگون علوم زیستی در دنیا، بسیاری از فرآورده‌های علمی‌شان در هلاک بشریت، نابودی جسم بشر یا روح بشر دارد به کار میرود. علم است که میتواند ماده‌ی مخدر

کشنده‌ای مثل این موادی که امروز وجود دارد، به وجود بیاورد؛ اینها هم از راه علم به وجود آمده؛ اینها خیانت‌های بزرگ صاحبان علم است؛ به خاطر دل‌های غافل، چشم‌های حریص به پول و زندگی دنیا و مادیت، که بکلی معنویات را فراموش می‌کنند. شما وقتی مهذب بودید، دانش شما به طور صددرصد به نفع انسانها تمام می‌شود.^۱

برای اینکه بتوانید این وظائف بزرگ را انجام بدهید، بایستی دین را، تقوا را، عفت را، پاکیزگی روحی را در میان خودتان هرچه بیشتر ترویج کنید و تقویت کنید. جوان امروز احتیاج دارد به دین، به تقوا، به علم، به نشاط کار، به امانت، به عفت، به [انجام] خدمات اجتماعی و به ورزش؛ اینها خصوصیات است که جوان امروز به آن احتیاج دارد و شما عزیزان بسیجی من ان شاء الله توفیق انجام این کار را داشته باشید.^۲

شما جوان‌ها باید برای آینده، بیشترین بار این مسئولیت را بر دوش بگیرید و خودتان را بسازید؛ نگذارید دشمن با توطئه‌های تبلیغاتی، با دروغ‌پردازی، امید را از دل‌ها بزداید؛ نگذارید بین شما اختلاف ایجاد کنند؛ نگذارید بین ملت و مسئولین، ایجاد اختلاف و جدائی کنند؛ آنها این را می‌خواهند؛ آنها از این یکپارچگی می‌ترسند؛ آنها از این شعارهای مستحکم شما می‌ترسند؛ آنها از عزم و اراده‌ی جدی مسئولین می‌ترسند؛ می‌خواهند این عزم و اراده را متزلزل کنند.^۳

۱. دیدار شرکت‌کنندگان در ششمین همایش ملی نخبگان جوان با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۳۹۱/۰۷/۱۲

۲. دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج کشور با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۳۹۲/۰۸/۲۹

۳. دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۳۹۰/۰۸/۱۱

۲- علم و پژوهش

دانش، آشکارترین وسیله‌ی عزّت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دو بیست‌ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد. ما به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی‌کنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه‌ی دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم. بحمدالله استعداد علم و تحقیق در مملّت ما از متوسطّ جهان بالاتر است. اکنون نزدیک به دو دهه است که رستاخیز علمی در کشور آغاز شده و با سرعتی که برای ناظران جهانی غافلگیرکننده بود - یعنی یازده برابر شتاب رشد متوسطّ علم در جهان - به پیش رفته است. دستاوردهای دانش و فنّآوری ما در این مملّت که ما را به رتبه شانزدهم در میان بیش از دو بیست کشور جهان رسانید و مایه‌ی شگفتی ناظران جهانی شد و در برخی از رشته‌های حسّاس و نوپدید به رتبه‌های نخستین ارتقاء داد، همه و همه در حالی اتّفاق افتاده که کشور دچار تحریم مالی و تحریم علمی بوده است. ما با وجود شنا در جهت مخالف جریان دشمن ساز، به رکوردهای بزرگ دست‌یافته‌ایم و این نعمت بزرگی است که به خاطر آن باید روز و شب خدا را سپاس گفت.

اما آنچه من می‌خواهم بگویم این است که این راه طی شده، با همه‌ی اهمیتش فقط یک آغاز بوده است و نه بیشتر. ما هنوز از قلّه‌های دانش جهان بسیار عقبیم؛ باید به قلّه‌ها دست‌یابیم. باید از مرزهای کنونی دانش در مهم‌ترین رشته‌ها عبور کنیم. ما از این مرحله هنوز بسیار عقبیم؛ ما از صفر

شروع کرده‌ایم. عقب‌ماندگی شرم‌آور علمی در دوران پهلوی‌ها و قاجارها در هنگامی که مسابقه‌ی علمی دنیا تازه شروع شده بود، ضربه سختی بر ما وارد کرده و ما را از این کاروان شتابان، فرسنگ‌ها عقب نگاه داشته بود. ما اکنون حرکت را آغاز کرده و با شتاب پیش می‌رویم ولی این شتاب باید سال‌ها با شدت بالا ادامه یابد تا آن عقب‌افتادگی جبران شود. این جانب همواره به دانشگاه‌ها و دانشگاهیان و مراکز پژوهش و پژوهندگان، گرم و قاطع و جدی در این باره تذکر و هشدار و فراخوان داده‌ام، ولی اینک مطالبه‌ی عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید. سنگ بنای یک انقلاب علمی در کشور گذاشته شده و این انقلاب، شهیدانی از قبیل شهدای هسته‌ای نیز داده است. به‌پاخیزید و دشمن بدخواه و کینه‌توز را که از جهاد علمی شما به شدت بیمناک است ناکام سازید.^۱

۳- افزایش آگاهی و بصیرت

من کلاً به جوان‌ها و بخصوص به دانشجویان و طلاب توصیه می‌کنم که آگاهی‌های خودشان را افزایش دهند. بسیاری از این کج‌روی‌هایی که شما ملاحظه می‌کنید، ناشی از کمبود آگاهی است. نسل امروز به‌ویژه نسل جوان ما باید از تاریخ کشورش اطلاع داشته باشد؛ بخصوص از زمان مشروطیت به این طرف را بدانند. شما در هر رشته‌ای که تحصیل می‌کنید، چون جزو نخبگان جامعه هستید بعد از این هم إن شاء الله جزو نخبگان برتر خواهید بود باید بدانید که کشور شما در چه موقعیتی قرار داشته و دارد. شما باید بخصوص تاریخ رژیم گذشته را بدانید. نسل امروز ما درست نمی‌داند که

انقلاب اسلامی چگونه این کشور را از چنگال آن رژیم خلاص کرده است.^۱ اگر آن روزبه مردم قم در نوزدهم دی یا به مردم تبریز در بیست ونهم بهمن می گفتند که این حرکت شما به يك انقلاب عظیمی منتهی می شود، کسی باور نمی کرد؛ اما شد. این نشان دهنده‌ی این است که اگر ملتی همت کند، پا در صحنه بگذارد، عقب نشینی نکند، کوه‌ها را می تواند جابه‌جا کند، معجزاتی می تواند به وجود بیاورد و این معجزه به وقوع پیوست. عزیزان من، جوان‌ها! فکر کنید، مطالعه کنید بر روی حادثه‌ی پدید آمدن انقلاب. شبیه‌ترین حادثه به معجزات انبیا، این حادثه‌ی پیروزی انقلاب بود.^۲ یکی از چیزهایی که ما امروز خیلی احتیاج داریم، برنامه‌های مطالعاتی برای قشرهای مختلف است. بارها اتفاق می افتد که جوان‌ها را، نوجوان‌ها را به کتاب‌خوانی تشویق می کنیم؛ مراجعه می کنند، می‌گویند آقا چه بخوانیم؟ این سؤال يك جواب ندارد؛ احتمالاً جواب‌های متعددی دارد. مجموعه‌ی متصدیان امر کتاب- چه در وزارت ارشاد، چه در مجموعه‌ی کتابخانه‌ها - روی این مسئله باید کار جدی بکنند؛ در بخش‌های مختلف، برای قشرهای مختلف، به شکل‌های مختلف، با تنوع متناسب، سیر مطالعاتی درست کنند؛ اول این کتاب، بعد این کتاب، بعد این کتاب. وقتی که جوان، نوجوان، یا کسی که تاکنون با کتاب انس زیادی نداشته است، وارد شد، حرکت کرد، راه افتاد، غالباً مسیر خودش را پیدا خواهد کرد. این هم يك نکته است.^۳

چرا با اینکه در نهضت ملی هم مردم حضور داشتند- البته نه مثل انقلاب تا

۱. جلسه‌ی پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۳۷۹ / ۱۲ / ۲۲

۲. دیدار مردم آذربایجان به مناسبت قیام بیست و نهم بهمن مردم تبریز با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۳۸۰ / ۱۱ / ۲۸

۱۳۹۲

۳. دیدار مسئولان کتابخانه‌ها و کتابداران با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۳۹۰ / ۰۴ / ۲۹

حدود زیادی مردم بودند- با آن درخواست حداقّلی، قادر نشد بماند اما انقلاب اسلامی با آن درخواست حداکثری استقلال ماند؟ چرا نهضت مشروطیت با آن درخواست حداقّلی محدود شدن قدرت مطلقه نتوانست و طاقت نیاورد بماند اما انقلاب اسلامی با این درخواست حداکثری و مطالبه حداکثری که ریشه کنی سلطنت و رژیم پادشاهی در کشور بود آمد، موفق شد و ماند؟ اینها تحلیل لازم دارد. تحلیل را شما جوان‌ها بروید بکنید، برای من روشن است: جوان‌ها بروند تحلیل کنند، بنشینند، فکر کنند و ببینند که اینجا چه چیزی نقش آفرینی کرد؟ کدام عنصر تأثیر گذاشت که آن نهضت‌ها نتواند باقی بماند و نتواند به نتایج نهایی خودش برسد اما این انقلاب توانست قدرتمندانه بایستد؟ علت چه بود؟ اینها را بنشینند جوان‌های ما تحلیل کنند. اگر ما بتوانیم تحلیل درستی از این حوادث پیدا کنیم، آن وقت دیگر این بذر ترس و رعب و ناامیدی که بعضی در دل مردم می‌باشند بکلی خواهد پوسید و از بین خواهد رفت؛ [اگر] بتوانیم درست بفهمیم، راه آینده‌ی این کشور کاملاً روشن خواهد شد. باقی ماندن، ماندگاری، طاقت آوردن برای يك حادثه‌ی اجتماعی، خیلی عنصر مهمی است. خب بله حوادثی در دنیا رخ می‌دهد که گاهی خیلی هم بزرگ [است] اما زایلش می‌کنند، دشمن بر آن تسلط پیدا می‌کند و آن را از بین می‌برد؛ اینکه يك انقلاب بتواند بماند خیلی مهم است. البته اینها بحث‌های طولانی لازم دارد و جوان‌ها باید یک قدری بروند مطالعه کنند.^۱ برای اینکه ما بتوانیم به... آینده‌های مطلوب برسیم، احتیاج به نسل جوان باهمت پُرانگیزه‌ی مؤمن تلاشگرِ کاردانِ راه‌بلد داریم. یکی از شرایط اصلی اش مؤمن بودن و متقی بودن است؛ اینکه می‌گوییم تشکل‌های

۱. دیدار اقدار مختلف مردم قم به مناسبت قیام نوزدهم دی با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۹/۱۰/۱۳۹۴

اسلامی و محیط‌های دانشجویی، معارف و معرفت اسلامی را در خودشان عمق ببخشند، برای این است که بتوانند این بار سنگین را بر دوش بگیرند و به منزل برسانند؛ و الا نمی‌شود. این نکته و حرف اصلی ما با مجموعه‌های دانشجویی است.^۱

در خودتان بصیرت ایجاد کنید. قدرت تحلیل در خودتان ایجاد کنید؛ قدرتی که بتوانید از واقعیت‌های جامعه یک جمع‌بندی ذهنی برای خودتان به وجود آورید و چیزی را بشناسید. این قدرت تحلیل خیلی مهم است. هر ضربه‌ای که در طول تاریخ ما مسلمانان خوردیم، از ضعف قدرت تحلیل بود. در صدر اسلام هم ضرباتی که خوردیم، همین‌طور بوده است. در دوره‌های گوناگون دیگر هم همین‌طور است. نگذارید که دشمن از بی‌بصیرتی و ناآگاهی ما استفاده کند و واقعیتی را واژگونه در چشمان جلوه دهد.^۲

۴- لزوم کار تشکیلاتی

تشکیلات...؛ یعنی آن سازمان‌دهی نیروها برای اداره‌ی این کشور و به کار گرفتن امکانات کشور برای رسیدن به آن هدف‌ها است.^۳ طبیعی است که اساس کار، تشکیلات است. شکی نیست که تا تشکیلاتی نباشد، هیچ چیزی بر اساس آن نمی‌شود بنا کرد.^۴

وقتی تشکیلات هست، وقتی منظم است، انسان‌ها در درون تشکیلات تربیت می‌شوند و عنصرهای کارآمد و فهیم به وجود می‌آیند؛ در حالت

۱. دیدار دانشجویان نمونه و نمایندگان تشکل‌های مختلف دانشجویی با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۲۵/۰۷/

۱۳۸۵

۲. جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۳/۱۱/۱۳۷۷

۳. خطبه‌های نمازجمعه تهران ۰۸/۰۲/۱۳۶۸

۴. دیدار اعضای شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام) با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۰۴/۰۷/۱۳۷۰

گسیختگی سازمانی، این خصوصیت به دست نخواهد آمد. علاوه بر تربیت درونی، تربیت بیرونی هم هست. ... بنابراین تربیت انسان‌ها و رشد دادن عناصر مستعد، از جمله‌ی دیگر خصوصیات این‌ها است.^۱ تشکّل‌ها می‌توانند مصونیت‌بخش باشند؛ می‌توانند دانشجو را از افتادن در گرداب‌های مختلف و منجّلاب‌های مختلف نجات بدهند و حفظ کنند. این، نقشی است که تشکّل‌ها می‌توانند ایفاء کنند.^۲ وقتی پراکندگی بود، پریشانی به وجود می‌آید، خیلی از کارها هدر می‌رود، اما وقتی سازمان بود، مجموعه بود، تشکیلات بود، نظم و انضباط برقرار بود، مثل جدول کشی در زیر یک سدّ پُر از آب است که اگر درست انجام بگیرد، یک قطره آب هدر نخواهد رفت و همه به محلّ موردنیاز می‌رسد.^۳

اصول و ارزش‌های عقیدتی و معنوی خودتان را در قالب تشکیلات حفظ و بر صمیمیت و همدلی بین اعضا تأکید کنید.^۴

۵- اقتصاد

اقتصاد یک نقطه‌ی کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه‌ی قوت و عامل مهمّ سلطه‌نابذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه‌ی ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر، اثر می‌گذارد. اقتصاد البتّه هدف جامعه‌ی اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدف‌ها رسید. تأکید بر تقویت اقتصاد مستقل کشور که مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت و توزیع

۱. دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۲۵/۰۶/۱۳۹۴

۲. دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۲۴/۰۹/۱۳۸۷

۳. دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۲۵/۰۶/۱۳۹۴

۴. پیام شفاهی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به تشکّل‌های دانشجویی انقلابی ۲۳/۱۱/۱۳۹۲

عدالت محور و مصرف به اندازه و بی اسراف و مناسبات مدیریتی خردمندانه است و در سال‌های اخیر از سوی این جانب بارها تکرار و بر آن تأکید شده، به خاطر همین تأثیر شگرفی است که اقتصاد می‌تواند بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد.

انقلاب اسلامی راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد، ولی عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخت. چالش بیرونی تحریم و وسوسه‌های دشمن است که در صورت اصلاح مشکل درونی، کم‌اثر و حتی بی‌اثر خواهد شد. چالش درونی عبارت از عیوب ساختاری و ضعف‌های مدیریتی است.

مهم‌ترین عیوب، وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخش‌هایی از اقتصاد که در حیطه‌ی وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده‌ی اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن و سرانجام عدم ثبات سیاست‌های اجرائی اقتصاد و عدم رعایت اولویت‌ها و وجود هزینه‌های زائد و حتی مسرفانه در بخش‌هایی از دستگاه‌های حکومتی است. نتیجه‌ی اینها مشکلات زندگی مردم از قبیل بی‌کاری جوان‌ها، فقر درآمدی در طبقه‌ی ضعیف و امثال آن است.

راه حل این مشکلات، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه‌های اجرائی برای همه‌ی بخش‌های آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولت‌ها پیگیری و اقدام شود. درون‌زایی اقتصاد کشور، مولد شدن و دانش‌بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدّی‌گری نکردن دولت، برون‌گرایی با استفاده از ظرفیت‌هایی که قبلاً به آن اشاره شد، بخش‌های مهم این راه‌حل‌ها است. بی‌گمان یک مجموعه‌ی جوان و دانا و

مؤمن و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست به این مقاصد برسند. دوران پیش‌رو باید میدان فعالیت چنین مجموعه‌ای باشد. جوانان عزیز در سراسر کشور بدانند که همه‌ی راه‌حل‌ها در داخل کشور است. اینکه کسی گمان کند که مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است و علت تحریم هم مقاومت ضد استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است؛ پس راه‌حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه‌ی گرگ است خطایی نابخشودنی است. این تحلیل سراپا غلط، هرچند گاه از زبان و قلم برخی غفلت زدگان داخلی صادر می‌شود، اما منشأ آن، کانون‌های فکر و توطئه‌ی خارجی است که با صد زبان به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران و افکار عمومی داخلی القاء می‌شود.^۱

۶- عدالت و مبارزه با فساد

این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده‌ی چرکین کشورها و نظام‌ها و اگر در بدنه‌ی حکومت‌ها عارض شود، زلزله‌ی ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنها است؛ و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنایی‌تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظام‌ها است. وسوسه‌ی مال و مقام و ریاست، حتی در علوی‌ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) کسانی را لغزانند، پس خطر بروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه‌ی زهد انقلابی و ساده زیستی می‌دادند، هرگز بعید نبوده و نیست؛ و این ایجاب می‌کند که دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در

قوای سه‌گانه حضور دائم داشته باشد و به معنای واقعی با فساد مبارزه کند، به‌ویژه در درون دستگاه‌های حکومتی.

البته نسبت فساد در میان کارگزاران حکومت جمهوری اسلامی در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر و بخصوص با رژیم طاغوت که سرتاپا فساد و فساد پرور بود، بسی کمتر است و بحمدالله مأموران این نظام غالباً سلامت خود را نگاه داشته‌اند، ولی حتی آنچه هست غیرقابل قبول است. همه باید بدانند که طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه‌ی مقامات حکومت جمهوری اسلامی است. همه باید از شیطان حرص بر حذر باشند و از لقمه‌ی حرام بگریزند و از خداوند در این باره کمک بخواهند و دستگاه‌های نظارتی و دولتی باید با قاطعیت و حساسیت، از تشکیل نطفه‌ی فساد پیشگیری و با رشد آن مبارزه کنند. این مبارزه نیازمند انسان‌هایی با ایمان و جهادگر و منبع الطبیع با دستانی پاک و دل‌هایی نورانی است. این مبارزه بخش اثرگذاری است از تلاش همه‌جانبه‌ای که نظام جمهوری اسلامی باید در راه استقرار عدالت به کاربرد. عدالت در صدر هدف‌های اولیّه‌ی همه‌ی بعثت‌های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است؛ این، کلمه‌ای مقدّس در همه‌ی زمان‌ها و سرزمین‌ها است و به‌صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولی‌عصر (ارواح‌فداه) میسر نخواهد شد ولی به‌صورت نسبی، همه‌جا و همه‌وقت ممکن و فریضه‌ای بر عهده‌ی همه به‌ویژه حاکمان و قدرتمندان است. جمهوری اسلامی ایران در این راه گام‌های بلندی برداشته است که قبلاً بدان اشاره‌ای کوتاه رفت؛ و البته در توضیح و تشریح آن باید کارهای بیشتری صورت گیرد و توطئه‌ی واژگونه‌نمایی و لااقل سکوت و پنهان‌سازی که اکنون برنامه‌ی جدی دشمنان انقلاب است، خنثی گردد.

با این همه این جانب به جوانان عزیزی که آینده‌ی کشور، چشم‌انتظار آنهاست صریحاً می‌گویم آنچه تاکنون شده با آنچه باید می‌شده و بشود، دارای فاصله‌ای ژرف است. در جمهوری اسلامی، دل‌های مسئولان به‌طور دائم باید برای رفع محرومیت‌ها بتپد و از شکاف‌های عمیق طبقاتی به شدت بیمناک باشد. در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه‌تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز هست، اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه‌خواری و مدارا با فریب‌گران اقتصادی که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد، به شدت ممنوع است؛ همچنین غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، به هیچ‌رو مورد قبول نیست. این سخنان در قالب سیاست‌ها و قوانین، بارها تکرار شده است ولی برای اجرای شایسته‌ی آن چشم امید به شما جوان‌ها است؛ و اگر زمام‌اداره‌ی بخش‌های گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کارداران - که بحمدالله کم نیستند - سپرده شود، این امید برآورده خواهد شد؛ ان‌شاءالله.^۱

۷- سبک زندگی

تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوان‌ها است.^۲

۸- لزوم شناخت هویت و هدف

می‌دانید از نظر من مهم‌ترین نیاز جوان چیست؟ نیاز عمده‌ی جوان، هویت است؛ باید هویت و هدف خودش را بشناسد؛ باید بداند کیست و برای چه

۱. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ۱۳۹۷/۱۱/۲۲

۲. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ۱۳۹۷/۱۱/۲۲

می‌خواهد کار و تلاش کند. دشمن می‌خواهد هویت جوان ایرانی را از او بگیرد؛ اهداف را از بین ببرد؛ افق‌ها را تیره کند؛ به او بگوید تو یک موجود حقیر و محدود هستی؛ پیش من بیا تا تو را زیر بال بگیرم. معلوم است؛ کشور ثروتمند ایران و منطقه‌ی بسیار مهم و راهبردی ما و تأثیرات فراوانی که این ملت از همه سو می‌تواند بگذارد، همه از طریق تحقیر شخصیت جوان‌ها، در مشت دشمن می‌آید. امروز برنامه‌ی دشمن نسبت به شما جوان‌ها این است؛ خیلی باید بیدار باشید. این حرف‌ها را به شما نمی‌زنم تا معنایش این باشد که مسئولان کشور در قبال نسل جوان مسئولیتی ندارند؛ چرا، آن را قبلاً گفتم؛ آن‌ها هم مسئول‌اند؛ مسئولیت‌های آن‌ها به جای خود؛ اما شما هم مسئولید.^۱

۹- توجه به حجیت کلام امام (ره)

سفارش من به جوان‌ها این است که با چشم باز نگاه کنید، با بصیرت نگاه کنید، هر حرفی را از هر گوینده‌ای نپذیرید. مبدأ حرکت و مبدأ انقلاب، امام بزرگوار است، حرف او را حجت بدانید؛ نگاه کنید ببینید امام چه می‌گفت. نگویند اگر امام هم امروز بود، این جوری عمل می‌کرد؛ نخیر، این غلط است؛ ما سال‌های متمادی با امام بودیم و امام را بهتر از آنها می‌شناسیم. امام اگر امروز بود، همان فریاد ابراهیمی، همان فریاد بت‌شکن را امروز هم می‌زد؛ همان فریادی که ملت را بیدار کرد و به انقلاب رساند^۲

من آنچه نیاز امروز می‌دانم، ایستادگی بر اصول انقلاب در درجه‌ی اول است. اصول انقلاب هم همان چیزهایی است که در وصیت‌نامه‌ی امام و در بیانات امام وجود دارد؛ اینها پایه‌های انقلاب و ستون‌های انقلاب است. به

۱. دیدار جوانان و فرهنگیان در مصالای رشت با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۲/۰۲/۱۳۸۰

۲. دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۲/۰۸/۱۳۹۵

جوان‌ها توصیه می‌کنم وصیت‌نامه‌ی امام را بخوانید؛ شما امام را ندیده‌اید اما امام مجسم در همین وصیت‌نامه است؛ مجسم در همین بیانات و گفتارها است. محتوای آن امامی که توانست دنیا را تکان بدهد، همین چیزهایی است که در این وصیت‌نامه و مانند اینها هست؛ نمی‌شود امام را تأویل کرد، نمی‌شود امام را برخلاف آنچه بود معنا کرد، حرف‌های او موجود است. پافشاری بر اصول انقلاب [لازم است].^۱

۱۰- صبر، ثبات و ایستادگی

جوانان ما هم باید از کار خسته نشوند، از ابتکار خسته نشوند، از بعضی از قدرشناسی‌ها دلسرد نشوند. بعضی جوان‌ها به ما شکایت می‌کنند که «ما این کار را کردیم یا می‌توانستیم بکنیم یا می‌توانیم بکنیم؛ [اما] به ما اعتنائی نمی‌شود»؛ خیلی خب، دلسرد نباید بشوند؛ باید دنبال کنند کار را، ابتکار را؛ مسئول هم وظیفه دارد، خود جوان هم وظیفه دارد؛ این یکی از موانع [است].^۲ موانعی در این راه وجود دارد، دشمن به‌طور کامل در مقابل ما فعال است. ما باید در مقابله‌ی با موانع، این راه را طی کنیم؛ این [کار] شرایطی دارد. گام اول برای اینکه بتوانیم این راه را درست طی بکنیم، این است که وجود و حضور دشمن را حس کنیم... تا انسان نداند که دشمن در مقابل او است، برای خود جرز و حفاظ و سنگر به وجود نمی‌آورد و سلاح لازم را در دست نمی‌گیرد.

گام دوم، اعتماد به نفس و عزم بر ایستادگی است. آدم‌های بی‌روحیه،

۱. دیدار مردم اصفهان با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۳۹۵/۰۸/۲۶

۲. دیدار زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۳۹۷/۰۱/۰۱

مردّد، ترسو، فرصت طلب، خودکم‌بین، در این میدان هیچ هنری نمی‌توانند نشان بدهند، اگر مانع برای دیگران درست نکنند. خودشان که هیچ کاری نمی‌توانند بکنند، گاهی مانع هم در مقابل دیگران به وجود می‌آورند؛ مایوس‌اند، دیگران را هم مایوس می‌کنند؛ تنبل‌اند، دیگران را هم وادار به تنبلی می‌کنند... جوان‌های ما در همه‌ی آن جهادهایی که قبلاً اسم آوردیم و گفتم، به این بلیه مبتلا نبودند؛ اعتماد به نفس داشتند، شجاعت داشتند، تردید نداشتند، بزدل و ترسو نبودند؛ که اگر بودند، کارها پیش نمی‌رفت. گام سوّم، شناخت حوزه و عرصه‌ی تهاجم است. جنگ ما با دشمن و تهاجم دشمن به ما در کجا است؟ این را باید درست تشخیص بدهیم. باید تهدید دشمن را درست فهم کنیم، اندازه‌ی آن را بشناسیم و معلوم بشود عرصه‌ی تهاجم کجا است... باید بدانید دشمن از کجا حمله می‌کند. همه‌ی نظام، همه‌ی کشور، همه‌ی مردم باید درک درستی از عرصه‌ی نبرد دشمنان داشته باشند.^۱ ما پیشرفت زیادی کرده‌ایم؛ منتها اگر از من بپرسید که آیا به این حد قانعم، پاسخ من این است: ابدأً. ما هنوز راه زیادی داریم؛ هم به عدالت اجتماعی‌ای که اسلام از ما خواسته است و اسلام در این خصوص بسیار سخت‌گیر است هم به آن سطحی از آزادی که ملت ایران مستحق و شایسته آن است، هنوز نرسیده‌ایم. ما هنوز کار داریم؛ این راه، راهی طولانی است. اینکه من بارها به جوان‌ها می‌گویم خودتان را آماده کنید، برای همین است. شما باید این راه را طی کنید. این راه هم راهی است که در هر کیلومترش تابلوی توقّف ممنوع نصب شده است؛ لذا در این راه نباید توقّف کرد. سربازان عدالت اجتماعی باید خستگی ناپذیر باشند. کسانی که در این راه‌های طولانی و آرمان‌های

۱. همایش ده‌ها هزار نفری خدمت بسیجیان در ورزشگاه آزادی ۱۳۹۷/۰۷/۱۲

بزرگ حرکت می‌کنند، باید خستگی حس نکنند.^۱

۱۱- حفظ روحیه انقلابی‌گری

بگذارید من چند جمله حالا اینجا به شما جوان‌ها بگویم؛ عزیزترین کسان ما شما هستید دیگر؛ شما مثل بچه‌های من هستید، فرزندان ما هستید، جوان‌های ما هستید، امیدهای ما هستید، آینده‌ی ما دست شما است، آینده‌ی این کشور دست شما است. ما که می‌رویم؛ شما باید که هستید، شما هستید که این کشور را باید اداره کنید. چند جمله به شما عرض بکنم. عزیزان من! خودتان را برای آینده آماده کنید؛ خودتان را برای اداره‌ی این کشور آماده کنید. علاج مشکلات این کشور- چه مشکلاتی که امروز داریم، چه مشکلاتی که بعدها خواهیم داشت، چه مشکلاتی که هر کشوری و هر ملتی دارد؛ بالاخره هیچ کشوری که بدون مشکل نیست- و حلّ این مشکلات، درگرو جوشیدن اراده و استقامت از درون ملت است؛ از درون ملت بایستی اراده، استقامت، عزم راسخ، ایستادگی بجوشد؛ چشم‌ها، باز؛ روحیه‌ها با توکل به خدا و اعتماد به نفس، قوی. اگر به خدا توکل داشته باشیم و به خودمان اعتماد کنیم، روحیه‌هایمان قوی خواهد بود؛ هم در زمینه‌ی علمی، هم در زمینه‌ی مدیریتی، هم در زمینه‌ی اداری. آنچه من بر روی آن تکیه می‌کنم روحیه‌ی انقلابی‌گری است؛ این روحیه را باید حفظ کنید. معنای روحیه‌ی انقلابی چیست؟ معنایش این است که یک انسان انقلابی، شجاعت دارد، اهل اقدام است، اهل عمل است، ابتکار می‌ورزد، بن‌بست‌شکنی می‌کند، گره‌گشایی می‌کند؛ از چیزی نمی‌ترسد، به آینده امیدوار است، به امید خدا به سمت آینده‌ی روشن حرکت می‌کند؛ انقلابی‌گری یعنی این؛ این [فرد] انقلابی است؛

۱. دیدار دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۳۷۹/۱۲/۲۲

این روحیه‌ی انقلابی را باید حفظ کرد.^۱

باید متوجه توطئه‌های دشمن بود. باید مراقب بود انقلاب‌های مردم را از آنها نربایند، راه‌ها را منحرف نکنند. از تجربه‌های دیگران استفاده کنید. دشمن کارهای زیادی می‌کند برای اینکه انقلاب‌ها را منحرف کند، برای اینکه حرکت‌ها را خنثی کند، برای اینکه مجاهدت‌ها و خون‌های ریخته‌شده را ناکام کند؛ باید مراقب بود، باید هوشیار بود. شما جوان‌ها موتور این حرکت‌ها هستید؛ هوشیار باشید، متوجه باشید.^۲

کشور به شما احتیاج دارد؛ کشور به این میلیون‌ها دانش‌آموز و دانشجویی که امروز ما در کشور داریم احتیاج مبرم دارد. ما به جوان مؤمن، وفادار، امیدوار، با نشاط، فعال، با ابتکار احتیاج داریم، کشور احتیاج دارد، آینده‌ی کشور احتیاج دارد. درست است که سی‌وهفت سال از عمر جمهوری اسلامی گذشته است و دشمن در این سی‌وهفت سال با همه‌ی تلاش‌ها هیچ غلطی نتوانسته بکند؛ این درست است اما، دشمن نتوان حقیر و بیچاره شمرد،^۳ برنامه‌های دراز مدت دارند. همین‌طور که ما می‌گوییم پنجاه سال دیگر- [مثلاً] من سه چهار سال قبل از این گفتم،^۴ که برنامه‌ی ما برای پنجاه سال دیگر در زمینه‌ی علمی این است- یعنی ما برای پنجاه سال آینده فکر می‌کنیم، او هم برای پنجاه سال آینده فکر می‌کند؛ او هم درصدد است، در فکر است که تداوم این حرکت را- که این حرکت در ایران منحصر نماند، محصور نماند، تداوم پیدا کرد و

۱. دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۲/۰۸/۱۳۹۵

۲. دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی جوانان و بیداری اسلامی با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۰/۱۱/۱۳۹۰

۳. سعدی. گلستان، باب اول

۴. اشاره به دیدار شرکت‌کنندگان در هفتمین همایش ملی نخبگان جوان با معظّم له ۱۷/۰۷/۱۳۹۲

در جاهای مختلف و به شکل‌های مختلف گسترش پیدا کرد- درهم بشکنند؛ ما بایستی نگذاریم؛ چه کسی باید نگذارد؟ شما؛ شما جوان‌ها؛ فردا مال شما است. هم خودتان را به معنای واقعی کلمه بسازید، هم ثابت قدم بمانید.^۱

۱۲- ایفای نقش در پیشرفت علمی کشور

اگر فرض کنیم که رفع دشمنی ممکن باشد، فقط با اقتدار و عزت و استقلال ایران ممکن است؛ نه با ذلت، نه با احتیاج. اگر ایران اسلامی به همت شما جوان‌ها و به همت این نسل رو به رشد امروز، مدارج علمی را طی کند و از لحاظ صنعت و صنعت برتر، فناوری و فناوری برتر و علمی که امروز مورد نیاز است، بتواند سهم وافری را به خودش اختصاص دهد که نتوانند به او زور بگویند؛ بتواند قدرت نظامی خودش و پایه‌های اقتصادی کشور را مستحکم کند، بتواند این محرومیت‌ها را برطرف کند، بتواند از منابع سرشار و غنی این کشور در همه‌جا بهره‌برداری کند، بتواند معرفت سیاسی را در آحاد مردم بالا ببرد، آن وقت ممکن است دشمنی آن‌ها کم شود. بنابراین اگر ممکن باشد، آن روز ممکن خواهد بود.^۲

شماها نخبگان عزیز، چه شما که اینجا حضور دارید، چه نخبگان بی‌شماری که بحمدالله در سرتاسر کشور هستند و به هر دلیلی حالا در این جلسه حضور ندارند، در هر رشته‌ای که تحصیل می‌کنید و تحقیق می‌کنید و کار می‌کنید- چه علوم انسانی، چه علوم فنی، چه علوم پایه، چه علوم پزشکی و علوم مربوط به سلامت و هر بخش دیگری که مشغول کار هستید- همه‌تان در واقع مهندسان پیشرفت آینده‌ی کشورید؛ شما هستید که دارید آینده‌ی

۱. دیدار اعضای انجمنهای اسلامی دانش‌آموزان سراسر کشور با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۳۹۵/۰۲/۰۱

۲. دیدار گروه کثیری از جوانان استان اردبیل با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۳۷۹/۰۵/۰۵

کشورتان و آینده‌ی ایران عزیز را طراح‌ی می‌کنید و ان‌شاءالله اگر با عزم جزم و همت والا و عمل‌پیکر این را دنبال بکنید، به نتیجه خواهید رساند و ایران آینده را شماها خواهید ساخت. نکته‌ای که من می‌توانم به شما عرض بکنم این است که بدانید: سیاست پیشرفت علمی با شتاب بالا یک سیاست بنیادی برای نظام است؛ مجموعه‌ی مغز متفکر دستگاه کشور به این نتیجه رسیده است که گذر از دشواری‌ها، عبور از خطرگاه‌ها و لغزشگاه‌ها در ایران اسلامی، اگر به دو سه رکن و مقدمه نیاز داشته باشد، یکی، پیشرفت علمی است؛ این یک سیاست بنیادی است، از حدود ده دوازده سال پیش این سیاست دارد دنبال می‌شود؛ دولت‌های مختلف، مسئولان گوناگون، عناصر ذی‌ربط، خود جوان‌ها و نخبه‌ها، در این زمینه‌ها کارکردند، تلاش کردند و بحمدالله امروز محصول کار را که انسان نگاه می‌کند، امیدوار می‌شود.^۱

۱۳- احساس مسئولیت و ایجاد حرکت‌های آتش به اختیار

جوان یک کشور اگر بخواهد مثل موتور پیش‌برنده‌ای آن ملت را پیش ببرد، احتیاج دارد به اینکه سرحال، بانشاط، تندرست، قوی و دل‌بسته‌ی به کار و پیشرفت باشد.^۲

همان‌طور که شما می‌گویید، در سال‌های آینده و در همه دوره‌های عمر شما جوانان - که ان‌شاءالله طولانی باد و طولانی خواهد بود - با بسیاری از مسائل مواجه خواهید شد. هر انسان زنده‌ای طبعاً با مسائل فراوانی مواجه می‌شود. حالا آیا این مسائلی که در سال‌های آینده وجود خواهد داشت، دشوارتر از مسائلی خواهد بود که ما آن را فرضاً در دهه‌های گذشته تجربه

۱. دیدار شرکت‌کنندگان در هفتمین همایش ملی نخبگان جوان با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۷/۰۷/۱۳۹۲

۲. مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (رحمة الله علیه) ۱۴/۳/۱۳۸۷

کردیم، یا آسان‌تر خواهد بود؛ این هم قابل تشخیص نیست؛ یعنی نمی‌شود الآن گفت که مسائل آینده ما دشوارتر خواهد بود از آنچه که در گذشته داشتیم؛ نخیر، ما این را نمی‌توانیم یقیناً بگوییم - ممکن است باشد، ممکن است نباشد - اما آن که من می‌توانم به شما جوانان سفارش کنم، این است که جوان اولاً باید احساس مسئولیت کند؛ یعنی واقعاً خودش را مسئول بداند و بخواهد که زندگی را با پای خودش پیش ببرد و حرکت کند و مثل پر کاهی در امواج حوادث نباشد. ثانیاً بایمان حرکت کند - ایمان نقش بسیار مهمی در پیشرفت در همه میدان‌ها و نیز پیروزی بر همه موانع دارد - ثالثاً بصیرت و آگاهی داشته باشد. اگر جوانان این سه خصوصیت را در خودشان تأمین کنند - که البته کار چندان آسانی نیست؛ اما بسیار ممکن هست - من خیال می‌کنم که هر وضعی دنیا پیدا کند - ارتباطات پیشرفت کند، تمدن‌های گوناگون به عرصه بازار تمدن‌ها در دنیا پا بگذارند، قدرت بزرگی در دنیا از بین برود، قدرت جدیدی به وجود آید؛ ایران چالش‌های گوناگونی در مسائل اقتصادی و سیاسی و غیره با دیگران داشته باشد، نداشته باشد - در همه زمینه‌ها شما می‌توانید موفقیت خودتان را تضمین کنید. سعی کنید این سه خصوصیتی را که من گفتم، در خودتان به وجود آورید. ببینید؛ من که می‌گویم سعی کنید به وجود آورید، اعتقاد این است که سعی‌ها یک اندازه نیست، یک اندازه هم موفق نیست؛ اما اعتقاد دیگرم این است که هرکسی سعی کند، بالاخره توفیقی خواهد داشت.

آن احساس مسئولیتی که من می‌گویم، در مقابل حالت وِلش قرار دارد. بعضی از جوانان هستند که اگر گفته شود این کار را بکن، می‌گویند وِلش! مثلاً امتحانات درسی یا قضیه دیگری در پیش است، می‌گویند وِلش! این وِلش

بدترین بلا برای جوانان است. احساس مسئولیت، یعنی رها کردن این حالت وِیش ایمان هم یعنی این که انسان واقعاً مؤمنانه وارد میدان شود. سعی کنید ایمانتان را قوی کنید. الحمدلله همه شما دل‌هایتان پاک و صاف است و ایمان‌ها در دل‌هایتان می‌درخشد - انسان می‌تواند این را حس کند - درعین حال بکوشید آن را عمیق کنید تا با هر حادثه‌ای متزلزل نشود. با مطالعات خوب، با استفاده از انسان‌های والا و استاد‌های خوب، آن را تقویت کنید.^۱

من به همه‌ی آن هسته‌های فکری و عملی جهادی، فکری، فرهنگی در سرتاسر کشور مرتباً می‌گویم: هرکدام کار کنید؛ مستقل و به‌قول میدان جنگ، آتش‌به‌اختیار. البته در جنگ، قرارگاه مرکزی وجود دارد که دستور می‌دهد، اما اگر چنانچه رابطه‌ی قرارگاه قطع شد یا قرارگاه عیبی پیدا کرد، اینجا فرمانده دستور آتش‌به‌اختیار می‌دهد. خب شما افسرهای جنگ نرمید - قرار شد شما افسران جوان جنگ نرم باشید - آنجایی که احساس می‌کنید دستگاه مرکزی اختلالی دارد و نمی‌تواند درست مدیریت کند، آنجا آتش‌به‌اختیارید؛ یعنی باید خودتان تصمیم بگیرید، فکر کنید، پیدا کنید، حرکت کنید، اقدام کنید.

گاهی اوقات انسان احساس می‌کند دستگاه‌های مرکزی فکر و فرهنگ و سیاست و مانند اینها دچار اختلال‌اند، دچار تعطیل‌اند؛ واقعاً آدم گاهی اوقات احساس می‌کند. حالا مثلاً فرض بفرمایید این همه ما مسئله‌ی فرهنگی در کشور داریم، مسائل مهم که شاید من بتوانم ده مسئله‌ی اصلی فرهنگی را بشمارم که اینها دچار مشکل است؛ فرض کنید مسئله‌ی سینما، یک مسئله‌ی مهم است، [یعنی] مسئله‌ی فرهنگی مهمی است که سینمای کشور چه

۱. جلسه پرسش و پاسخ جوانان با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در دومین روز از دهه فجر ۱۳۷۷/۱۱/۱۳

جوری اداره می‌شود، از کجا پشتیبانی می‌شود - حالا پشتیبانی خارجی هم پیدا می‌کنند برای فیلم‌ها - اداره‌ی هنر کشور و سینما که چیز کوچکی نیست؛ مثلاً فرض کنید ده مسئله‌ی این جوری می‌شود پیدا کرد، [اما] ناگهان می‌بینید مثلاً فرض کنید اینکه فلان آهنگ قبل از افطار پخش بشود یا نشود، می‌شود مسئله‌ی اصلی؛ نامه‌نگاری می‌کنند! پیدا است که این دستگاه اختلال پیدا کرده که مسئله‌ی اصلی را از مسئله‌ی فرعی تشخیص نمی‌دهد و یک مسئله‌ی اصلاً بی‌اعتبار بی‌اهمیت فرعی را به‌عنوان یک مسئله‌ی اصلی، درشت می‌کنند. وقتی این جوری دستگاه‌های مرکزی اختلال دارند، آن وقت اینجا جای همان آتش به‌اختیاری است که عرض کردم.^۱

ازجمله‌ی کارهای مهم، کارهای فرهنگی است؛ ما خُلل و فُرَج فرهنگی زیاد داریم؛ جاهایی که نفوذگاه دشمن است از لحاظ فرهنگی، بسیار است؛ این را، هم مجموعه‌های مسئول دولتی، هم مجموعه‌های گسترده‌ی عظیم مردمی موظف‌اند که انجام بدهند. آتش به‌اختیار به معنی کار فرهنگی خودجوش و تمیز است؛ آنچه ما گفتیم معنایش این است که در تمام کشور، جوان‌ها و صاحبان اندیشه و فکر، صاحبان همت، خودشان با ابتکار خودشان، کار را - کارهای فرهنگی را - پیش ببرند، منافذ فرهنگی را بشناسند و در مقابل آنها، کار انجام بدهند؛ آتش به‌اختیار، به معنای بی‌قانونی و فحاشی و طلبکار کردن مدعیان پوچ‌اندیش و مدیون کردن جریان انقلابی کشور نیست. نیروهای انقلابی بیش از همه باید مراقب نظم کشور، مراقب آرامش کشور، مراقب عدم سوءاستفاده‌ی دشمنان از وضعیت کشور و مراقب حفظ قوانین [باشند]؛ این مراقبت‌ها در درجه‌ی اول متوجّه به نیروهای انقلاب است که دلسوزند،

۱. دیدار جمعی از دانشجویان با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۳۹۶/۳/۱۷

علاقه‌مندند و مایل‌اند که کشور به سمت هدف‌های خود حرکت بکند.^۱

۱۴- پذیرش مسئولیت‌های دشوار کوچک و بزرگ

جوانها باید شانه‌شان را زیر بار مسئولیت‌های دشوار کوچک و بزرگ بدهند؛ علاج مشکلات کشور این است. ما در گام دوم انقلاب بایستی حرکت کشور را بر دوش جوانها قرار بدهیم همچنان که در گام اول در دوره‌ی انقلاب هم هدایت را امام میکرد اما حرکت را و موتور پیشرفت را جوانان روشن میکردند، حرکت را آنها به وجود می‌آوردند. امروز تلاش شما و سعی شما این است که استقلال کشور را و عزت کشور را تأمین کنید؛ هزینه‌ی این کار را شما امروز دارید می‌دهید؛ [هزینه‌ی] امروز ملت ایران و جوانان ما، هزینه‌ی رسیدن به استقلال کامل - در جهات مختلف - و به عزت ملی و به جامعه‌ی اسلامی است؛ نسلهای بعد، از این دست‌آورد شما استفاده خواهند کرد؛ همچنان که یک روز جوانها، هزینه‌ی مبارزه‌ی با دستگاه طاغوت را قبول کردند و دادند، زندانش را رفتند، کتکش را خوردند و انقلاب بحمدالله به پیروزی رسید، نظام طاغوت ویران شد؛ یا در دوران جنگ تحمیلی خانواده‌ها هزینه‌ی دفاع از کشور را دادند و امروز شما در امنیت دارید زندگی میکنید؛ امروز هم شما باید هزینه‌ی ایستادگی در مقابل دشمن را بدهید تا نسلهای آینده ان‌شاءالله از دست‌آورد شما استفاده کنند.^۲

۱. خطبه‌های نماز عید فطر با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۳۹۶/۴/۵

۲. دیدار زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۳۹۸/۱/۱

فصل دوم

فهم و عمل به مضامین بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

«بیانیه‌ی گام دوم» یک ترسیم کلی از گذشته و حال و آینده انقلاب بوده. خب چهل سال [از انقلاب] گذشته - یک ترسیم کلی است، وارد جزئیات نشدیم - یک تصویرسازی کلی شده راجع به مسائل اصلی انقلاب. چهار نقطه‌ی به اصطلاح اصلی در این بیانیه مورد تأکید بوده:

نقطه‌ی اول: «عظمت حادثه‌ی انقلاب». خیلی‌ها به این توجه نمی‌کنند، خواستیم به این توجه بشود، دقت بشود: حادثه‌ی انقلاب؛ هم خود پدید آمدن انقلاب در این نقطه‌ی مشخص جغرافیایی و در آن برهه‌ی مهم تاریخی، و بعد، ماندگاری انقلاب؛ بنابراین این یک نقطه است: عظمت انقلاب، هم از لحاظ وقوع، هم از لحاظ ماندگاری.

نقطه‌ی دوم: «عظمت راه طی شده و کارکرد انقلاب تا امروز»؛ [یعنی] نقطه‌ی مقابل حرف آن کسانی که اصرار دارند بگویند انقلاب نتوانسته کارکردی از خودش نشان بدهد. بنده در این بیانیه این را - البته به طور مجمل و کوتاه - بیان کردم که نخیر، انقلاب کارکرد کاملاً برجسته و ممتاز در زمینه‌های گوناگون داشته؛ هم در زمینه‌ی سیاسی، هم در زمینه‌ی اجتماعی، هم در زمینه‌ی علمی، هم در زمینه‌ی عدالت، هم در زمینه‌ی آزادی. انقلاب در زمینه‌ی همه‌ی خواسته‌های مهم بشری و ملی و بین‌المللی کارکردهای برجسته‌ای داشته. پس نقطه‌ی دوم، عظمت کارکردهای انقلاب.

نقطه‌ی سوم که در این بیانیه مورد نظر است، «عظمت چشم‌اندازی است که باید به آن برسیم»؛ اینکه ما به کجا می‌خواهیم برسیم، می‌خواهیم چه کار

کنیم، هدف ما کجا است.

و نقطه‌ی چهارم: «عظمت نقش نیروی جوان متعهد»؛ نه هر جوانی؛ جوانی که احساس تعهد کند، احساس مسئولیت کند. عظمت نقش این قشر یعنی جوان متعهد در این مسیری که در پیش رو داریم و در رسیدن به آن چشم‌انداز مورد نظر.

این چهار نقطه‌ای است که ما اینجا خواستیم [بیان کنیم]. البته من عرض کردم به اجمال؛ در یک بیانیه نمی‌شود خیلی این چیزها را تفصیل داد - یک کتاب یا دو کتاب باید نوشت - لکن جا برای تفصیل و فکر و مطالعه و تعمیق این حرفها وجود دارد.^۱

مطلب پایانی امروز من خطاب به جوانان، یعنی خطاب به عموم ملت است بخصوص جوانان. من اولاً باید عرض بکنم که تجاوب قشرهای مختلف از نخبگان و آحاد جوانان و دانشجویان و روحانیون و طلاب و دیگران به این بیانیه‌ی چهلمین سال، بیانیه‌ی گام دوم، بسیار بجا و خرسندکننده بود. این نشان‌دهنده‌ی این است که نیاز به تبیین وجود دارد و آمادگی در کل کشور بخصوص در بین جوانها هست.^۲

و در آخر به عنوان تاکید بیشتر برای اینکه متوجه شویم این بیانیه چه اندازه مهم و کلیدی است و اینکه بدانیم رهبر انقلاب چه اندازه روی این بیانیه توجه ویژه دارند، بهتر است سخن آیت الله شب زنده‌دار از اساتید سطح عالی حوزه را در مورد این بیانیه با یکدیگر بررسی نماییم. ایشان در اول درس خارج از فقه خودشان بیان کردند که در دیدار اخیرشان با رهبر انقلاب روایتی از آنچه ایشان درباره «بیانیه گام دوم انقلاب» گفته بودند را بدین گونه نقل

۱. دیدار جمعی از دانشجویان با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۳۹۸/۳/۱

۲. دیدار زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۳۹۸/۱/۱

می‌کنند: ایشان (امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) فرمودند:

«من روی این بیانیه خیلی زحمت کشیدم. من بنای بر این ندارم که اگر چیزی نوشتم یا مطلبی می‌گویم از دیگران درخواست کنم که روی آن کار کنند ولی راجع به این [بیانیه گام دوم] می‌گویم این کار را نکنند». لذا جوانان به عنوان سردمداران تحولات و به عنوان موتورهای پیشران انقلاب خیلی بیشتر و دقیقتر از دیگر افراد جامعه باید روی این بیانیه کار کنند و تمام تلاش خودشان را انجام دهند که بتوانند هر چه بیشتر خود را با مضامین این بیانیه مهم همگام کرده و به مضامین آن عمل کنند.

فصل سوم

تلاش در جهت تشکیل دولت اسلامی

ما جامعه‌ی اسلامی نداریم، ما دولت اسلامی هم نداریم! از آن مراحل چندگانه‌ای که ما مطرح کردیم، هنوز در دولت اسلامی‌اش مانده‌ایم؛ بعد از دولت اسلامی نوبت جامعه‌ی اسلامی است؛ ما این مراحل را در پیش داریم... داریم پیش می‌رویم؛ با همه‌ی مخالفت‌ها، با همه‌ی کارشکنی‌ها، با همه‌ی دهن‌کجی‌هایی که می‌شود، حرکت می‌کنیم و داریم پیش می‌رویم بلاشک. دلایل زیادی وجود دارد؛ لکن هنوز کار داریم، کار دارد؛ هنوز خیلی فاصله داریم تا اینکه بتوانیم یک دولت اسلامی به وجود بیاوریم.^۱

ما ... باید خود را بسازیم، مرتب با خود کلنجار برویم، یکدیگر را به حق وصیت کنیم، یکدیگر را ارشاد کنیم، مثل آینه‌ای در مقابل یکدیگر، عیوبمان

را صادقانه به هم نشان دهیم، بنا را بر رفع عیب بگذاریم و خود را روز به روز بهتر کنیم. هر کس هم که جدیداً مسئولیت را بر عهده می‌گیرد، با این نیت و هدف، مسئولیت را قبول کند که می‌خواهد برای خدمت به مردم، یک انسان صالح بشود، آنگاه می‌شود تشکیل دولت اسلامی. قوای مقننه و قضائیه و مجریه و مسئولان گوناگون ما باید بتوانند تا حد قابل قبولی خود را با این قالب‌ها و معیارهای دینی و اخلاقی اسلامی تطبیق دهند. این مرحله‌ی سوم است؛ ما الآن در این مرحله قرار گرفته‌ایم و باید دائم تلاش ما این باشد. اگر نماینده‌ی مجلسیم، اگر عضو دولتیم، اگر از مسئولان قضائی هستیم، اگر روحانی هستیم، هر کجا قرار داریم، اولین و مهم‌ترین وظیفه را اصلاح کار خود بدانیم؛ چون اصلاح شخص ما، صرفاً اصلاح شخص نیست؛ ما منشأ اثریم و یک کلمه حرف و یک امضاء و یک تصمیم‌گیری من و شما در جامعه تأثیر می‌گذارد. ما اگر خود را اصلاح کردیم، جامعه را اصلاح کرده‌ایم.^۱

اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی شد، آنگاه کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی خواهد شد؛ عدالت مستقر خواهد شد؛ تبعیض از بین خواهد رفت؛ فقر به تدریج ریشه کن می‌شود؛ عزت حقیقی برای مردم به وجود می‌آید؛ جایگاهش در روابط بین‌الملل ارتقاء پیدا می‌کند؛ این می‌شود کشور اسلامی.^۲ اول، ما اسلامی می‌شویم؛ وقتی اسلامی شدیم، «کونوا دعاة الناس بغير السننکم»^۳ آن وقت عمل ما مردم را مسلمان واقعی خواهد کرد و کشور، اسلامی خواهد شد؛ هم احکام و مقررات اسلامی است، هم اجرا اسلامی است، هم دولتمردان اسلامی‌اند، هم مردم به تبع حال و به تبع دولتمردان

۱. دیدار کارگزاران نظام ۲۱/۰۹/۱۳۸۰

۲. دیدار مسئولان و کارگزاران نظام ۱۲/۰۹/۱۳۷۹

۳. میزان الحکمة، محمد الرشیدی، ج ۴، الصفحة ۳۶۰۲

از لحاظ اخلاقی اسلامی خواهند شد.^۱

با توجه به خط و سیر مشخص شده توسط رهبر انقلاب اسلامی برای رسیدن به اهداف انقلاب اسلامی که همان ظهور منجی بشریت است، دولت اسلامی تا تشکیل نشود نمیتوانیم به سراغ دیگر مراحل برویم. زیرا امیر المومنین میفرماید که: «التاس علی دین ملوکهم» مردم بر دین سیاست مداران و حکام خودشان هستند. اگر دولت به معنای عام خودش اسلامی نشود نمیتوانیم انتظار داشته باشیم که جامعه اسلامی تشکیل شود و به دنبال آن تمدن اسلامی. پس بر همه افراد جامعه لازم است که در جهت اسلامی شدن دولت هر چه میتوانند تلاش نمایند. اما سوال اینجاست که نقش جوان در این فرآیند چیست؟

پیشران حرکت‌های اجتماعی جوانها هستند. در هر کشوری که به مسئله‌ی جوان و جوانان، آنچنانکه حق این مطلب است، درست رسیدگی شود، آن جوانها در کشور در راه پیشرفت موفقیت‌های بزرگی به دست خواهند آورد. جوانها در همه‌ی کشورها، در همه‌ی ملتها، یک نیروی پیشران محسوب میشوند؛ مثل موتور یک خودرو، پیشران حرکت عظیم جامع‌هی خودشان. در همه‌ی کشورها اینجور است؛ البته اگر جوانها خراب نشده باشند، فاسد نشده باشند، گرفتار نشده باشند، معتاد نشده باشند. طبیعت جوان تحرک و پیشرانی و پیشروی است.^۲

پروردگارا! این جوان‌های مؤمن، صالح و این عناصر خوب را پیش خودت و پیش امام زمان روسفید کن. کشور شما به نسل جوان مؤمن و اندیشمند و پرانگیزه، از همه چیز و از همیشه بیشتر نیازمند است. همه‌ی شما را به خدای

۱. دیدار اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸

۲. دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۳۹۶/۸/۱۱

حكيم و عليم مى سپارم.
و السلام عليكم و رحمة الله.



امام خامنه ای (مدظله العالی): «به شهید حاج قاسم سلیمانی به چشم یک فرد نگاه نکنیم؛ به چشم یک مکتب، یک راه و یک مدرسه درس آموز نگاه کنیم.»

نوشته حاضر برای شناخت مکتب سردار سلیمانی و اینکه چگونه این شهید ذوب در ولایت شد، در سه بخش مبانی، اهداف و وظایف تنظیم شده است، به گونه ای که اگر مخاطب، کتاب را به انتها برساند، ابتدا با مبانی مکتب انقلاب اسلامی، مکتب شهید سلیمانی و سایر شهدا آشنا می شود، سپس اهداف آن را که برخاسته از همین مبانی است می شناسد، و سپس در می یابد که برای رسیدن به این اهداف چه ویژگی هایی را باید در خود ایجاد نماید و چه وظیفه ای دارد.

این کتاب بر مبنای سخنان امامین انقلاب، وصیت نامه و بیانات شهید سلیمانی و دیگر شهدا و منابع اسلامی برای مخاطبین قشر جوانان تنظیم و تدوین شده است.